

یادگیری

روح الله براتی

تعریف کیمبل از یادگیری

یادگیری عبارت است از تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ می دهد.

مهمترین واژگان ۱- تغییر ۲- رفتار ۳- نسبتاً پایدار ۴- بالقوه ۵- تمرین یا تجربه ۶- تقویت

-تغییر پایدار نه موقتی (مثال:تغییر در اثر دارو یادگیری نیست)

-تغییر در توان رفتاری است(فرق عملکرد و یادگیری)

-در اثر تمرین و تجربه کسب میشود (تغییر بازتابی یادگیری نیست)

آیا یادگیری باید به تغییر رفتار بیانجامد؟(از نظر اسکینر بله و نظر دیگران متفاوت است).

اسکینر : یادگیری عین تغییرات رفتاری است و حتما باید به تغییر قابل مشاهده بینجامد.

اکثر نظریه پردازان: یادگیری یک متغیر رابط است که واسطه بین تغییرات رفتاری و تجربه است.در نتیجه همیشه یادگیری مشهود نیست.

متغیر مستقل(تجربه) ← متغیر رابط(یادگیری) ← متغیر وابسته(تغییرات رفتاری)

چه تغییراتی به یادگیری منتهی می شود؟

۱- تغییراتی که پایدار است(نکته:یادگیری چقدر پایدار است؟ دوام دارد تا آنجا که با گذشت زمان دستخوش فراموشی شود یا یادگیری تازه جایگزین یادگیری قبلی گردد).

۲- در نتیجه رشد نباشد.

۳- در نتیجه عواملی همچون خستگی و اثر دارویی نباشد.

۴- در نتیجه تمرین و تجربه باشد.

۵- در نتیجه حالات موقتی زودگذر نباشد.

- آشکار: (عملکرد) به جنبه های قابل مشاهده یادگیری اشاره دارند و با مشاهده تغییرات در عملکرد متوجه یادگیری می شویم.

رفتار

- نهان: همان تفکر است که معانی و نمادها را دربر می گیرد.

تقویت و پاداش :

- در شرطی پاسخگر: محرک غیرشرطی باعث می شود پاسخ شرطی را برانگیخته شود و خاصیت تقویت کنندگی دارد و حتی اسید رقیق، شوک و ... تقویت کننده هستند و این در در حالی که پاداش نیستند.

- از دیدگاه کنشگر: تقویت کننده چیزی است که رفتار قبل از خودش را نیرومند می کند ولی پاداش چیزی است که برای کاری که زمان صرف شده و نیرو مصرف شده ارائه می شود پس تقویت بلافاصله است ولی پاداش ممکن است فاصله دار ارائه شود.

- رفتار مشاهده پذیر در اصل موضوع اصلی روانشناسی است:

- فرایند یادگیری را بطور مستقیم نمی توان مطالعه نمود .
- ماهیت یادگیری را برحسب تغییر رفتار (عملکرد) می توان استنباط نمود .
- تقویت کننده رفتار را نیرومند میکند
- کلیه روانشناسان یادگیری فرایند یادگیری را واسطه رفتار می دانند؛ یعنی یادگیری و نتیجه تجارب خاص می دانند و پیش از تغییر رفتار صورت می گیرد .
- اسکینر تغییرات رفتار را یادگیری می داند یعنی پس از رفتار یادگیری صورت میگیرد .
- فرق اسکینر و دیگران در این است که اسکینر می گوید تغییر رفتار در اثر یادگیری نیست ولی دیگران می گویند که تغییر رفتار در اثر یادگیری است و خود تغییر رفتار یادگیری است.

-اسکینر معتقد است که اول تغییر رفتار است بعد یادگیری .

یادگیری غیر تداعی (یادگیری نوع سوم)

- ۱- **خوگیری:** عدم واکنش به محرکهای محیطی و یا عادت به محرکهای محیط درطول زمان
- ۲- **حساس شدگی:** پاسخ دادن به محرکها، لحظه ای ممکن است اتفاق بیافتد و ارگانیسم به جنبه های معینی از محیطش حساس تر می شود. (شوک و توجه به نور)

نکته: آیا پدیده خوگیری و حساس شدگی را می توان یادگیری دانست ؟ این تغییرات رفتاری گاهی موقتی اند و شرط نسبتاً پایدار یادگیری را برآورده نمی سازند خو گیری و حساس شدگی پیچیده که شرط نسبتاً پایدار یادگیری را تأمین می کنند یادگیری به حساب می آیند.

محرك ۱: برق		يادگيري نداعی و يادگيري غير نداعی	
غايب	حاضر		
پ(غير نداعی)	الف(نداعی)	حاضر	يادگيري ۲
ت(زمينه ای)	ب(غير نداعی)	غايب	

۱. شرطی سازی کلاسیک

نکته: يادگيري نداعی گرا

۲. شرطی سازی وسیله ای

۳- يادگيري مبتنی بر رویارویی با محرك:

a) نقش پذیری: الگوگیری یک ارگانیسم در دوره حساس رشد در الگوی مربوط به خود است. که اگر آن الگو اتفاق نیافتد نقش پذیری هم رخ نمی هد(غریزه+یادگیری)

b) يادگيري بومبتي بر رویاری با محرك: تولد نوزاد و بوی سینه مادر

c) يادگيري صدای پرنده

بازتاب: یک حرکت ماهیچه ای ساده-ای است که در اثر یک محرك مشخص ر ارگانیسم دیده می شود.(پلک زدن)

غریزه: الگوی رفتاری پیچیده، ناآموخته، فطری یا ذاتی(ارشی) که هدفی را دنبال می کند و منظور سازگاری ارگانیسم با محیط است.(در انسان انگیزه وجود دارد).

غریزه

۱- آموختنی نیست.

۲- فطری است.

۳- ساده است.

یادگیری

۱- آموختنی است.

۲- حاصل تجربه است.

۳- پیچیده و متأثر از محیط است.

● برخی پژوهشها نشان می دهد که رفتار ویژه نوع هم آموختنی است ولی به طور کلی ناآموختنی است.

● نقش پذیری ترکیبی از یادگیری و غریزه است .

● در نقش پذیری ایجاد عادت به یکباره صورت میگیرد(مثل اردک)

● در شرطی سازی کلاسیک ارگانیسم هیچ کنترلی روی تقویت کننده ندارد .

● در شرطی سازی وسیله ای تقویت به رفتار ارگانیسم وابسته است.

● در شرطی سازی کلاسیک تقویت کننده قبل از رفتار مورد نظر ارائه می شود ولی در شرطی سازی وسیله ای پس از رفتار موردنظر .

● شرطی سازی گریز و اجتناب انواع خاصی از شرطی سازی وسیله ای است .

● فرایندهای سازگاری خودکار را مکانیسم های تعادل حیاتی می گویند .

● مکانیسم تعادل حیاتی و بازتابها برای بقا مفید هستند و همچنین یادگیری هم ارزش بقا دارد .

● یادگیری باعث انعطاف پذیری موجود زنده و بقای او می گردد.

جنبه های نظریه

جنبه صوری: کلمات و نمادها

جنبه تجربی: رویدادهای فیزیکی یا مادی

قانون علمی: یک رابطه بارها مشاهده شده بین دو یا چند دسته از رویدادهاست(همه علوم برای کشف قوانین می کوشند).

از پژوهش تا نظریه

۱- کارکرد ترکیبی: تعداد زیادی مشاهده را تبیین کند.

۲- کارکرد اکتشافی: راه را برای پژوهش های آینده نشان دهد.

ویژگی نظریه علمی

- ۱- تعدادی مشاهده را ترکیب می کند.
- ۲- اکتشافی است.
- ۳- به طور تجربی قابل بررسی باشد.
- ۴- نظریه بعنوان یک ابزار است (نمی تواند درست یا نادرست باشد و می توان گفت مفید یا غیر مفید است).
- ۵- بر اساس اصل ایجاز است (اقتصادی، تیغ اکام، قانون مورگان) و گفته می شود تبیین ساده بهتر از تبیین پیچیده است.
- ۶- جنبه صوری دارد (حاوی مطالب انتزاعی).
- ۷- جنبه تجربی دارد (با رویدادهای تجربی نظریه همبسته باشد).
- ۸- با مشاهده تجربی آغاز و پایان می پذیرد.

آزمایش یادگیری

- ۱- چه جنبه هایی مورد پژوهش قرار بگیرد؟
- ۲- فرد نگر یا قانون نگر؟
- ۳- انسان در مقایسه حیوان بعنوان آزمودنی
- ۴- همبستگی یا آزمایشی؟
- ۵- کدام متغیر مستقل؟
- ۶- مستقل در چه سطحی؟
- ۷- کدام متغیر وابسته؟
- ۸- تحلیل و تفسیر داده ها

کوهن

دیدگاه مورد پذیرش تعدادی زیادی دانشمند را پارادایم (برنامه کار) می نامند. پارادایم یک چهارچوب کلی برای پژوهش تجربی به دست می دهد و از این لحاظ معمولاً فراتر از یک نظریه محدود است و بیشتر شبیه بهه مکتب فکری یا ایسم (گرایی) است مانند رفتارگرایی، تداعی گرایی و کارکرد گرایی. فعالیت حل مسئله در هر پارادایم را **علم نرمال** می گویند و زمانی که پارادایم با رویدادهای ناهمساز مواجه می شود باعث انقلاب در علم می شود.

پوپر

اصل ابطال پذیری فرق بین نظریه علمی و غیر علمی است. لذا نظریه علمی باید بگوید درباره اوضاع و احوال معین چه اتفاقی خواهد افتاد به پیش بینی های بخصوصی اقدام کند و علاوه بر آن خطر پذیر باشد یعنی احتمال بدهد که غلط از آب درآید.

کوهن

علم نرمال و تحلیل بر اساس عوامل روانشناختی و جامعه شناختی

پوپر

تحلیل بر اساس ابطال منطقی راه حل های مساله

تاریخچه نظریات یادگیری

سقراط : خرد چیزی نیست که فقط در نزد من باشد. من به دیگران بدهم.

سقراط: تا به جهل خود پی نبری آماده نمی شوی برای باز ساختن.

شیوه سقراط : پرسش به دنبالش باز پرسش تا فرد به تناقض ومسئله موجود در ذهنش پی ببرد. بدین گونه،روش معلمی را یاد می دهد یعنی روش آموزش غیرمستقیم .که این همان سازنده گرایی امروزی است.

افلاطون: افلاطون ، به جای فن پرسشگری سقراطی از روش انتقال مطالب استفاده و حرفهای استادش را نقل قول میکرد و انتقال می داد افلاطون به انتقال دانش و اندیشه پرداخت (روش سخنرانی) روش درون نگری را مطرح کرد.

نکته:افلاطون جزو اولین پارادایم اولیه فلسفی است که معتقد است که ما از طریق خردورزی و درون نگری می توانیم به تولید دانش و اندیشه بپردازیم.

نکته اولین گروهی که به پرسش: چگونه یادگیری رخ می دهد پاسخ دادند ؟ خردگرایان و در رأس آن افلاطون بود.

دیدگاه دوگانه نگری از جهان: فیثاغورثیان معتقدند، امور انتزاعی وجودی مستقل دارند و می توانند اشیاء مادی را تحت تأثیر قرار دهند و رویدادهای مادی چیزی نیستند جز تظاهرات امور انتزاعی ، هرچند عدد و ماده کنش متقابل دارند فقط ماده را تجربه می کنیم و نه عدد .

نکته :دیدگاه افلاطون فطرت گرایی است. دانش فطری است . افلاطون خردگرا ست زیرا دانش تنها از راه استدلال بدست می آید و نظریه افلاطون نظریه ی یادآوری دانش است . هر یک از اشیاء مادی دارای یک همتای انتزاعی اندیشه و صورت هستند که علت آن شی است.

افلاطون: اندیشه های انتزاعی تنها اساس دانش حقیقی است ما اندیشه ها را از راه چشم ذهن تجربه می کنیم و به درون متمرکز می کنیم به آنها می اندیشیم پس دانش حقیقی از راه درون نگری و خودکاوی حاصل می شود.

نکته :افلاطون دانش را ارثی میدانست که دانش یک جزء طبیعی ذهن است.

ارسطو: دانش را تجربه حسی و غیر ارثی می دانست .

اندیشه ارسطو وافلاطون هر دو معرف خردگرایی است که ذهن را فعال می دانستند.

افلاطون فطرت گرا و ارسطو تجربه گرا و خردگرای تجربی از نظر ارسطو واقعیت اصیل همان چیزی است که الان در حال تجربه آن هستیم چیزی است که از حواس ما می آید. پس با آمدن ارسطو نگاه دوگانه ای به یادگیری ایجاد شد. نگاه افلاطونی و نگاه ارسطویی.

نکته: ارسطو بنیانگذار تداعی گرای است.

ارسطو: دانش از تجربه حسی و استدلال (تعقل) حاصل می شود.

افلاطون	ارسطو
افلاطون اطلاعات حسی را سد راه و غیرقابل اعتماد می دانست	اما ارسطو تجارب حسی اساس همه دانش هاست تأثرات حسی آغازگر دانش هستند پس از آن ذهن باید بر این تأثرات حسی تعمق کند تا قانون مندی های حاکم بر آنها را کشف کند
افلاطون اینها صورت واقعیت اند واقعیت اصیل مربوط به عالم مثل است و فطری است	وجودی مستقل از تظاهرات تجربی نداشتند و آنها صرفاً روابط مشاهده شده در طبیعت بودند
درحالی که افلاطون دانش را حاصل استدلال خردگرایی و فطری می داند	دانش از تجربه حسی و استدلال (تعقل) حاصل میشود.

مثال ساده از نظریه مثل این است که هیچ دو اسبی در جهان دقیقاً مثل هم نیستند ولی در ذهن هر کس، یک اسب، شکل و فرم خاصی دارد که به شکل انتزاعی در فکر او وجود دارد. برای همین شخص هر اسب دیگری در هر کجای دنیا که ببیند باز به این نتیجه می رسد که آن حیوان، اسب است و نه موجودی دیگر.

تفاوت ارسطو و افلاطون: افلاطون اطلاعات حسی را سد راه و غیرقابل اعتماد می دانست اما ارسطو تجارب حسی اساس همه دانش هاست و تأثرات حسی آغازگر دانش هستند پس از آن ذهن باید بر این تأثرات حسی تعمق کند تا قانونمندی های حاکم بر آنها را کشف کند. افلاطون می گفت اینها صورت واقعیت اند واقعیت اصیل مربوط به عالم مثل است و فطری است وجودی مستقل از تظاهرات تجربی نداشتند و آنها صرفاً روابط مشاهده شده در طبیعت بودند. درحالی که افلاطون دانش را حاصل استدلال خردگرایی و فطری می داند اما دانش از تجربه حسی و استدلال (تعقل) حاصل می شود. ارسطو در تشریح دیدگاه تجربه گرایانه ی خود از دانش، قوانین تداعی اش را تدوین کرد. قوانین تداعی ارسطو: ۱. قانون شباهت ۲. قانون تضاد ۳. قانون مجاورت ۴. قانون بسامد یا فراوانی.

رنه دکارت

رنه دکارت من شک میکنم پس هستم به پرسش میپردازم پس وجود دارم به عبارتی عقلانیت انسان ، به شک، پرسشگری و تفکرش برم یگردد رنه دکارت در تبیین فعالیت ذهنی قویاً بر اندیشه های فطری متکی بود که از تجربه ناشی نمی شود، بلکه جزء جدایی ناپذیر ذهن هستند.

توماس هابز

مفهوم تداعی اندیشه ها را معرفی کرد ولی جزئیات آن را به تجربه نگرها و تداعی گرایان بعدی واگذاشت دو نوع تداعی را متمایز کرد: تداعی هدایت نشده یا سرگردان و تداعی منظم.

نکته/ هابز تأثیرات حسی را سرچشمه ی همه دانش ما می دانست. با این اعتقاد مکتب فلسفه تجربه گرایی و مکتب تداعی گرایی وابسته به آن را بازگشایی کرد .

- محرکها به کارکردهای حیاتی بدن کمک میکند و منجر به احساس درونی لذت می شود.

محرکها

- مانع کارکردهای حیاتی بدن میشود و منجر به احساس آزارنده می شود.

جان لاک

با اندیشه های فطری دکارت مخالف بود او معتقد بود اگر اندیشه های فطری بودند باید در تمام ذهن ها ثابت باشند درحالیکه اندیشه ها تحول پذیرند ذهن در لحظه تولد مانند یک لوح سفید است که تجربه بر آن می گذارد و ذهن از تجربه حاصل می شود. هیچ چیز در ذهن نیست که ابتدا در حواس نبوده باشد جان لاک یک تجربه گرا است. اما فلسفه او یک بخش مهم خردگرایی هم دارد. گرچه اندیشه های ساده از تجربه اند اما از راه تفکر درهم می آمیزند و تفکر یک فرایند خردگرایانه است .

لایپنیتز در تلخیص فلسفه لاک: چیزی در ذهن نیست که ابتدا در حواس نبوده باشد مگر خود ذهن و لاک مانند گاليله بین کیفیت نخستین و کیفیت ثانویه تمایز قائل شد کیفیت نخستین به اشیاء مادی یا فیزیکی و کیفیت ثانوی به تجربه ی روانشناختی اشاره دارد جان لاک قویاً با افلاطون و فطری گرایی مخالف بود.

جرج برکلی

هیچ چیز وجود ندارد مگر اینکه ادراک شود .

بودن = ادراک شدن اندیشه ها.

اندیشه ها تنها چیزهایی هستند که ما مستقیماً تجربه می کنیم. تنها چیزهایی هستند که به وجودشان مطمئنیم. علیرغم این ادعاها برکلی را یک تجربه گرا می دانند .

نکته: برکلی یک تجربه گراست زیرا محتویات ذهن از تجربه و واقعیت بیرونی مشتق می شوند. واقعیت بیرونی جنبه مادی ندارد، بلکه ناشی از خداوند است.

این اعتقاد که تنها واقعیت صرفاً ذهن ها و تجارب آنهاست را ایده آلیسم گویند.

امانوئل کانت

کوشید تا جنبه های غیرعملی خردگرایی و تجربه گرایی را اصلاح کند.

خردگرایی: تنها می تواند با دستکاری مفاهیم سروکار داشته باشد.

تجربه گرایی: دانش را به تجربه ی حسی و مشتقات آن محدود می کند.

کانت می گفت که تحلیل دقیق تجارب مقولات معینی از اندیشه را اشکار می کند .نکته: کانت می گفت که ۱۲ قوای فطری درانسان وجود دارد که به تجارب ما از جهان مادی معنا می دهند ازجمله وحدت، کلیت ،واقعیت ،هستی ،ضرورت، تقابل ، علیت.

نکته: کانت را می توان پیشاهنگ روانشناسی خبرپردازی نوین و علم شناختی بدانیم. کانت: ذهن را سرچشمه ی دانش می دانست و خردگرایی را زنده نگه داشت .

دیوید هیوم

هیوم و برکلی: ما به طور قطع هیچ چیز درباره ی جهان فیزیکی نمی دانیم ما از هیچ چیز نمی توانیم مطمئن باشیم .هیوم قویاً معتقد بود دانش آدمی از اندیشه هایی که به طریقی از تجربه ناشی می شوند ترکیب می یابد. دنیای تجربی را تنها به طور غیرمستقیم بلکه از راه اندیشه هایمان تجربه می کنیم. حتی قوانین طبیعت سازه هایی هستند مربوط به تخیلات.

نکته: اصل علیت از آنچه هیوم آن را نظم عاداتی اندیشه ها می نامید حاصل می شود. هیوم: فلسفه عقلایی، علوم فیزیکی و فلسفه اخلاقی به روانشناسی ذهن گرا خلاصه می شوند. بنابراین تمامی دانش مبنی بر تفسیر تجربه ی ذهنی است و هیچ چیز را با اطمینان نمی توان پذیرفت.

نکته/ لاک و برکلی دو قانون تداعی، مجاورت و مشابَهت را پیشنهاد کرده بودند و هیوم سه قانون مشابَهت و مجاورت و علت و معلول را مطرح کرد.

جان استوارت میل

احساسات و اندیشه ها را به عنوان عناصر بنیادی ذهن پذیرفت و ذهن را فعال می دانست
استوارت میل : از اندیشه های ساده، کلیت های تازه های به دست می آید که با اجزای تشکی دهنده بسیار تفاوت دارند عناصر حسی می تواند آنچنان درهم ادغام شوند که نوعی شیمی ذهنی ایجاد شود .

توماس رید

رید مانند کانت معتقد بود که ذهن دارای نیروهای مخصوص به خود است که بر نحوه ادراک ما از جهان تأثیر زیادی دارد. برای ذهن ۲۷ قوا ذهنی فرض کرد که اکثریت آنها فطری اند و بعدها اعتقاد به چنین قوایی روانشناسی قوای ذهن نام گرفت.

ژوزف گال

روانشناسی قوای ذهنی را چند گام پیشتر برد .
نکته: خدمت گال ایجاد علم جمجمه شناسی است .
روانشناسی قوای ذهنی: یک رویکرد ماهیچه ای برای یادگیری برگزید و بیان می کند که یادگیری عبارت است از نیرومند سازی قوا از طریق تمرین صفاتی که با آن قوا مرتبط هستند.

نظریه انضباط صوری

این باور که یک دوره خاص آموزش و تمرین ، قوای خاصی را نیرومند می سازد .
سه نظریه مطرح در انتقال یادگیری: ۱. نظریه ماهیچه ذهنی ۲. نظریه عناصر همانند ۳. نظریه فراشناخت.

ابینگهاوس

ابینگهاوس را نجات دهنده روانشناسی از یوغ فلسفه می دانند. ابینگهاوس به قانون تداعی فراوانی یا بسامد توجه خاص داشت. قانون بسامد عبارتست از هر چه یک تجربه بیشتر تکرار شود آسانتر به یاد می آید و حافظه از راه تکرار نیرومند می شود.
ابینگهاوس در آزمایش با هجاهای بی معنی دریافت که با افزایش تعداد هجاها ، زمان

مورد نیاز برای یادگیری آنها افزایش می یابد. زمان صرفه جویی تفاوت تعداد کوششهای مورد نیاز برای بازآموزی از تعداد کوشش های مورد نیاز یادگیری اولیه را زمان صرفه جویی نامید. ابینیگهاووس، اولین منحنی یادگیری در روانشناسی را خلق کرد منحنی یاد داری نشان داد 1: نرخ فراموشی در ساعتهای نخستین بعد از تجربه یادگیری بسیار سریع و پس از آن کند است 2. پر آموزی نرخ فراموشی را به نحو قابل ملاحظه ای کاهش می دهد .

پرآموزی: نرخ فراموشی را کاهش می دهد و مطالب بهتر حفظ و نگهداری می شود .ابینیگهاووس: تأثیر آنچه که اکنون یادگیری معنی دار میگویند را مطالعه کرد و نه تنها نرخ یادگیری برای مواد معنی دار بیشتر است، بلکه یاد داری آن مواد نیز به مراتب بهتر است .

پارادایم پیچیدگی پارادایم پیچیدگی پارادایمی که از دل پست مدرن بیرون آمده.

نگرش پیچیدگی یک نگرش جامع نگر است که قصد داشته که نقصها و ضعف های پست مدرن را اصلاح کند. جنبه ای از پست مدرن است که سعی می کند به طور همزمان عوامل مختلف را در نظر بگیرد و تعاملات پیچیده ی همزمانی که بین آنها رخ می دهد را در نظر می گیرد تا به درک بهتری از مسائل آموزش و پرورش برسیم. 1-

سوال:

۱- علم نرمال از نظر کوهن کدام است ؟

الف- پیروی از یک پارادایم مشخص ب-عدم پیروی از یک پارادایم مشخص

ج. نظریه کارکردی د.گزینه ۱ و ۳

۲- کدامیک از موارد زیر از ویژگی های تجربه گرایی نیست ؟

الف-ماشین گرایی ب- تداعی گرایی ج- اندیشه گرایی د- کاهش گرایی

۳- دیدگاه شیمی ذهنی را چه کسی مطرح کرد؟

الف- دکارت ب- روسو ج- استوارت میل د- اسپنسر

پاولف

مقایسه شرطی سازی کلاسیک با وسیله ای

شرطی سازی کلاسیک

پاسخ فراخوانده می شود و غیر ارادی است.

شرطی سازی وسیله ای

پاسخ صادر می شود و ارادی و تحت کنترل است.

بقای ارگانیسم: از راه ایجاد نظامی از علائم و نشانه ها که به پیش رویدادهای مهم امکان می دهد و این کار از طریق به وجود آوردن الگوهای رفتاری مقتضی در پاسخ به آن رویدادها امکان پذیر می شود.

تقویت: تقویت کننده US است و اگر آن از شرایط آزمایشی حذف شد خاموشی اتفاق می افتد تقویت کننده وضع خشنود کننده است که به دنبال پاسخ مقتضی می آید و اگر قطع شود خاموشی صورت می گیرد

پژوهشهای تازه

۱- پاسخ های شرطی (CR) ها الزاما پاسخ های غیر شرطی (UR های) کوچک نیست.

۲- خاموشی مستلزم تداخل است (بوتون)

۳- غلبه و وقفه

منع شرطی: کاهش در میزان پاسخ دهی در مدت زمانی که CS وجود دارد را منع شرطی گویند.

اگر دو CS (مثلاً نور و صوت) در کوششی حاضر باشند، حداکثر مقدار شرطی سازی در برابر یکی از CS ها (مثلاً صوت) تابعی است از اینکه تا آن زمان چقدر شرطی سازی در برابر CS دیگر (مثلاً نور) صورت گرفته است. هرچقدر به نور شذطی شده باشند به صوت کمتر می شوند.

نظریه شرطی سازی کلاسیک رسکورا – واگنر

۱- پاولف عامل اساسی در شرطی شدن کلاسیک را مجاورت زمانی و فراوانی دفعات همراهی CS و US می دانست رسکورا در آزمایش هایی مهم نشان داد که در شرطی شدن، CS باید پیش بینی کننده US باشد و احتمال وقوع US در مواقع ارائه CS باید بیش تر از زمانی باشد که CS ارائه نمی شود.

۲- وابستگی برای نشان دادن رابطه ای که در آن CS علامت آشکار و خبر دهنده ای برای US فراهم می آورد.

درماندگی آموخته شده

سلیگمن و همکارانش در آزمایشات خود پس از شرطی سازی کلاسیک حیوانات، تلاش کردند که به آن حیوانات یک پاسخ وسیله ای بیاموزند. مارتین سلیگمن شواهد متقاعد کننده ای به دست داده است که نشان می دهد حیوانات در شرایطی که رخدادهای تصادفی رنج آور رخ می دهد درمانده می شوند و این حالت را به عنوان یک پاسخ به مشکلات می آموزند و بعد از آن هر چه رخدادهای رنج آور پیش روی می آید آنها همان پاسخ درماندگی را نشان می دهند آنها به حیوانات شوک الکتریکی غیرقابل اجتناب وارد کردند. حیوانات نتوانستند یاد بگیرند که از شوک برقی اجتناب کنند یا بگریزند (پاسخ وسیله ای). آنها نتیجه گرفتند، حیوان در این موقعیت شرطی سازی کلاسیک، به دلیل عدم توانایی در کنترل شک درمانده است. درماندگی آموخته شده، هم ناشی از تجربه نامطلوب و هم ناشی از عدم توانایی یا ناتوانی تصویری موجود زنده در کنترل محیط است که منجر می شود افراد گوشه گیر، افسرده، ناامید و منفعل گردند

سایر توجیهات نظری

۱- اهمیت توجه: جاندار به محرک های محیط توجه می کند تا اینکه نشانه ای که یک رویداد مهم را پیش بینی کند پیدا نماید و در آن زمان جستجو برای نشانه های پیش بینی کننده متوقف می سازد.

۲- شگفت انگیزی:

مقدار شرطی شدن در هر کوشش، تابع این است که UCS تا چه اندازه شگفت آفرین باشد و این خود بستگی به این دارد که پیوند بین UCS و CS های ممکن تا چه اندازه نیرومند است. هر قدر UCS بیشتر شگفت آفرین باشد، مقدار شرطی شدن در آن کوشش بیشتر خواهد بود. در مراحل اولیه یادگیری، UCS بسیار شگفت آفرین است (به این معنی که هیچ یک از CS ها هنوز آن را پیش بینی نمی کند)، و بنابراین، در هر کوشش، یادگیری قابل توجهی صورت می گیرد. در مراحل بعدی یادگیری، لااقل یکی از CS ها UCS را پیش بینی می کند، و بنابراین UCS خیلی شگفت آفرین نیست و

در نتیجه در هر کوشش، یادگیری نسبتاً کمی صورت می‌گیرد. این الگوی یادگیری بیشتر در مراحل اولیه در مقایسه با مراحل بعدی، در واقع یکی از ویژگی‌های فراگیری پاسخ شرطی کلاسیک است

۳- بی‌ربطی آموخته شده: به کارآمدی ضعیف شده یک CS که در شرایط گواه یا کنترل تصادفی به کار رفته است.

۲- بازداري مکنون: زمانی رخ می‌دهد که رویارویی قبلی ارگانیسم با یک CS بدون حضور US بعداً که CS و US با هم می‌آیند مانع شرطی شدن می‌شود.

۳- فراشرطی شدن: سهولت شرطی شدن را وقتی که یک بازدارنده شرطی متعاقباً با یک US همراه می‌شود اتفاق می‌افتد توصیف نمایند.

ثرندايک

مهمترین اندیشه های ثرندايک

۱- یادگیری در نتیجه پیوند بین محرک (S) و پاسخ (R) بوجود می‌آید به همین دلیل به نظریه ثرندايک نظریه پیوندگرایی گویند.

۲- یادگیری در نتیجه تداعی گرایی بوجود می‌آید.

۳- نظریه ثرندايک رویکرد آزمایشی دارد.

۴- یادگیری به صورت کوشش و خطا صورت می‌گیرد.

۵- یادگیری مبتنی بر هیچ نوع تفکر و استدلالی نیست.

قوانین یادگیری ثرندايک تا قبل از سال ۱۹۳۰

الف- مفاهیم اصلی

۱- قانون آمادگی: شخص باید آماده انجام عمل باشد. طبق این قانون فرد باید از لحاظ رشد جسمی، عاطفی، ذهنی و غیره به اندازه کافی رشد کرده باشد تا بتواند مفهومی مورد نظر را بخوبی یاد بگیرد.

۲- قانون تمرین: براساس قانون تمرین، هر قدر محرکی را که پاسخ رضایت‌بخش به دنبال دارد بیشتر تکرار کنیم، رابطه بین محرک و پاسخ مستحکم‌تر و پایدارتر خواهد شد (قانون استفاده)، و بالعکس؛ یعنی بر اثر عدم تکرار، پیوند میان محرک و پاسخ ضعیف‌تر و سست‌تر می‌شود (قانون عدم استفاده)

۳- قانون اثر: قانون اثر نشان‌دهنده این واقعیت است که در جریان آزمایش و خطا، هرگاه بین محرک و پاسخ رابطه خوشایند و لذت‌بخشی پدید آید، آن رابطه تقویت می‌شود و برعکس، اگر بین محرک و پاسخ رابطه ناخوشایند و آزاردهنده‌ای به وجود آید، آن پاسخ خاموش می‌شود و از بین می‌رود.

ب- مفاهیم ثانوی

۱- پاسخ چندگانه: طبق این قانون اگر اولین پاسخ به حل مساله نینجامد پاسخهای دیگری به کار می گیریم.

۲- آمایه یا نگرش: منظور از آمایه، آمادگی یادگیرنده است (پیشینه ارگانیسم و حالات موقتی بدنی)

۳- غلبه عناصر: تنها بعضی از عناصر هر موقعیت بر رفتار اثر می گذارند.

۴- پاسخ از راه قیاس: پاسخ به یک موقعیت ناآشنا بر اساس عناصر مشترک صورت می گیرد (انتقال یادگیری) برخلاف انضباط صوری که می گفتند ذهن آدمی از قوای مختلفی مانند استدلال، و توجه، قضاوت و حافظه تشکیل یافته و اینها از راه تمرین نیرومند می شوند.

۵- جای گشت یا جا به جایی تداعی: یعنی مادامی که تعداد کافی عناصر محرک از موقعیت اصلی در موقعیت تازه موجود باشد، همان پاسخ اولیه داده خواهد شد.

قوانین یادگیری ثرندایک پس از سال ۱۹۳۰:

۱- قانون تمرین تجدید نظر شده: بعد از سال ۱۹۳۰ بطور کلی قانون تمرین رد شده است.

۲- قانون اثر تجدید نظر شده: فقط وضع خشنود کننده باعث یادگیری می شود بنابراین تنبیه هیچ اثری در یادگیری ندارد.

۳- تعلق پذیری: وقتی محرک و پاسخ متعلق به یکدیگر باشند تداعی بهتری صورت می گیرد.

فواید

الف) سازمان دادن مواد کلامی که فرد یاد می گیرد.

ب) اگر اثر تولید شده به یک نیاز ارگانیسم ارتباط پیدا کند موثرتر است.

اصل قطبیت: یک پاسخ یاد گرفته شده در جهتی که در آن شکل گرفته است با آمادگی کامل داده می شود.

۴- گسترش اثر: یک وضع خشنود کننده احتمال بازگشت پاسخهای پیرامونی پاسخ تقویت شده را نیز افزایش می دهد.

انواع شرطی سازی

۱- رفتار پاسخ گر (شرطی شدن نوع S) به وسیله محرک فراخوان که معمولاً یک محرک فیزیولوژیکی است، ایجاد می شود. نیرومندی شرطی شدن معمولاً با مقدار پاسخ شرطی معین می شود. پاسخهای غیر شرطی مثالهایی از رفتار پاسخ گر هستند زیرا آنها بوسیله محرکهای غیر شرطی فراخوانده می شوند. رفتار پاسخ گر همه بازتاب ها، مانند پرش دست در نتیجه سوزن زدن به آن، تنگ شدن مردمک چشم بر اثر نور، و ترشح بزاق در حضور غذا را شامل می شود

۲- رفتار کنش گر (شرطی شدن نوع R) رفتاری خودانگیخته است که هیچ محرک پیشاینده معینی را به عنوان محرک مولد آن نمی توان مشخص کرد. به عبارت دیگر، رفتار کنش گر به وسیله محرکها فراخوانده نمی شود، بلکه آن رفتار از جاندار صادر می شود. نیرومندی شرطی شدن معمولاً با نرخ پاسخ معین می شود. از آنجا که رفتار کنشگر در ابتدا با محرک های شناخته شده همراه نیست، خود به خودی به نظر می رسد. مثالهای این نوع رفتار عبارتند از سوت زدن، برخاستن و راه رفتن، رها کردن یک وسیله بازی و انتخاب وسیله دیگری از سوی کودک، و حرکت دادن دست ها، بازوها، یا پاها به طور دلبخواهی

اصول شرطی شدن کنشگر

تمایز اصلی اسکینر کشف روابطی بوده است که بین تقویت و رفتار وجود دارد. بین دو اصطلاح تقویت کننده و تقویت اگرچه به هم مربوط هستند، باید تفاوت قائل شد زیرا تقویت کننده یک محرک است در صورتیکه تقویت تاثیر آن است. اسکینر برای شناسایی تقویت کننده های اثر بخش هیچ قاعده ای بدست نمی دهد، بلکه می گوید تنها عامل مشخص کننده اینکه چیزی تقویت کننده است یا نه تاثیر آن بر رفتار است.

۱- هر پاسخی که با یک محرک تقویت کننده دنبال گردد تکرار می شود.

۲- محرک تقویت کننده چیزی است که نرخ پاسخدهی را افزایش می دهد.

جعبه اسکینر

اکثر کارهای اولیه اسکینر با یک اتاقک کوچک آزمایش که به جعبه اسکینر شهرت یافته است انجام شده اند. جعبه اسکینر شباهت زیادی به جعبه معمای ثرندایک دارد. این جعبه معمولاً دارای کف سیمی مشبک، یک چراغ، یک اهرم، و یک ظرف غذاست و طوری درست شده است که، وقتی حیوان اهرم را فشار می دهد، مکانیسم غذادهی راه اندازی می شود و مقداری غذا به درون ظرف غذا می افتد

- ۱- محرومیت (چند ساعت بدون غذا) ۲- تربیت کردن در جعبه آزمایش (غذا همراه با صدای تیک)
۳- فشار دادن اهرم (باعث دریافت غذا و تقویت شدن رفتار)

شکل دهی

شکل دهی دارای دو جزاست : تقویت تفکیکی و تقریب های متوالی . تقویت تفکیکی به این معنی است که بعضی پاسخ ها تقویت می شوند و پاسخ های دیگر تقویت نمی شوند . تقریب های متوالی به این واقعیت اشاره دارند که تنها آن پاسخ هایی که یکی بعد از دیگری به پاسخ مورد نظر آزمایشگر نزدیکند تقویت می شوند. در مثال ما، تنها پاسخ هایی که به طور متوالی به پاسخ اهرم فشار دادن نزدیک بودند به طور تفکیکی تقویت شدند.

خاموشی در نظریه کنشگر

مانند مورد شرطی سازی کلاسیک، وقتی که ما تقویت کننده را از موقعیت شرطی سازی کنشگر خارج می کنیم، خاموشی ایجاد می شود. البته به سطح کنشگر می رسد یعنی وقوع پاسخ بطور طبیعی در زندگی حیوان بدون آشنایی با تقویت.

بازگشت خود بخودی در نظریه شرطی سازی کنشگر

اگر پس از خاموشی ،حیوان برای مدتی به درون قفس نگداری اش قرار داده شود و دوباره به موقعیت آزمایشی بازگردانده شود باز هم برای مدتی کوتاه به فشار داده اهرم خواهد پرداخت بدون اینکه برای این کار مجددا تربیت شده باشد

رفتار خرافی در نظریه شرطی سازی کنشگر

بنا به اصول شرطی سازی کنشگر می توانیم پیش بینی کنیم که هنگام افتادن غذا در داخل ظرف غذای درون جعبه اسکینر ،هر عملی که حیوان انجام می دهد تقویت خواهد شد بعضی اوقات هنگامی که مکانیسم غذادهی بطور تصادفی فعال می شود رفتار تقویت شده دوباره انجام می شود و پاسخ نیرومند می گردد در چنین حالتی در حیوان رفتار عجیب و غریب ظاهر می شود ممکن است سرش را تکان بدهد ،دور خودش بچرخد و...به این گونه رفتار صفت خرافی داده اند زیرا حیوان طوری رفتار می کند که گویی رفتار او سبب دریافت غذا می شود

کنشگر تمیزی

شامل یک علامت است که به پاسخ منجر می شود و آن هم به نوبه خود به تقویت می انجامد.مثلا با روشن شدن چراغ به اهرم فشار می دهد و با خاموش شدن آن نه.

تقویت‌کننده‌های ثانویه

تقویت‌کننده‌هایی هستند که در اثر مجاورت با تقویت‌کننده‌های اولیه، از طریق شرطی‌سازی کلاسیک، خاصیت تقویت‌کنندگی پیدا کرده‌اند.

خلاصه کلر و شونفلد

- ۱- محرکی که با یک تقویت‌کننده همراه می‌شود ارزش تقویتی پیدا می‌کند.
- ۲- تقویت‌کننده مثبت یا منفی بر تقویت‌کننده ثانویه همان اثر را دارد.
- ۳- تقویت‌کننده ثانویه مستقل و غیر اختصاصی می‌شود همان اثر اولیه را دارد.
- ۴- از طریق تعمیم علاوه بر محرکی که با تقویت وابسته است بسیاری محرک‌های دیگر نیز ارزش تقویتی می‌یابند.

تقویت‌کننده‌های تعمیم‌یافته

تقویت‌کننده‌های ثانویه‌ای هستند که با بیش از یک تقویت‌کننده اولیه همراه بوده‌اند و خاصیت تقویت‌کنندگی پیدا نموده‌اند، مثل پول. زیرا هم برای موجود زنده که از غذا محروم بوده است و هم برای شخصی که میلی به غذا ندارد، تقویت‌کننده می‌باشد. البته ممکن است به خودمختاری کارکردی برسد یعنی بدون تقویت هم اینکار را انجام دهد.

زنجیره سازی

زنجیره سازی که عبارت است از متصل کردن زنجیره پاسخها پدیده مهمی دریادگیری کنشگراست. حتی رفتارظاهرا ساده ای مانند فشردن اهرم درجعبه اسکینرزنجیره پاسخهای متفاوتی را دربردارد. دراثرتداعی شدن با محرکهای تمیزی "SD" - مثل صدای مکانیزم غذادهی - که تقویت‌کننده‌های ثانوی شده اند آموخته می‌شوند. درابتدا محرکهای تمیزی که تقویت‌کننده‌های ثانوی می‌شوند آنهایی هستند که مستقیما با تقویت تداعی شده اند (مانند صدای مکانیزم غذادهی). اما به مرورزمان آن دسته از محرکهای تمیزی که بسیارمتفاوت هستند (مانند بوی اهرم) نیزمی‌توانند تقویت‌کننده‌های ثانوی شوند. بدین ترتیب زنجیره ای ازپاسخها به ترتیب محرکهای تمیزی می‌توانند به هم متصل شوند که هرکدام تقویت‌کننده ای ثانوی است که با تقویت‌کننده نخستین - دراین مورد غذا- تداعی شده است.

تقویت کننده های مثبت و منفی

- ۱- تقویت کننده مثبت نخستین چیزی است که برای جاندار بطور طبیعی تقویت کننده است مثل آب
 - ۲- تقویت کننده منفی نخستین چیزی است که بطور طبیعی برای جاندار مضر است مانند شوک برقی.
- تقویت کننده منفی چه نخستین و چه ثانوی، چیزی است که وقتی در نتیجه پاسخی از موقعیت خارج می گردد احتمال بازگشت آن پاسخ را افزایش می دهد.

تنبيه

زمانی رخ می دهد که پاسخ چیز مثبتی را از موقعیت حذف می کند یا چیزی منفی به آن می افزاید. تنبيه احتمال پاسخ را کاهش نمی دهد اگر چه سبب بازداري یا واپس زدن پاسخ می شود تا زمانی که تنبيه بکار می رود عادت ضعیف نمی گردد. باید توجه داشت طبق تعریف، تقویت منفی و تنبيه دو پیامد متفاوت با اثرات متضاد با هم دارند.

اثرات جانبی تنبيه

- ۱- تنبيه آثار هیجانی نامطلوب به جا می گذارد
- ۲- تنبيه تنها به ارگانيسم نشان می دهد که چه کار نکند نه اینکه چه کار بکند
- ۳- تنبيه صدمه زدن به دیگران را توجیه می کند
- ۴- کودک با قرار گرفتن در موقعیتی که بتواند در آن رفتار قبلاً تنبيه شده خود را انجام دهد، بدون اینکه برای آن تنبيه شود، ممکن است وادار به انجام آن رفتار شود
- ۵- تنبيه سبب پرخاشگری در شخص تنبيه شده می شود
- ۶- تنبيه اغلب یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگر می کند

جانشین تنبيه

به جای تنبيه میتوان از روش های دیگری استفاده کرد مثل: تغییر دادن محیط – استفاده از روش اشباع یا دلزدگی – توجه به مرحله رشد کودک – استفاده از روش تقویت رفتار نا همساز و در نهایت آخرین و بهترین روش خاموشی است.

مقایسه اسکینر و ثرندایک

تشابهات: اعتقاد به کنترل رفتار به وسیله محرک های موجود در محیط – بی اثر بودن تنبیه
تفاوت ها: ثرندایک وسیله اش برای سنجش میزان یادگیری زمان صرف شده تا رسیدن به راه حل بود
در مقابل اسکینر نرخ پاسخدهی را به عنوان متغیر وابسته به کار میبرد.

برنامه های تقویت

برنامه های تقویت، تعیین می نمایند که رفتارها با چه نرخ یا در چه فواصل زمانی تقویت می گردند.
اسکینر، برنامه های تقویت را به دو دسته زیر تقسیم می کند:

تقویت مستمر (پیوسته) CRF

یعنی بعد از هر رفتار (پاسخ) درست، موجود زنده تقویت می شود. مثلاً دانش آموزی هر بار نمره ۲۰ می گیرد، به او کارت آفرین داده می شود. در این برنامه تقویت در صورت عدم ارائه تقویت کننده، پاسخ شرطی سریع تر خاموش می گردد.

برنامه فاصله ای ثابت (FI):

در این برنامه، پاسخ موجود زنده پس از یک دوره زمانی ثابت و معینی تقویت می شود. به طور مثال، فردی در پایان هر هفته پس از انجام کار دستمزد دریافت می کند.

برنامه فاصله ای متغیر (VI):

در این نوع برنامه، پاسخ موجود زنده در دوره های زمانی مختلف تقویت می شود، یعنی گاهی پس از یک روز و گاهی پس از چند روز یا چند هفته.

برنامه نسبی ثابت (FR):

در این برنامه، پاسخ موجود زنده پس از تعداد معین و ثابتی تقویت می گردد. به طور مثال، دانش آموزی پس از ۵ بار گرفتن نمره ۲۰ به وسیله مربی جایزه دریافت می کند.

برنامه نسبی متغیر (VR):

در این برنامه، پاسخ موجود زنده پس از تعدادی تقویت می شود ولی موجود زنده نمی داند که چندمین رفتارش تقویت می گردد. به طور مثال، دانش آموزی می داند پس از گرفتن نمره ۲۰ تقویت می شود ولی نمی داند بعد از چندمین ۲۰ تقویت می شود.

برنامه تقویت همزمان و قانون جور کردن :

اسکینر کبوتران را تربیت کرد تا به دو دکمه که همزمان در دسترس بودند اما با برنامه های مختلفی تقویت می شدند نوک بزنند. او گزارش داد که کبوتران در دوره خاموشی پاسخ های خود را به نسبت برنامه های مختلف توزیع می کنند. بعد ها ریچارد هرنتاین با ذکر این نکته که تحت برنامه های همزمان فراوانی نسبی رفتار با فراوانی تقویت جور در می آید مشاهدات اسکینر را روشن تر ساخت.

برنامه تقویت زنجیره ای همزمان

در حالی که برنامه تقویت همزمان برای بررسی رفتارهای انتخابی ساده به کار میرود، برنامه تقویت زنجیره ای همزمان برای بررسی رفتارهای انتخابی پیچیده مورد استفاده قرار می گیرد. در این برنامه رفتار حیوان در ضمن اولین مرحله آزمایش تعیین می کند در ضمن دومین یا آخرین مرحله آزمایش چه نوع برنامه تقویتی دریافت خواهد کرد. معمولاً تقویت کنند های کوچک فوری به تقویت کننده های بزرگ دیرآیند ترجیح داده می شوند.

قراردادهای وابستگی

استفاده دیگر از شرطی سازی کنشگر است. بین دانش آموز و معلم به وجود می آید. گاهی به این ها قرارداد رفتاری میگویند. بین معلم و دانش آموز. اگر پنج دقیقه آرام باشی می توانی بری در حیاط بازی کنی. در حقیقت برای تغییر رفتار به وسیله وابستگی های تقویتی جاری به جایوابستگی های تقویتی دیرآیند است

اصل پریماک

مطابق این اصل، رفتارهایی که فراوانی بیشتری دارند، می توانند برای تقویت رفتارهایی که فراوانی کمتری دارند، به کار رود. به طور مثال، اگر فرزندی زیاد تلویزیون تماشا می کند ولی به تکالیف خود نمی پردازد، والدین می توانند به او بگویند که هرگاه تکالیف را انجام دادی، می توانی تلویزیون تماشا کنی.

هال

تاریخچه

کلارک لئونارد هال یکی از روان‌شناسان معروف آمریکایی، پژوهش‌های پردامنه‌ای در مورد آزمون استعدادها، تلقین‌پذیری، خواب مصنوعی و به‌ویژه یادگیری انجام داده است. کتاب‌های اساس رفتار روان‌شناسی‌های متعارض یادگیری و اصول رفتار او نفوذ انکارناپذیری در روند روان‌شناسی قرن بیستم آمریکا به جای گذاشته است.

در سال ۱۹۳۰ که شهرت و اهمیت کار ثرندایک در مورد آزمایش و خطا در روان‌شناسی یادگیری رو به کاهش نهاد، هال با نظریه معروف خود به نام کاهش سایق بر بنیاد تقویت نخستین شهرت یافت. او در سال ۱۹۵۲ در نظریه خود تجدیدنظر نمود و آن را با نام “یادگیری کاهش محرک سایق” منتشر کرد.

رویکرد هال به نظریه پردازی

روش او فرضی-قیاسی یا منطقی-قیاسی بود. در این روش قیاس کردن دقیق از مجموعه‌ای از فرمول‌بندی‌ها که از پیش تعیین می‌شوند مورد استفاده قرار می‌گرفت.

مفاهیم نظری عمده

نظریه او دارای یک ساخت منطقی شامل اصول موضوع و قضایا است. اصول موضوع عبارت‌اند از یکسری بیانات کلی درباره رفتار که مستقیماً نمی‌توان آن‌ها را اثبات کرد. از اصول موضوع، قضایا به صورت قیاسی استنباط می‌شود، که قابل آزمون کردن هستند. ابزار آزمون قضایا، آزمایش‌های مختلف هستند.

اصل موضوع ۱: حس کردن موضوع بیرونی و رد محرک

تحریک بیرونی تکانه عصبی حسی (آوران) را راه اندازی می‌کند. حاصل این وضعیت رد محرک است. چون این تکانه با یک پاسخ تداعی می‌شود هال فرمول سنتی S-R را به S-S-R تبدیل کرد. S.

همان رد محرک است که با R تداعی می شود. رد محرک باعث واکنش عصبی حرکتی (وابران) یا r می شود در نتیجه هال فرمول S-s-r-R را مطرح کرد.

اصل موضوع ۲: کنش متقابل تکانه های حسی

طبق این اصل تحریک بیرونی بسیار پیچیده است در نتیجه رفتار تابع یک محرک نیست بلکه تابع محرک های فراوانی است که با یکدیگر کنش متقابل دارند. (تأثیرات مشترک محرکها)

اصل موضوع ۳: رفتار نا آموخته

موجود زنده با سلسله مراتبی از نیازها متولد می شود و منظور از سلسله مراتب پاسخ های متعددی است که در هر لحظه ظاهر می گردد تا نیازی را برای فرد برطرف نماید(دما و واکنش فرد) حال اگر هیچ یک از الگوی پاسخ فطری به کاهش نیاز نینجامد موجود زنده پاسخ تازه را یاد می گیرد. بنابراین یادگیری زمانی رخ می دهد که سلسله مراتب پاسخ های فطری نتواند نیاز ارگانیسم را کاهش دهد.

اصل موضوع ۴: مجاورت و کاهش سایق شرط لازم یادگیری است

اگر محرکی به پاسخ منتهی شود تداعی بین محرک و پاسخ نیرومند می شود و هرچه مجاورت بین محرک و پاسخ بیشتر باشند نیرومندتر خواهند بود حال اگر تداعی با تقویت دنبال گردد نیرومند خواهد شد. لذا اگر پاسخ به یک محرک به صورت عادت درآید پاسخ نیرومندتر خواهد شد. هال وضعیت فوق را نیرومندی عادت یا SHR می نامد.

نیرومندی عادت: افزایش تعداد همایندی های تقویت شده یک محرک و یک پاسخ، نیرومندی عادت تداعی بین آنها نیز افزایش می یابد. البته لحظه ای می رسد که همایندی تقویت شده اضافی هیچ تأثیری بر یادگیری ندارند.

اصل موضوع ۵: تعمیم محرک

توانایی یک محرک در فراخوانی یک پاسخ تحت تأثیر شباهت با محرک اولی است. هر چقدر شباهت بین دو محرک بیشتر باشد تعمیم بیشتر است. در نتیجه یادگیری به موقعیت تازه تعمیم می یابد هال این فرایند نیرومندی را نیرومندی عادت تعمیم یافته SHR نامیده است.

اصل موضوع ۶: محرکهای وابسته به سائق

هر سائق دارای محرک های خاص است. مثلاً خشک شدن دهان، لب ها و گلو با سائق تشنگی همراهند. حال وجود این محرکهای خاص این امکان را فراهم می کند که به حیوان آموزش دهیم تا تحت یک سائق به گونه ای رفتار کند(گرسنه به راست برود) و تحت سائق دیگر به گونه ای دیگر(تشنگی به چپ)

اصل موضوع ۷: توان واکنش تابع سابق و نیرومندی عادت است

احتمال انجام یک پاسخ آموخته شده در یک لحظه را توان واکنش گویند (SER). و توان واکنش تابعی از SHR (نیرومندی عادت) و D سائق) است. نقش D برانگیختن رفتار و شدت دادن به آن است نه هدایت کردن رفتار. با توجه به نکات فوق توان واکنشی عبارت است از: $SER = SHR \cdot D$

اگر هر کدام از متغیرهای فوق صفر باشد SER نیز صفر است.

اصل موضوع ۸: پاسخ منجر به خستگی می شود

خستگی باعث بازداري واکنشی (IR) می شود و بازداري واکنشی بر اثر خستگی فعالیت های ماهیچه ای بوجود می آید و پس از استراحت IR ناپدید می شود. بنابراین خاموشی به دو علت عدم تقویت و IR رخ می دهد.

وقتی تمرین های یادگیری از هم فاصله داشته باشند (تمرین فاصله دار) از زمانی که تمرین ها نزدیک به هم انجام می گیرد (تمرین بی وقفه) عملکرد بهتر است.

اصل موضوع ۹: پاسخ یاد گرفته شده پاسخ ندادن

۱- خستگی باعث پاسخ ندادن می شود در نتیجه باعث از بین رفتن بازداري واکنشی IR می شود. پاسخ یاد گرفته شده پاسخ ندادن بازداري شرطی SIR نام دارد. IR و SIR هر دو علیه فراخوانی پاسخ عمل می کنند. بنابراین باید از توان واکنشی کسر گردد تا توان واکنش مؤثر یا S R بدست آید.

$$S R = S R - (IR + SIR) = \text{توان واکنشی مؤثر}$$

اصل موضوع ۱۰: عوامل بازدارنده پاسخ از یک لحظه به لحظه دیگر فرق دارند

۱- به توان بازدارنده اثر نوسان یا SOR گویند. این اثر نوسان همیشه وجود دارد. طبق این اثر می توان توضیح داد که چرا یک پاسخ آموخته شده در یک زمان رخ می دهد ولی در زمان دیگر رخ نمی دهد. بنابراین SOR را باید از S R کسر کرد تا توان واکنشی مؤثر لحظه ای بدست آید.

$$S R = [SHR \cdot D - (IR + SIR) - SOR] = \text{توان واکنشی مؤثر لحظه ای}$$

اصل موضوع ۱۱: باید از مقدار معینی فراتر رود تا پاسخ ظاهر گردد

باید شدت محرک به حد آستانه مشخصی برسد تا پاسخ شرطی بتواند ظاهر گردد (آستانه واکنش SLR). طبق این اصل پاسخ آموخته شده زمانی انجام خواهد شد که S R از SLR بزرگتر باشد.

اصل موضوع ۱۲: احتمال انجام پاسخ آموخته شده تابع SLR.SOR.S R است

۱- در مراحل اولیه S به SLR بسیار نزدیک است لذا SOR در بعضی کوششها دیده می شود و در بعضی دیگر دیده نمی شود علت این امر که بعضی کوششها SOR که از S R کسر می شود آنقدر بزرگ است که مقدار S R را به کمتر از مقدار SLR کاهش می دهد.

اصل ۱۳: هر چه مقدار S R بزرگتر باشد دوره تأخیر بین S و R کوتاه تر است

نهفتگی فاصله زمانی بین لحظه ارائه محرک به ارگانیسم و زمان دادن پاسخ یادگرفته شده از سوی ارگانیسم گفته می شود.

اصل ۱۴: مقدار S R تعیین کننده مقاومت در برابر خاموشی است

هر قدر مقدار S R بیشتر باشد به همان نسبت تعداد پاسخ های تقویت نشده که باید پیش از خاموشی داده شوند بیشتر است (n)

اصل ۱۵: دامنه یک پاسخ شرطی با S R تغییر می کند

وقتی که پاسخ ظری از نوع پاسخ هایی است که به مقادیر مختلف داده می شود (ترشح بزاق یا پاسخ برقی پوست) دامنه یا مقدار پاسخ شرطی مستقیماً با اندازه S R ارتباط دارد. (A)

اصل ۱۶: وقتی احتمال دو یا چند پاسخ ناهم ساز وجود داشته باشد پاسخی که بیشترین S R را دارد به وقوع خواهد پیوست

خلاصه علائم مورد استفاده در نظریه هال

A	P	StR	SLR	SOR	SER	SIR	IR	SER	SHR	D
دامنه پاسخ	احتمال پاسخ	زمان واکنش	آستانه واکنش	اثر نوسان	توان واکنش موثر	بازداری شرطی	بازداری واکنشی	توان واکنش	نیرومندی عادت	سائق

تجدیدنظرهای هال

در این قسمت، مفاهیم تکمیلی حاصل از تحقیقات هال و همکاران او یعنی سه مفهوم زیر ذکر می‌شوند:

الف) انگیزش تشویقی؛ هال در نظریه ۱۹۴۳ خود، مقدار تقویت را یک متغیر یادگیری دانست: هر اندازه مقدار تقویت بیشتر باشد، به همان نسبت مقدار سایق هم بیشتر است به عبارت دیگر باعث افزایش در SHR خواهد بود. اما پژوهش‌های بعدی موید این موضوع نبوده است. آزمایش‌ها نشان داد که وقتی مقدار تقویت پس از کامل شدن یادگیری تغییر می‌کند، عملکرد به طور چشمگیری تغییر می‌کند. برای مثال وقتی که به حیوانی برای دویدن در طول یک گذرگاه مستقیم برای دریافت مقدار اندکی تقویت‌کننده تربیت شده است مقدار زیادی تقویت‌کننده داده می‌شود، سرعت دویدن او یکباره زیاد می‌شود. وقتی به حیوانی که مقدار زیادی تقویت‌کننده دریافت می‌کند مقدار اندکی تقویت‌کننده داده شود، سرعت دویدن او کم می‌شود. کرسپی از نخستین آزمایشگرانی بود که نشان داد عملکرد با تغییر مقدار تقویت به میزان زیاد تغییر می‌کند. به این اثر یعنی تغییر سریع عملکرد به دنبال تغییر در مقدار تقویت را اثر کرسپی می‌گویند.

ب) پویایی شدت محرک؛ از نظر هال با تغییر شدت محرک بیرونی (S) پویایی شدت محرک (V) تغییر می‌کند در واقع V یک متغیر واسطه‌ای است که بر پاسخ تأثیر دارد. پویایی شدت محرک نشان می‌دهد که هر چه شدت یک محرک بیشتر باشد احتمال اینکه پاسخ یادگرفته شده انجام شود بیشتر است.

$$S R = [S H R D - (I R + S I R) - S O R \text{ = توان واکنشی مؤثر لحظه ای}]$$

گاتری

گاتری آشکارا یک رفتارگرا بود. درواقع گاتری فکر می کرد که نظریه پردازانی چون ثراندایک ، اسکینر ، هال ، پاولف ، و واتسون بسیار ذهنی گرا هستند. او با کاربرد دقیق قانون ایجاز توانست همه پدیده های یادگیری را با استفاده از تنها یک اصل یعنی اصل یا قانون مجاورت تبیین کند. البته همراه با این اصل دو اصل دیگر یادگیری تک کوشش و اصل تاخر بنا شده است.

قانون مجاورت

گاتری قانون مجاورت را به شرح زیر بیان می کند. ترکیبی از محرک ها که با حرکتی همراه شده است، وقتی که دوباره ظاهر شود، همان حرکت را به دنبال خواهد داشت. و یا به تعبیر دیگر اگر شما در یک موقعیت معین عمل خاصی را انجام دهید بار دیگر که در آن موقعیت قرار می گیرید همان عمل را انجام خواهید داد. (آنچه مورد توجه قرر می گیرد به صورت علامتی برای آنچه انجام می گیرد در می آید)

خلاصه نظریه گاتری

۱- اصل یادگیری یک کوششی: او اعتقادی به بسامد و یا فراوانی ندارد و می گوید ترکیبی از محرکها در نخستین همایندی با یک پاسخ، حداکثر نیرومندی تداعی را کسب می کند. در حقیقت نظریه گاتری بیش از همه به نظریه واتسون شبیه است. تفاوت اصلی بین نظریه واتسون و نظریه گاتری این است که واتسون قانون بسامد را

می پذیرفت اما گاتری آن را قبول نداشت.

۲- اصل تاخر: هر پاسخی که آخر از همه در حضور مجموعه ای از محرک ها انجام شود، در باز پیدایی آن محرک ها، همان حرکت انجام خواهد شد.

۳- محرک های ناشی از حرکت: پس از آنکه پاسخی به وسیله یک محرک بیرونی ایجاد گردید، خود بدن

می تواند برای پاسخ بعدی محرک تولید کند و آن پاسخ می تواند برای پاسخ بعدی نقش محرک را ایفا کند و الی آخر. همان پاسخهای عضلانی است که به تحریکات بیرونی داده می شود لذا زنجیره سازی بر اثر محرکهای ناشی از حرکت ایجاد می شود.

در نظریه اسکینر زنجیره سازی بر اثر تقویتهای ثانوی و محرکهای بیرونی است.

در نظریه هال زنجیره سازی بر اثر RG و SG است.

گاتری بروی زنجیره سازی محرکهای درونی تاکید دارد.

تحریک بیرونی (صدای زنگ تلفن) B پاسخ آشکار (چرخیدن بسمت تلفن) B

محرک های ناشی از حرکت B پاسخ آشکار (بلند شدن) B

محرک های ناشی از حرکت B پاسخ آشکار (حرکت) B

محرک های ناشی از حرکت B پاسخ آشکار (برداشتن گوشی)

۴- چرا تمرین عملکرد را بهبود می بخشد؟

چرا این سوال مطرح شد؟ زیرا به نظر او یادگیری یک کوششی است پس تمرینها چگونه عملکرد افراد را بهبود می بخشد. او بین حرکت و عمل و مهارت تفاوت قایل است.

الف: حرکات: انقباض های ساده ماهیچه ای که بر اساس تداعی و یا شرطی سازی صورت می گیرد.

ب: اعمال: تعداد زیادی حرکت که موجب تغییراتی در محیط می شود. یادگیری بعنوان یک عمل نیاز به تمرین دارد.

ج: مهارت: از تعداد زیادی عمل ایجاد می شود. هرچند برای هر کدام از این اعمال یادگیری جداگانه ای صورت گرفته است. مثلا مهارت تایپ نمودن که باید تمام حروف و اعداد و نشانه ها را جداگانه یاد گرفته و در شرایط متفاوت انجام دهد.

در یک کوشش تداعی بین یک حرکت و یک پاسخ صورت می گیرد مثلا تداعی الف با کلید مورد نظر. در حرکت دوم تداعی بین ب و کلید بعدی و... یعنی در یک کوشش هر حرف را یاد می گیرد و تمرین موثر است. آنگاه وقتی تمام کلیدها را فرا گرفت تبدیل به یک مهارت می شود.

حرکات (.....) اعمال (.....) مهارت

گاتری با ثرنندایک مخالف بود و می گوید او یادگیری یک مهارت را مطالعه می کرد نه یادگیری حرکت های واحد

۵- ماهیت تقویت: او قانون اثر ثرندایک را زائد می داند زیرا می گوید ثرندایک داشت یک مهارت را مطالعه را می کرد و همان یادگیری یک کوششی است. گاتری تقویت را باعث تغییر شرایط تحریکی می-داند که باعث جلوگیری از یادگیری زدایی می شود. مثلاً بر اثر قانون تاخر تکان دادن حلقه برای رهایی بعنوان آخرین عمل است که بار دیگر انجام می شود. (برخلاف ثرندایک، اسکینر، هال و پاولف)

سوال : جایگاه تقویت را بر اساس اصل تاخر گاتری تبیین کنید؟

۶- فراموشی: او فراموشی را یک محو شدن تدریجی تداعی های محرک - پاسخ که به طور انفعالی و صرفاً با گذشت زمان رخ داده نمی داند. بلکه مستلزم نوعی یادگیری زدایی فعال است، که نیازمند یادگیری انجام کاری دیگر در همان موقعیت است. مانند بازداری پس گستر که یادگیری تازه با یادگیری گذشته تداخل می کند.

همه فراموشی ها در نظریه گاتری به نوعی یادگیری هستند به این معنا که موقعیت جدید رفتار - خاموشی یک موقعیت تازه برای ارگانیزم ایجاد می کند که مستلزم پاسخ جدید است که این موقعیت جدید با موقعیت رفتار - پاسخ تداخل می کند. (مانند نظریه بتون) در نظریه رفتارگرایان خاموشی بر اثر نبود تقویت صورت می گیرد.

۷- روش های ترک عادت (مفهوم جای گشت ثرندایک)

عادت: پاسخی است که در اثر تعداد زیادی محرک تداعی ایجاد شده است. هر چه تعداد محرک هایی که پاسخ را فرا می خوانند بیشتر باشد عادت نیرومند تر است. به عنوان مثال پاسخ سیگار کشیدن می تواند به یک عادت نیرومند تبدیل شود زیرا پاسخ سیگار کشیدن در حضور نشانه های زیادی رخ می دهد. مانع اصلی در راه اجتناب از یک عادت بد، یافتن نشانه هایی است که مسئول ایجاد آن عادت هستند. هر بار تکرار موجب افزوده شدن یک یا چند نشانه ی تازه می شوند که اینها نیز آن عادت را در آینده راه اندازی می کنند.

قانون ترک عادت: نشانه هایی که عادت بد را شروع میکنند پیدا کنیم و پاسخ دیگری را در حضور این نشانه ها تمرین کنیم. در حقیقت این روش ها راه هایی هستند برای وادار کردن ارگانیزم ها به انجام پاسخی به غیر از پاسخ نامطلوب در مقابل یک الگوی محرک خاص.

الف: روش آستانه: ارائه محرک با چنان درجه ای از ضعف که منجر به پاسخ نشود، در واقع معرفی محرک پایین تر از آستانه پاسخ باشد. (مانند روش حساسیت زدایی منظم) مثال اسب و گذاشتن یک پارچه - یک زین سبک - زین معمولی - زین اصلی

ب: روش خستگی: تقویت و تشدید محرک ها، در نتیجه خستگی فرد از پاسخ های پیاپی و در نتیجه ارائه پاسخی به جز پاسخ قبلی که همان عادت است. (مانند روش غرقه سازی) مثلاً یک مرتبه زین را روی اسب قرار داده و اجازه دهیم با این زین بدود تا خسته شود.

ج: روش پاسخ ناهمساز: در این روش، محرک های پاسخ نامطلوب همراه با محرک های دیگری که پاسخ ناهمساز با پاسخ نامطلوب ایجاد میکنند، ارائه می شوند. مثلاً همراهی مادر با خرس عروسکی. در این روش دو محرک به یادگیرنده ارائه می شود و معمولاً محرکی که پاسخ ناهمساز ایجاد میکند (مادر) غالب است. (مانند روش جای گشت و تداعی ثرندایک)

۸- پرهیز از عادت: یعنی اجتناب از نشانه هایی که منجر به رفتار نامطلوب می شود. مانند ترک محیط

۹- تنبیه: تنبیه نه به علت ناراحتی که تولید میکند بلکه به سبب اینکه نحوه پاسخدهی فرد به محرک های معین را تغییر می دهد موثر است. لذا تنبیه موثر زمانی است که پاسخ تازه ای را به محرک های قدیمی ایجاد کند و به این علت در تغییر دادن عادت نامطلوب موثر است که رفتار ناهمساز با رفتار تنبیه شده را ایجاد کند. البته باید متناسب با وضعیت هم باشد. مثلاً شوک دادن به پاهای جلو رفتار ناهمساز با دویدن را موجب می شود، در حالی که شوک دادن به پاهای عقب تندتر دویدن را سبب می گردد.

نکته: تنبیه، تنها در حضور نشانه های مربوط به عادت بد موثر است.

۱۰- سائق: محرکهای نگهدارنده میتوانند ارگانیسم را تا رسیدن به هدف فعال نگه می دارند. مانند گرسنگی که باعث تحریکات درونی شده و تا خوردن غذا ادامه دارد. البته این وضع تحریکی پایدار می تواند درونی و یا بیرونی باشد که باعث تولید محرکهای نگهدارنده شود. این گونه محرکهای پایدار و آشفتهگی را گاهی سائق نامیده می شوند.

۱۱- قصد: زنجیره رفتاری پیش از پاسخ کاهش دهنده سائق، بار دیگر که سائق با محرک های وابسته به آن ظاهر می شود، تکرار می گردد. که این رفتارها به ظاهر دارای ارتباط درونی و منطقی هستند و لذا به آن عمل از روی قصد گفته می شود.

۱۲- انتقال آموزش: او به این انتقال معتقد نبود و می گوید ما آنچه را که انجام می دهیم یاد می گیریم. لذا باید موقعیت و محیط یادگیری باید مانند آزمون باشد زیرا علامتهای زمان یادگیری در زمان آزمون در یادآوری موثر است. او مفاهیم بینش، فهم و تفکر را قبول ندارد و در نظریه او اشاره ای به رویدادهای هشیار دیده نمی شود و اعتقاد دارد پاسخ های غلط به همان سادگی پاسخ های درست آموخته می شوند. (مانند انتقال آموزش بر اثر شرایط همانند ثرندایک)

گشتالت

گشتالت در واقع واژه آلمانی معادل انگاره یا الگو است . پیروان این مکتب معتقدند ما دنیا را در کل های معنی دار یا گشتالت ها تجربه می کنیم نه محرک های جداگانه و تجزیه کردن پدیده ها به معنای تحریف آن می باشد.

پدیده فای: ورتایمر دریافت که در صورتی که چشم محرک را به طریق معینی ببیند در شخص تصور حرکت ایجاد می شود.(رقص نور)اهمیت پدیده فای در این است که این پدیده با عناصری که آن را به وجود می آورند فرق دارد. احساس حرکت توسط بررسی هر یک از دو نوری که خاموش یا روشن می شوند قابل تبیین نخواهد بود. تجربه حرکت به نحوی از ترکیب عناصر به دست می آید.لذا بیان می دارد که تجربه پدیدار شناختی با اجزای تشکیل دهنده آن تفاوت دارد.

معنی گشتالت در این نظریه آن است که، کل از اجزای تشکیل دهنده‌ی آن بیشتر است. یعنی کل، دارای خواص یا ویژگی‌هایی است که در اجزای تشکیل دهنده‌ی آن یافت نمی‌شود و از خیلی جهات، تعیین کننده‌ی خصوصیات اجزاء است. (کل با اجزای آن متفاوت است).

مخالفت با اراده گرایی، ساخت گرایی و رفتارگرایی

مکاتبی که در زمان بروز گشتالت شکل گرفته بودند شامل اراده گرایی، ساخت گرایی و رفتارگرایی بودند که گشتالتی‌ها به مخالفت با آن‌ها برخاستند. ساخت گرایان و اراده گرایان از روش درونگرایی برای کشف عناصر ذهن به کار می‌گرفتند و سعی بر استفاده از علوم فیزیک و شیمی برای تجزیه عناصر ذهنی استفاده کنند. آن‌ها معتقد بودند که اندیشه‌های پیچیده از اندیشه‌های ساده تر به نحوی ترکیب می‌یابند و هدف اصلی آن‌ها این بود اندیشه‌های ساده که واحدهای اندیشه پیچیده بود را کشف کنند. کارکردگرایان نیز که شهرت زیادی در امریکا داشتند این هدف را دنبال می‌کردند که تعیین کنند رفتار و فرایندهای فکری چگونه با بقا ارتباط می‌یابند. رفتار گرایان در عوض با کوشش برای علمی کردن روانشناسی و استفاده از روش‌های اندازه گیری، اظهار می‌داشتند که تنها موضوعی که با اطمینان می‌توان به آن پرداخت رفتار آشکار است. همچنین اظهار می‌داشتند که وصف عناصر هوشیاری یک موضوع مناسب علمی به حساب نمی‌آید. روانشناسان گشتالت معتقد بودند که اراده گرایی، ساخت گرایی و رفتارگرایی هر سه مرتکب اشتباه واحدی می‌شوند و آن استفاده از رویکرد عنصر نگری است. آن‌ها می‌کوشیدند تا موضوع علمی خود را به عناصر سازنده آن تجزیه کنند تا قابل درک شود. تاکید اصلی گشتالتی‌ها بر کشف تجارب کلی معنی دار بود. در نظر آن‌ها این رویدادهای سازمان یافته و معنی دار هستند که میدان ادراکی فرد را تشکیل می‌دهند.

مفاهیم نظری عمده

۱- نظریه میدانی

روانشناسی گشتالت را می‌توان کوششی برای کاربرد نظریه میدانی فیزیک در مسائل روانشناسی دانست. یک میدان را به صورت یک نظام دارای ارتباط درونی و پویا توصیف کرد که هر قسمت آن بر قسمت‌های دیگر تاثیر می‌گذارد. مهمترین ویژگی میدان این است که هیچ عنصری از آن جدا از بقیه عناصر میدان نیست. این مفهوم در سطوح مختلفی به کار می‌رود. یعنی هر اتفاقی که برای فرد می‌افتد همه چیزهای دیگر اطراف او را تحت تاثیر قرار می‌دهد. فردی که این نظریه را بار اول به کار بست کورت لوین روانشناس گشتالتی بود و براساس آن نظریه‌ای درباره انگیزش انسان داد. او گفت رفتار انسان در هر زمان معین به وسیله تعدادی کل واقعیت‌های روانشناختی که در آن زمان تجربه

می شوند تعیین می گردد. همه این واقعیت ها ، فضای زندگی را تشکیل می دهند و کلیت این رویدادها در هر لحظه رفتار فرد را تعیین می کنند. انسان در یک میدان تاثیر دائما در حال تغییر زندگی می کند و تغییر در هر یک از آنها بر بقیه نیز تاثیر می گذارد. لوین این را نظریه میدانی می نامید.

۲- طبیعت در مقابل تربیت

رفتار گرایان مغز را یک عضو غیرفعال می دانستند که احساس ها را دریافت می کند و پاسخ ها را تولید می نماید. برای آنان مغز یک دستگاه انتقال دهنده یا یک جعبه تقسیم بود و محتوای ذهن ترکیبی از تجربه هاست و طبیعت انسان به واسطه تجربه ها تعیین می گردد.

گشتالتی ها برای مغز نقش فعالتری در نظر می گرفتند و معتقد بودند مغز روی اطلاعات حسی دریافت شده عمل می کند تا به آنها سازمان بدهد. این یک عمل یادگیری نیست بلکه محصول ساخت مغز است که سازمان و معنی را به اطلاعات حسی تحمیل می کند. مغز یک نظام میدانی را به وجود می آورد که بر اطلاعات وارد شده بر آن تاثیر می گذارد و همین تاثیر است که تجربه هشیار را سازمان می دهد. آنچه ما به طور هشیار تجربه می کنیم شامل اطلاعات حسی است که مغز بر آن اثر گذاشته و آن را سازمان داده است.

قوانین سازمان دهی ادراک

۱- قانون طرح گرایی (پراگمانز)

مهمترین اصلی که در همه رویدادهای ذهنی به کار می رود ، طرح گرایی یا پراگمانز است. این واژه که معادل آلمانی جوهر است ، را کافکا بدین گونه تعریف نموده است : سازمان روانشناختی همیشه تا آن اندازه که مقتضیات کنترل کننده اجازه می دهد خوب است. منظور وی از (خوب) کیفیت هایی چون سادگی کامل ، ایجاز ، تقارن و هماهنگی هستند. به سخن دیگر برای هر رویداد روانشناختی این تمایل وجود دارد که معنی دار ، کامل ، و ساده باشد. قانون پراگمانز به صورت اصل هدایت کننده برای مطالعه ادراک ، یادگیری و حافظه توسط گشتالتی ها مورد استفاده قرار می گرفته است.

۲- قانون بستن

اصل بستن که مستقیما به قوانین یادگیری و حافظه مرتبط می شود ، به ما می گوید که در ما این تمایل وجود دارد که تجربه های ناکامل را کامل کنیم. برای مثال اگر شخصی به خطی نگاه کند که تقریبا به صورت یک دایره است اما شکاف کوچکی در آن وجود دارد ، آن شخص از لحاظ ادراکی آن

شکاف را پر می کند و به شکل مانند یک دایره کامل پاسخ می دهد. این اصل از همان قانون پراگنانز تبعیت می کند. تجارب سازمان یافته معنی دار حاصل نیروهای میدانی مغز هستند که اطلاعات حسی را تغییر شکل می دهند ، لذا دایره ناقص آن چیزی است که ما حس می کنیم و دایره کامل همان است که ادراک می شود.

۳- قانون شباهت

بنابه قانون شباهت ، مطالب مشابه یا همگون از مطالب نامشابه بهتر ادراک می شوند . در مطالعاتی که به وسیله کهلر با هجاهای بی معنی انجام گرفت معلوم شد که هجاهای همگون با سهولت بیشتری از هجاهای ناهمگون درک و آموخته می شوند. شباهت اشیاء و امور از جنبه های مختلف مثل رنگ و شکل سبب

می شود که با یکدیگر و به صورت گروهی درک و یادگرفته شوند.

۴- قانون مجاورت

طبق قانون مجاورت پدیده ها و اموری که نزدیک به هم قرار دارند بهتر و سهولتر آموخته می شوند. به عبارت دیگر ، عناصری که در مجاورت یکدیگر باشند به صورت کل یکپارچه درک می شوند.

۵- قانون ادامه خوب

ادامه خوب یا جهت مشترک ، قانونی است که می گوید : سازمان ادراکی به نحوی تشکیل می شود که یک خط مستقیم به صورت مستقیم ، یک پاره دایره به صورت دایره و غیره ادامه می یابد. این نوع بسط مطالب در مسائل مربوط به تکمیل حروف و آزمون های هوش به کار می رود.

۶- قانون سادگی

طبق این قانون ما پدیده ها را به صورت ساده شده ادراک می کنیم.

۷- قانون شکل و زمینه

طبق قانون شکل و زمینه خواص پدیده های گشتالتی این است که در زمینه ای که یافت می شوند ، به طور مشخص جلوه می کنند. شکل در هر زمینه ای همان گشتالت است ، یعنی چیزی که ادراک می شود. زمینه عبارت است از صحنه ای که در آن شکل ظاهر می شود. به عبارت دیگر بخشی از

حوزه ادراکی که به خوبی سازمان یافته است و توجه شخص را به خود جلب می کند شکل نام دارد و بخش مبهم و نامتمایز حوزه ادراکی که شکل در آن بارز می شود زمینه نام دارد.

مغز و تجربه هوشیار

رفتار گرایان مشکل ذهن -جسم را با نادیده گرفتن آن حل می کردند و بر رفتار تمرکز می کردند.

اراده گرایان: ذهن می تواند به طور ارادی عناصر فکری را در هم ترکیب کند و به هر شکلی در آورد

ساخت گرایان: احساس های بدنی به طور غیر فعال موجب تصاویر ذهنی می شود و در اثر تغییر تجربه حسی، تصاویر ذهنی تغییر می یابند.

پدیدار گرایی همانند: محتویات ذهن تابعی از تجربه حسی به طور منفعلانه تغییر پیدا می کنند. رابطه مستقیم بین جسم (احساس) و ذهن (اندیشه های حاصل از احساس ها) وجود دارد.

گشتالت موضوع هم ریختی را مطرح می کند. یعنی تحریک بیرونی موجب واکنش هایی در مغز می شود و ما آن واکنش را آنگونه که در مغز اتفاق می افتد تجربه می کنیم و مغز فعالانه تحریک های حسی را تغییر می دهد. کافکا حرکت اتم ها و ملکول های مغز با افکار و احساس های درونی تفاوت اساسی ندارد، بلکه در جنبه های کلی فرایند های در حال گسترش همانند هستند. همچنین فعالیت های مغز به صورتی پویا با محتوای اندیشه تقارن دارند. مغز به طور فعال اطلاعات دریافتی را مطابق قانون پراگمانز تغییر شکل می دهد. این اطلاعات تغییر شکل یافته هوشیار است. بطور مثال مغز فعال نقاط کور را پر می کند یعنی ما در تمام عمر نقاط کور داشته ایم و مغز آنها را بر طبق قانون پراگمانز پر می کند. معاینه افراد با آسیب های مغزی تایید بیشتری بر دیدگاه گشتالت است. نشانگان چالز بونت که بر اثر آسیب های عمیق بر اعصاب بینایی در ناحیه کور دچار توهمات می شوند

واقعیت ذهنی و عینی

هشیاری یا واقعیت ذهنی رفتار را تعیین می کند. علاوه بر قانون پراگمانز عوامل دیگری چون باور ها، ارزش ها نیاز ها و نگرش ها نیز در آنچه ما هشیارانه تجربه می کنیم دخل و تصرف دارد لذا برداشت هر فردی در یک محیط یکسان متفاوت است.

اصول یادگیری گشتالت

وقتی ارگانیسم با مسئله ای رویرو می شود یک حالت عدم تعادل شناختی در او رخ می دهد و تا زمان حل شدن مساله ادامه می یابد. لذا عدم تعادل شناختی ایجاد انگیزش می کند تا ارگانیسم به تعادل نظام ذهنی برسد. بنابراین یادگیری یک پدیده شناختی است و ارگانیسم پس از بررسی مساله جواب مساله را می بیند. یادگیرنده درباره همه اجزای لازم برای حل کردن مساله فکر می کند و آنها را به

طور شناختی کنار هم می گذارد ابتدا به یک طریق و بعد به طریق دیگر تا اینکه به راه حل مساله می رسد راه حل مساله به طور ناکهانی به فکر یادگیرنده می رسد یعنی یادگیرنده در جریان حل کردن مساله به بینش دست می یابد. مساله تنها در دو حالت وجود دارد حل نشده و حل شده و حالت نیمه کاره در بین این دو حالت وجود ندارد. گشتالتی ها معتقدند که یادگیرنده یا به راه حل مساله می رسد یا نمی رسد لذا یادگیری برای آنها حالت ناپیوسته دارد.

شباهت با اصول گاتری و هال که مسائل محرک های نگهدارنده را بوجود می آورند (سائق) که تا زمان حل شدن مساله دوام می آورند که در آن زمان محرک های نگهدارنده پایان می یابد. (کاهش سائق)

اثر زایگاریک: تکالیف ناقص را بهتر از تکالیف کامل به یاد می آوریم.

مرحله پیش از حل مساله

گشتالتی ها معتقدند یادگیرنده پیش از حل مساله یک مرحله نسبتاً طولانی سپری می شود که در آن به کوشش و خطا نزدیک می شود که جنبه شناختی دارد و ارگانیسم به تعدادی فرضیه درباره روش موثر حل مساله بر می خورد، حیوان درباره راه حل های ممکن فکر می کند تا به راه حل درست برسد و طبق آن رفتار می کند. وقتی که راهبرد درست کشف شد گفته می شود که بینش رخ داده است.

برای اینکه یادگیری از بینش صورت گیرد ارگانیسم باید همه عناصر مساله را مورد مشاهده قرار دهد که اگر اینکار صورت نگیرد رفتار کورکورانه خواهد بود. گشتالتی ها علت ثورندایک یادگیری افزایشی اینست که عناصر مهم مساله از چشم حیوان مخفی می ماندند و این مانع از یادگیری همراه با بینش می شد.

یادگیری همراه با بینش

دارای ۴ ویژگی است

انتقال از مرحله پیش از حل مساله به مرحله حل مساله ناگهانی و کامل است.

عملکرد حاصل از راه بینش هموار و خالی از اشتباه است.

راه حل از طریق بینش برای مدت زمان قابل توجهی حفظ می شود.

اصل حاصل از بینش به سادگی درمسائل دیگر نیز بکار می رود.

جابه جایی

یک اصل آموخته شده در یک موقعیت حل مساله در موقعیت مربوط به مساله دیگر نیز بکار بسته می شود

تولمن

تولمن یک رفتارگرا است که در تمام عمر به صورت یک رفتارگرای کاملاً عینی باقی ماند. اما نوع رفتارگرایی او تفاوت‌هایی با رفتارگرایی مرسوم داشت که به همین جهت او خود، رفتارگرایی مورد نظرش را رفتارگرایی هدفمند نام نهاد. رفتارگرایی هدفمند، یک رفتارگرایی یکپارچه است نه جزءنگر، اما در هر صورت نوعی رفتارگرایی است. محرک‌ها و پاسخ‌ها و تعیین‌کننده‌های رفتاری پاسخ، تمام چیزی است که این رفتارگرایی به مطالعه آن می‌پردازد.

رفتار یکپارچه

ویژگی اصلی رفتار یکپارچه هدفمند بودن آن است یعنی همیشه متوجه نوعی هدف است. رفتار یکپارچه یک گشتالت تشکیل می‌دهد که از فرد فرد (انقباض‌های) ماهیچه‌ای که آن را می‌سازند چیزی متفاوت دارد. مثلاً رانندگی را می‌بینیم و به اعصاب و غدد و ... اشاره نمی‌کنیم.

رفتار گرایی هدفمند

این نظریه می‌کوشد تا رفتارهایی که به سوی هدف هدایت می‌شوند یا رفتار هدفمند را تبیین کند.

گاتری: مادام که محرک‌های نگهدارنده به وسیله نوعی حالت نیاز تولید می‌شوند رفتار ادامه دارد.

تولمن: مادام که ارگانیسم در محیط به دنبال چیزی می‌گردد چنین به نظر می‌رسد که گویی به وسیله هدف هدایت می‌شود.

همانطور که گفته شد رفتارگرایی هدفمند، هدفدار، شناختی و یکپارچه است، یعنی خاصیت گشتالتی دارد.

مفاهیم نظری عمده

هال، نیز از روان‌شناسانی است که تحت تاثیر "متغیرهای رابط" تولمن قرار داشت. هال و تولمن از متغیرهای رابط یکسان در کارهای خود استفاده کردند.

چه چیزی آموخته می‌شود؟

(پاولف، واتسون، گاتری، هال) یادگیرنده تداعی‌ها، محرک و پاسخ‌ها را یاد می‌گیرد SC R

تولمن: فرایندی است که طی آن آزمودنی کشف می‌کند در محیط چه چیزی به چه چیزی دیگر مربوط است. در حقیقت مکان‌ر یاد می‌گیرد نه یادگیری پاسخ‌را. SCS

جایگاه انگیزش در نظریه تولمن: جایگاه مهمی دارد زیرا انگیزش تعیین می کند که چه جنبه ای از محیط مورد توجه قرار بگیرد در حقیقت انگیزش در نقش یک عامل تاکید کننده است

نقشه شناختی

چگونه موش های راه خود را در میان ماز یاد می گیرند؟ تولمن می گوید موشی که از مارپیچ پیچیده ای عبور می کند، ترتیب گردش های خود به چپ و راست را نیاموخته است بلکه نقشه ای شناختی یعنی باز نمودی از نمای کلی مارپیچ تدوین کرده است.

اصل کمترین تلاش

تولمن: اولین انتخاب ارگانیسم راهی است که کمترین تلاش را می طلبد.

هال: ارگانیسم از این جهت کوتاه ترین راه را ترجیح می دهد که کمترین مقدار تاخیر یا درنگ تقویت و لذا بیشترین مقدار SER (توان واکنش) را همراه دارد.

تایید در مقایسه با تقویت

تولمن از تقویت تفسیر شناختی دارد و بر اساس انتظارات و آرایه فرضیه عمل می شود. انتظارات موقتی اولیه را فرضیه می گویند و بوسیله تجربه یا تایید می شوند یا رد. انتظاری که پیوسته تأیید می شود تولمن آنرا آمادگی وسیله-هدف یا باور نامید لذا تایید انتظار در شکل گیری نقشه شناختی همانند تقویت است.

کوشش و خطای نمادی

تولمن به کوشش و خطای نمادی اعتقاد داشت. آزمودنی ها در نقطه انتخاب مکث می کنند در حقیقت به هنگام کوشش و خطای نمادی می اندیشند. تولمن به کوشش و خطای رفتاری (پاسخ بعد از پاسخ اشتباه) اعتقاد ندارد. در کوشش و خطای نمادی، آزمون رویکردهای مختلف به صورت شناختی صورت می گیرد.

یادگیری در مقایسه با عملکرد

مبنای تمایز یادگیری و عملکرد: ما چیزهای زیادی درباره محیطمان می دانیم اما تنها زمانی که به آنها نیاز داریم از آنها استفاده می کنیم. در حقیقت این اطلاعات وجود دارند اما فقط در شرایط معینی می توانند مورد استفاده قرار گیرند. یادگیری زمانی جنبه رفتاری پیدا می کند تبدیل به عملکرد می شود.

۱- ارگانسیم فرضیه های زیادی را با خود به موقعیت حل مساله می آورد.(فطری ، تجربه و...)

۲- فرضیه های که با واقعیت جور می شوند حفظ می شوند.

۳- بعد چند بار فرضیه آزمایی یک نقشه شناختی استوار می شود.(بر اساس اصل کمترین تلاش)

۴- در زمان لازم از این اطلاعات موجود در ساخت شناختی استفاده می کند.

یادگیری نهفته

یادگیری نهفته یادگیری است که به عملکرد تبدیل نشده است. یادگیری در یک موقعیت زمانی اتفاق می افتد و مدت ها نهفته باقی می ماند تا در موقعیت مورد نیاز خود را نشان می دهد. به عنوان نمونه، حیوان بدون وجود پاداش غذا یا آب در ماز؛ صرفا در آن به جست و جو پردازد. سپس اگر به او آموخته شود که در ماز دویده و در انتهای آن پاداش غذا دریافت کند، بهتر از موش های دیگری که برای اولین بار گرسنه در ماز گذاشته شده عمل خواهد کرد.

خاموشی نهفته

پاولف، هال و اسکینر: خاموشی زمانی رخ می دهد که یک پاسخ تقویت شده در این مرحله تقویت داده نشود و به مرحله پیش از دریافت تقویت برمی گردد.

تولمن (بندورا، گاتری): تقویت یک متغیر به عملکرد مربوط می شود نه یادگیری. و یادگیری از راه مشاهده و مستقل از تقویت صورت می گیرد. فرصت مشاهده اینکه رفتار با تقویت همراه نمی شود موجب خاموشی می شود. (خاموشی انتظاری است که تایید نشده است) لذا خاموشی ناشی از عدم تقویت به خاموشی نهفته معروف است.

اسپنس: خاموشی را بر حسب عوامل انگیزشی تبیین می کند. اتفاقی که در موقعیت خاموشی نهفته می افتد این است که حیوان این محرک ها را بدن حضور تقویت نخستین تجربه می کند و در نتیجه خاصیت تقویت ثانوی آنها خاموش می شود.

یادگیری مکان در مقایسه با یادگیری پاسخ

نظریه پردازان محرک - پاسخ بر این باور هستند که آنها پاسخ های خاصی را به محرک های خاص یاد می گیرند.

تولمن: آزمودنیها به یادگیری مکان و موقعیت چیزها می پردازند نه یادگیری پاسخ.

انتظار تقویت

رفتار گرایان: تغییر در تقویت کننده اگر زیان باشد منجر به مختل شدن رفتار نمی گردد.

تولمن: ما در موقعیت حل مساله یاد می گیریم هدف کجا واقع شده است لذا حیوان می داند اگر به نقطه معینی برود تقویت کننده را دریافت خواهد کرد (انتظار تقویت) حال اگر تقویت کننده تغییر کند رفتار مختل می شود زیرا انتظار تقویت تغییر می کند. این مفهوم عدم تایید انتظار با ناهماهنگی شناختی (باورهای شخص با آنچه عملاً رخ می دهد مطابقت ندارد) برابر است. البته برخی پیروان هال و اسپنس می خواهند این حالت را با انگیزش تشویقی K توضیح دهند.

بندورا

تبیین های اولیه از یادگیری مشاهده ای

این باور که انسان ها از راه مشاهده ی انسان های دیگر می آموزند، دست کم به یونانیان باستان چون افلاطون و ارسطو باز می گردد. برای آنان آموزش و پرورش تا حد زیادی عبارت بوده از انتخاب بهترین سرمشق ها یا الگوها برای ارائه به دانش آموزان به این منظور که ویژگی های این سرمشق ها مورد مشاهده و تقلید قرار گیرند.

ثرندایک نخستین کسی بود که سعی کرد تا یادگیری مشاهده ای را به طور آزمایشی مطالعه کند. او کوشید تا تعیین کند که آیا حیوانات می توانند در جعبه معما، از طریق مشاهده، پاسخ مناسب را یاد بگیرند یا خیر؟ برای مثال، وی گربه ی بی تجربه ای را در یک قفس قرار می داد بطوری که بتواند گربه ی تربیت شده ای را که از جعبه ی معما می گریخت و مقداری غذا در خارج آن دریافت می کرد ببیند. صرف نظر از تعداد کوشش های این گونه یادگیری مشاهده ای ثرندایک هیچ گونه شواهدی که نشان دهد گربه ی مشاهده کننده چیزی را یاد گرفته باشد پیدا نکرد.

واتسون پژوهش های ثرندایک را تکرار کرد و او هم هیچ شواهدی برای یادگیری مشاهده ای نیافت. ثرندایک و واتسون هر دو نتیجه گرفتند که یادگیری تنها از راه تجربه مستقیم صورت می پذیرد نه از راه تجربه ی غیر مستقیم یا جانشینی.

میلر و دلارد کوشیدند تا با تبیین فطرت گرایانه از یادگیری مشاهده ای به چالش برخیزند. اما بر خلاف ثرندایک و واتسون آن ها این واقعیت را که یک ارگانیسم می تواند با مشاهده ی فعالیت ارگانیسمی

دیگر یاد بگیرد انکار نکردند. میلر و دلارد خاطر نشان کردند که تقلید می تواند به صورت عادت در آید. میلر و دلارد تقلید را چنین تعریف کرده اند: فرایندی که بوسیله ی آن اعمال مشابه یا هماهنگ در دو نفر فرا خوانده می شود که با علایمی مناسب مرتبط می شود. آن ها می گویند که تقلید رفتار ابزاری است. به نظر آنها هیچ چیز غیر عادی یا استثنایی در باره ی یادگیری تقلیدی مشاهده نکردند، برای آن ها نقش سرمشق یا الگو این است که پاسخ های مشاهده کننده را هدایت می کند تا اینکه پاسخ مناسب داده شود یا اینکه به مشاهده کننده نشان می دهد که در یک موقعیت معین چه پاسخی از او تقویت خواهد شد. طبق نظر میلر و دلارد یادگیری تقلیدی حاصل مشاهده، پاسخدهی آشکار و تقویت است. میلر و دلارد نیز مانند اسلاف خود یافتند که ارگانیسم ها از مشاهده ی صرف چیزی یاد نمی گیرند. بر خلاف تبیین های فطرت گرایانه از یادگیری تقلیدی که قرن ها به طول انجامید، تبیین میلر و دلارد اولین تبیین تجربی از این پدیده ها را به دست داد.

سه نوع رفتار تقلیدی

- ۱- رفتار یکسان: دو نفر یا بیشتر به یک موقعیت به طور یکسان پاسخ دهند. (خنده به یک نمایش)
- ۲- رفتار نسخه براری کردن (کپی): هدایت رفتار یک شخص به وسیله شخص دیگر است.
- ۳- رفتار جور شده وابسته: در آن مشاهده-گر برای تکرار کورکورانه اعمال یک سرمشق یا الگو تقویت شود. (صدای پا پدر B دويدن کودک بزرگ B تقویت دويدن کودک بزرگ B دیدن کودک کوچک B تقویت)

اسکینر: (مانند میلر و دلار) رفتار الگو نقش یک محرک تمییزی را ایفا می کند که نشان می دهد چه رفتاری به تقویت منجر خواهد شد.

زنتال: یادگیری مشاهده ای در غیر انسانها یک پدیده پیچیده است که نه آن را می توان رفتار بازتابی به حساب آورد و نه تقلید ساده.

تبیین بندورا از یادگیری مشاهده-ای

برای بندورا دو مفهوم تقلید و یادگیری مشاهده ای از هم متمایزند. طبق نظر بندورا یادگیری مشاهده ای ممکن است شامل تقلید باشد یا نباشد. برای مثال هنگام رانندگی در خیابان ممکن است مشاهده کنید که اتومبیل مقابلتان به یک چاله می افتد. بر اساس این مشاهده شما مسیر اتومبیلتان را تغییر می دهید تا به داخل چاله نیفتد و خسارتی به اتومبیل شما وارد نیاید. در این مثال شما از این مشاهده یاد گرفتید اما تقلید نکردید آنچه را مشاهده کرده بودید. طبق نظر بندورا آنچه که شما در این

موقعیت آموختید اطلاعات بوده که به طور شناختی پردازش شده است و به نفع خودتان بر آن عمل کرده اید. بنابراین یادگیری مشاهده ای بسیار پیچیده تر از تقلید ساده است.

مشاهده تجربی

برای بندورا تمایز بین یادگیری و عملکرد نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. این تمایز در یکی از مطالعات بندورا نشان داده شده است: سه گروه به تماشای فیلمی پرداختند که در آن سرمشق رفتار پرخاشگرانه انجام می داد. ۱- سرمشق به خاطر پرخاشگری هایش به شدت تنبیه می شد ۲- سرمشق به برای انجام اعمال پرخاشگرانه اش به مقدار زیادی تقویت دریافت می کرد ۳- پیامدهای پرخاشگری برای الگو خنثی بود. نتیجه: کودکانی که شاهد تقویت رفتار سرمشق بودند، نسبت به کودکانی که شاهد تنبیه رفتار سرمشق بودند، رفتار پرخاشگرانه ی بیشتری از خود نشان دادند. و کودکانی که شاهد فیلمی بودند که در آن پیامدهای رفتار الگو خنثی بود، از لحاظ میزان پرخاشگری در حد وسط بین دو گروه دیگر قرار داشتند. آزمایش بالا نشان داد که الگو برداری بر رفتار کسانی که شاهد رفتار الگو هستند تاثیر می گذارد. کودکان گروه اول تقویت جانشینی را دریافت کردند و این موجب تسهیل رفتار پرخاشگرانه ی آنان شد و کودکان گروه دوم تنبیه جانشینی را تجربه کردند و آن باعث بازداری رفتار پرخاشگرانه ی شان شد.

تقویت ۱- یک متغیر عملکردی است نه یک متغیر یادگیری (بر خلاف هال) ۲- انتظاری در مشاهده کنندگان ایجاد می کند

چند اشکال به (اسکینر و میلر)

۱- وقتی نه الگو و مشاهده کننده تقویت شود ولی باز یادگیری اتفاق می افتد.

۲- الگو برداری درنگیده را تبیین نمی کنند (مدتی بعد رفتار را نشان می دهد)

۳- تقویت بطور مانیکی رفتار را نیرومند نمی کند بلکه وابستگی تقویت مهم است.

در مجموع: در یادگیری مشاهده ای غالباً نه محرک تمیزی وجود دارد نه پاسخ اشکار نه تقویت

مفاهیم نظری عمده

۱- فرایندهای توجه

یادگیری مشاهده ای یا سرمشق گیری تا زمانی که فرد به الگو توجه نکرده باشد روی نخواهد داد. صرفاً روبرو شدن مشاهده گر با الگو تضمین نمی کند که او به نشانه ها و رویداد های مربوط توجه کند یا حتی موقعیت را به دقت درک نماید. مشاهده گر باید با دقت تمام به الگو توجه کند تا اطلاعات

لازم برای تقلید کردن از رفتار الگو را کسب کند. چند متغیر بر فرایندهای توجه تاثیر دارند که از آن جمله می توان ۱- تاثیر ظرفیت حسی ۲- آمایه ادراکی و یا تقویت قبلی ۳- ویژگی های خاص (جنس، سن، شایستگی و...))

۲- فرایند یادسپاری

برای اینکه مشاهده گران بعدا رفتار الگو را تکرار کنند باید جنبه های مهم آن را به یاد آورند. برای یاد داری آنچه که به آن توجه کرده ایم باید آن را رمز گردانی کرده و به صورت نمادی بازنمایی کنیم. این فرآیندهای یادداری درونی بازنمایی نمادی، فرآیندهای شناختی هستند. ما اطلاعات مربوط به رفتار الگو را به دو صورت نگه می داریم: تجسمی (تصویر ذهنی پدیده ها) و تجسم کلامی. مانند نظریه نقشه شناختی تولمن.

۳- فرایند تولید رفتاری

آنچه یا گفته می شود باید به عملکرد تبدیل شود. گاهی به الگو توجه می کنند و دیده های خود را در حافظه رمز گردانی می کنند، ولی محدودیت های حرکتی آنان، جلوی بازتولید عمل الگو از سوی آنان را می گیرد. در سومین فرآیند از یادگیری مشاهده ای ، رمز های کلامی یا تجسمی ذخیره شده در حافظه به صورت اعمال آشکار در می آیند. انجام این مرحله از سوی دانش آموز به معلم امکان می دهد تا نحوه عملکرد دانش آموز را در مقایسه با آنچه که قرار بود بیاموزد ارزیابی کند.

۴- فرایندهای انگیزشی

صرف نظر از اینکه رفتارهایی را که مشاهده می کنیم چقدر خوب مورد توجه قرار داده و آن ها را به یاد سپرده باشیم یا چقدر توانایی انجام آن ها را داشته باشیم ، بدون فرآیندهای تشویقی یا انگیزشی آن ها را انجام نخواهیم داد. در صورتی که مشوق ها وجود داشته باشند مشاهده سریع تر به عمل در می آید. به سخن دیگر اگر یادگیرنده به خاطر انجام رفتاری که از راه مشاهده آموخته است تقویت دریافت نماید به انجام آن رفتار خواهد پرداخت ، اما اگر انجام آن رفتار تقویتی به دنبال نیاورد یا تنبیه به دنبال داشته باشد آن رفتار را انجام نخواهد داد.

در نظریه ی بندورا تقویت دو نقش عمده ایفا می کند و هر دو نقش تقویت جنبه ی اطلاعاتی دارند.

یکی اینکه انتظاری در مشاهده کنندگان ایجاد می نماید مبنی بر اینکه اگر مانند الگو عمل کنند تقویت خواهند شد و حاکی از اینکه اگر به طریق معینی در موقعیت معینی عمل کنند به احتمال زیاد تقویت خواهند شد.

دوم اینکه ، نقش یک مشوق را برای تبدیل یادگیری به عملکرد ایفا می کند. یعنی فرآیندهای انگیزشی، انگیزه ای برای استفاده کردن از آنچه آموخته شده است به وجود می آورد.

جبر متقابل یا تعیین گری متقابل

محیط گرایان : تابعی از وابستگی تقویت

فطرت گرایان: سرشت و صفات و انیشه ها

هستی گرایان: انتخاب آزاد

بندورا :چارچوب تعامل سه گانه خود را چنین بیان کرد:در دیدگاه شناختی- اجتماعی اشخاص نه به وسیله ی نیروهای درونی خود سوق داده می شوند نه به طور خودکار توسط محرک های بیرونی. اعمال انسانی در مدل تعامل سه گانه که در آن رفتار، شخصی و محیط بر یکدیگر تاثیر می گذارند. البته جهت تاثیر بین این سه عامل همیشه یکی نیست، غالبا یک یا دو عامل غالب می شوند و افراد می توانند با عمل کردن به راههای معین بر محیط تاثیر بگذارند.

خود نظم دهی رفتار

طبق نظر بندورا اگر اعمال تنها بوسیله ی پاداش ها و تنبیه های بیرونی تعیین می شدند مردم شبیه به بادبادک عمل می کردند و هر لحظه تغییر جهت می دادند تا خود را با عواملی که بر آن ها تاثیر می گذارند وفق دهند. سوالی که باقی می ماند این است که اگر تقویت کننده ها و تنبیه کننده های بیرونی رفتار را کنترل نمی کنند پس چه چیزی آن را کنترل می کند؟ پاسخ بندورا این است که رفتار آدمی عمدتا یک رفتار خود نظم داده شده است. از جمله چیز هایی که انسان از تجربه ی مستقیم یا تجربه ی غیر مستقیم می آموزد معیار های عملکرد است و پس از آنکه این معیار ها آموخته شدند، پایه ای می شوند برای ارزشیابی شخصی فرد. اگر عملکرد شخص در یک موقعیت معین با معیار های او هماهنگ یا از آن بالاتر باشد، آن را مثبت ارزیابی می کند، اگر پائین تر از معیار ها باشد آن را ارزشیابی می کند.بندورا معتقد است که تقویت درونی حاصل از ارزشیابی شخصی یا خود ارزشیابی از تقویت بیرونی فراهم آمده به توسط دیگران نیرومند تر است. متأسفانه اگر معیارهای شخص بسیار بالا باشند می توانند به صورت منبعی از ناراحتی برای او در آیند

عملکرد اخلاقی

مکانیزمها: ۱- توجیه ۲- برچسب زدن مادبانه ۳- مقایسه سودمند ۴- جابه جایی مسئولیت ۵- تقسیم مسئولیت ۶- غیر انسانی کردن ۷- نسبت دادن سرزنش

موانع آزادی: ۱- عدم شایستگی ۲- ترس ۳- خود عیب جویی ۴- تبعیض ۵- پیش داوری ۶- تعصب

فرایندهای شناختی معیوب: ۱- اعتقادات غلط ۲- خطای فکری ۳- پردازش غلط اطلاعات

فواید عملی: ۱- اکتساب ۲- بازداری ۳- بازداری زدایی ۴- اسان سازی ۵- آفرینندگی ۶- الگو برداری انتزاعی

آسیب روانی از یادگیری غلط است و باید تجاری فراهم شود تا انتظارات غلط تایید نگردد.

الگو برداری و رسانه های خبری و سرگرم کننده

مفهوم یادگیری نهفته ی نظریه ی تولمن توسط بندورا به مسائل اجتماعی زیادی گسترش یافته است. از جمله ، او این مفهوم را به تاثیر رسانه های خبری و سرگرم کننده بر رفتار افراد مربوط ساخته است. بندورا معتقد است که روزنامه ، تلویزیون و سینما بسیار آموزنده اند ، اما همچنین می توانند بسیار مخرب باشند.

عاملیت انسان

۱- قصد مندی ۲- پیش اندیشی (انتظار پیامد) ۳- خود واکنشی (اندیشه و عمل) ۴- اندیشه ورزی (فراشناختی و تفکر درباره جهت و معنا و عمل)

<http://leilamahmoudi.blogfa.com/post/۲۱۳>

بسم الله الرحمن الرحيم

سوالات فصل ۷

دانشجو: نیکوگفتار

جمله معروف ثرندایک و پاولوف راجب علم را بیان کنید . (صفحه ۲۳۰).

تنها علم ، علم دقیق مربوط به طبیعت انسان و صادقانه ترین رویکرد به آن به کمک روش نیرومند علمی می تواند انسان را از تیره روزی امروزی اش نجات دهد و از شرمساری او در حوزه روابط بین انسان ها بکاهد

اجزای شرطی شدن کلاسیک را نام برده و توضیح دهید. (صفحه ۲۲۱).

که موجب یک پاسخ طبیعی و خودکار در ارگانیسم می شود (US) یک محرک غیر شرطی

است. US که پاسخ طبیعی و خودکار فراخوانده شده به وسیله (UR) یک پاسخ غیر شرطی

. که یک محرک خنثی است و پاسخ طبیعی و خودکار را در ارگانیسم موجب نمی‌شود (CS) (پ) یک محرک شرطی

.ظاهر می‌شود (CR) وقتی که این اجزا به طریق معینی با هم در می‌آمیزند یک پاسخ شرطی

خاموشی آزمایشی را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۱). ۳.

به ارگانیسم ارائه می‌شود اما با تقویت دنبال نمی‌گردد. در مطالعات شرطی سازی کلاسیک ، CS خاموشی زمانی رخ می‌دهد که است. US تقویت

بازگشت خودبه خودی را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۱). ۴.

به طور موقتی بازگشت می‌کند. در این حالت هرچند که CR به حیوان ارائه شود، CS مدت زمانی پس از خاموشی اگر دوباره به طور خود به خودی بازگشت کرده است CR همانندی بیشتری رخ نداده، US و CS بین

تعریف شرطی شدن در سطح بالاتر را به صورت خلاصه بیان کنید. (صفحه ۲۲۲). ۵.

از طریق همراه شدن با CS استفاده کرد یعنی UC همراه شد می‌توان از آن به عنوان US برای چندین بار با CS پس از آن که بروز شود CR دیگری همراه کرد تا موجب CS خاصیت تقویتی پیدا می‌کند و می‌توان آن را با US

تعمیم و تمیز را به صورت خلاصه تعریف کنید. (صفحات ۲۲۳ و ۲۲۴). ۶.

تعمیم به تمایل جاندار به پاسخ دادن به محرک های مشابه با محرکی که عملاً در ضمن شرطی شدن به کار رفته است که گفته می‌شود .

تمیز به تمایل جاندار به پاسخ دادن به دامنه محدودی از محرک ها یا تنها به آن محرکی که در ضمن شرطی شدن به کار رفته است اشاره می‌کند

تفاوت بین گسترش اثر ترندایک و تعمیم پاولوف را بیان کنید. (صفحه ۲۲۴). ۷.

گسترش اثر به تأثیر تقویت بر پاسخ‌های مجاور پاسخ تقویت شده، بدون توجه به شباهت های این پاسخ ها با پاسخ تقویت شده ، اشاره می‌کند. در گسترش اثر ، عامل مهم مجاورت است .تأمین توان افزایش یافته محرک های وابسته به محرکی که عملاً پیش از توصیف می‌کند . در تعمیم شباهت عامل مهم است نه مجاورت CR تقویت رخ داده است را در ایجاد

راه های ایجاد تمیز را نام ببرید. (صفحه ۲۲۴). ۸.

آموزش (شرطی کردن) درازمدت

تقویت تفکیکی

شرطی شدن درنگیده را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۴ و ۲۲۵). ۹.

و یا پس از شروع US ادامه می‌یابد تا اینکه یا با شروع CS ارائه می‌شود. در این موقعیت US پیش از CS در شرطی شدن درنگیده و در حضور آن پایان پذیرد US

شرطی شدن ردی را توضیح دهید . (صفحه ۲۲۵). ۱۰.

.در این نوع شرطی شدن نخست محرک شرطی و پس از آن محرک غیر شرطی ظاهر می‌گردند

یک وقفه زمانی US و شروع CS ما پیش از ظاهر شدن محرک غیر شرطی ،محرک شرطی قطع می‌شود به گونه ای که بین خاتمه به وجود می‌آید

شرطی شدن هم زمان را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۵). ۱۱.

.در شرطی شدن همزمان محرک شرطی و محرک غیر شرطی دقیقاً با هم شروع می‌شود و با هم خاتمه می‌یابند

شرطی شدن وارونه را توضیح دهید . (صفحه ۲۲۶). ۱۲.

.ارائه می‌شود CS ارائه و و کنار گذاشته می‌شود و سپس US در شرطی شدن وارونه ابتدا

شرطی شدن زمانی را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۶). ۱۴.

.در این نوع شرطی شدن یک محرک شرطی مشخص مثل صوت یا نور وجود ندارد بلکه زمان نقش محرک شرطی را بازی می‌کند

چگونگی شرطی شدن زمانی به این صورت است که محرک غیر شرطی در فواصل زمانی معین به جاندار ارائه می‌شود و سرانجام جاندار می‌آموزد که درست پیش از آمدن محرک غیر شرطی پاسخ شرطی را بدهد.

دوفرايند اسای که از نظر پاولوف بر فعالیت های دستگاه عصبی مرکزی حاکم اند کدام اند؟ (صفحه ۲۲۸). ۱۵.

برانگیختگی (تهییج) / بازداري

موزائیک مغزی چیست توضیح دهید. (صفحه ۲۲۸). ۱۶.

موزائیک مغزی تعیین می کند که چگونه یک جاندار به محیط خود پاسخ خواهد داد همراه با تغییر محیط بیرونی و محیط درونی موزائیک مغزی نیز تغییر می‌کند و رفتار نیز مطابق با آن تغییر می یابد

رفتار قالبی پویا را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۸). ۱۷.

وقتی که رویدادها به طور مکرر در محیط رخ می‌دهند بازنمایی عصبی می یابند و پاسخ دهی به آنها آسانتر و محتمل تر می شود بنابراین پاسخ دادن به یک محیط آشنا سریع و خودکار می شود. وقتی که این جریان صورت می‌پذیرد گفته می‌شود که یک رفتار قالبی پویا ایجاد شده است

چرا رفتار قالبی یک موزائیک مغزی است؟ (صفحه ۲۲۸). ۱۸.

به علت این که ارگانیسم برای یک مدت زمان نسبتاً طولانی در یک محیط کاملاً قابل پیش بینی قرار داشته و با ثبات گشته است. مادام که این نقشه مغزی به درستی محیط را منعکس می‌کند و پاسخ‌های مقتضی را تولید می نماید همه چیز به خوبی. پیش می رود اما اگر محیط به سرعت تغییر یابد ممکن است تغییر دادن یک رفتار قالبی پویا برای ارگانیسم دشوار باشد

اصطلاح تحلیل گر پاولوف را توضیح داده و علت بکار بردن آن را بیان کنید. (صفحه ۲۲۹). ۱۹.

پاولف اصطلاح تحلیلگر را به کار برد تا راه ارتباطی یک گیرنده حسی به ناحیه معینی از مغز را توصیف کند. یک تحلیلگر از گیرنده‌های حسی مجرای عصبی از گیرنده ها به مغز و ناحیه از مغز که فعالیت عصبی به آن وارد می شود تشکیل می‌یابد

گسترش برانگیختگی را از نظر پاولوف تعریف کرده و بگویید برای تبیین چه چیزی استفاده میشود؟ (صفحه ۲۲۹). ۲۰.

اطلاع حسی که به ناحیه معینی از مغز وارد می‌شود سبب برانگیختگی در آن ناحیه می گردد به سخن دیگر ابتدایی گسترش برانگیختگی وجود دارد این برانگیختگی به نواحی مجاور مغز سرایت می‌کند پاولف این فرایند را برای تبیین تعمیم مورد استفاده قرار داد

فرایند تمرکز از نظر پاولوف را تعریف کرده و بگویید برای تبیین چه چیزی استفاده میشود؟ (صفحه ۲۲۹). ۲۱.

پاولوف دریافت که تمرکز فرایند مغایر با گسترش می‌تواند در برانگیختگی و بازداری تأثیر داشته باشد او دریافت که در پاره‌ای شرایط معین هم برانگیختگی و هم بازداری می‌توانند در نواحی معینی از مغز متمرکز گردند همانگونه که فرایند گسترش برای تبیین تعمیم به کار می‌رفت فرایند تمرکز نیز برای تبیین تمیز مورد استفاده قرار می گرفت

شرطی کردن برانگیختگی و بازداری شرطی از نظر پاولوف را شرح دهید. (صفحه ۲۳۰). ۲۲.

پاسخی را برانگیخته یا تولید می کند CS_US شرطی کردن برانگیختگی: در آن همایندی

را تولید می نماید که پاسخی را بازداری می کند (CS) زمانی بازداری شرطی ایجاد می‌شود که روش شرطی کردن سی اسی یا آن را وا پس میزند

اصطلاح بازداری بیرونی پاولوف را تعریف کنید. (صفحه ۲۳۱). ۲۳.

قبلاً شرطی شده (CS) بازداری بیرونی اصطلاحی است که پاولوف به کار برد تا اثر مخرب حاصل از ارائه یک محرک تازه را همراه با به صورت یک بازدارنده شرطی درآمده باشد ارائه (CS) نشان دهد اما این اثر به برانگیختگی شرطی محدود نمی شود اگر یک موجب بازداری زدایی می‌شود که عامل تخریب بازداری شرطی است به سخن دیگر اگر ما (CS) یک محرک غیرمنتظره همراه با یک محرک تازه را با یک بازدارنده شرطی همراه کنیم بازدارنده توانایی بازداری را از دست می دهد

دستگاه اول علامتی و دستگاه دوم علامتی را به طور خلاصه توضیح دهید. (صفحه ۲۳۲). ۲۴.

پاولوف محرک هایی که رویدادهای مهم زیستی را علامت می دهند دستگاه اول علامتی یا اولین علامت های واقعیت نامید و همچنین پاولوف کلماتی را که نمادهای واقعیت هستند علامتهای علامت ها یا دستگاه دوم علامتی نامید

تفاوت های شرطی سازی کلاسیک و شرطی سازی وسیله ای را بیان کنید. (صفحه ۲۳۳). ۲۵.

شرطی سازی کلاسیک پاسخی را در حیوان فرا می‌خواند اما شرطی سازی وسیله ای وابسته به صدور پاسخ از جانب حیوان است می توان گفت که پاسخ اول غیر ارادی و خودکار ولی پاسخ دوم ارادی و زیر کنترل حیوان است

در شرطی سازی وسیله ای تقویت پس از آنکه پاسخ دلخواه انجام شد به جاندار داده میشود اما در شرطی سازی کلاسیک تقویت کننده به این منظور داده می‌شود که پاسخ دلخواه را در جاندار فراخواند

مشابهت های شرطی سازی کلاسیک و شرطی سازی وسیله ای را بیان کنید. (صفحه ۲۳۴). ۲۶.

هر دو نوع شرطی شدن به بقای ارگانیسم کمک می کنند شرطی سازی کلاسیک از راه ایجاد نظامی از علائم و نشانه ها که به پیش بینی رویدادهای مهم امکان می‌دهد و شرطی سازی وسیله ای از طریق به وجود آوردن الگوهای رفتاری مقتضی در پاسخ به آن رویداد ها به بقای ارگانیسم کمک می کنند هر دو نوع شرطی شدن به تقویت وابسته اند در شرطی سازی و اگر آن از شرایط آزمایشی حذف شود خاموشی اتفاق می‌افتد در شرطی سازی وسیله ای US کلاسیک تقویت کننده تقویت کننده وضع خشنود کننده است که به دنبال پاسخ مقتضی می‌آید اگر تقویتی که به دنبال پاسخ می آمده است قطع شود احتمال بروز آن پاسخ به زمان پیش از معرفی تقویت بازگشت می کند شرطی سازی کلاسیک و شرطی سازی وسیله ای در پدیده‌های بازگشت خود به خودی تعمیم، تمیز و تقویت ثانوی نیز همانندند

دو اشتباه احتمالی نظریه پاولوف را شرح دهید. (صفحه ۲۳۴). ۲۷.

این است نخست که او پاسخ های اشتباه شرطی را پاسخ های کوچک غیر شرطی می دانست و اشتباه دوم او این است که می‌گفت خاموشی ناشی از بازداری است

های کوچک نیستند ارائه دهید. (صفحه ۲۳۴ و ۲۳۵) UR ها الزاماً CRها شواهد حاکی از این موضوع که ۲۸.

می شود به همین دلیل بعضی وقتها شرطی سازی کلاسیک را US جانشین CS پاولوف باور داشت که در جریان شرطی شدن ها همان CR عمل می‌کند US به صورت جانشین CS یادگیری جانشین سازی محرک نامیده‌اند چنین فرض می شد که چون بزاق است که در (US) حاصل از غذا UR بسیار شبیه اند مانند زمانی که UR و CR های کوچک هستند درواقع بعضی وقتها UR که به طور مکرر با CS پلک زدن است و UR دمیدن جریان باد به چشم است US نیز بزاق است همچنین وقتی که CR این مورد به نظر می‌رسد اما در مقدار کمتر از آن است UR شبیه به CR همراه شود سرانجام منجر به پلک زدن می‌شود بنابراین اغلب US

پدیده غلبه پاولوف را توضیح دهید. (صفحه ۲۳۷). ۲۹.

استفاده می شود و یک جزء محرک بر اجزای دیگر آن غالب است تنها آن جزء غالب شرطی CS وقتی از یک محرک مرکب به عنوان می‌شود که این پدیده غلبه نام گرفته است

اهمیت توجه از نظر نیکولاس مکینتاش را شرح دهید. (صفحه ۲۴۷). ۳۰.

نیکولاس مکینتاش نظر داده است که جانداران اطلاعاتی را جستجو می‌کنند که به آنها امکان می‌دهد تا رویدادهای زیستی مهم را پیش‌بینی نمایند وقتی که یک علامت پیش بینی کننده یافت شد توجه به طور فزاینده ای به آن علامت در می‌شود در حالی که توجه به محرک های نامربوط کاهش می یابد وقتی که چندین علامت وجود دارند با هر کوشش یادگیری علامت‌هایی که بیشتر پیش بینی کننده اند آشکارتر می شوند و علامت‌هایی که کمتر پیش بینی کننده اند مورد غفلت قرار می‌گیرند

تبیین مکینتاش از پدیده وقفه را شرح دهید . (صفحه ۲۴۸). ۳۱.

تبیین مکینتاش از پدیده وقفه بر این فرض استوار است که اشاره هایی که بیشتر پیش‌بینی کننده اند بهتر جلب توجه می برجسته تر جلوه می CS با اطمینان وقوع یک رویداد زیستی مهم را پیش‌بینی می‌کند آن CS کندوقتی که یک دوم بیشتر با هم به جاندار ارائه شوند وقفه نیرومندتر است را CS اول و CS نماید نظریه مکینتاش این مشاهده را که هر چه توجه می‌کند

درباره نظریه شرطی شدن کلاسیک مبتنی بر شگفت انگیزی کامین توضیح دهید. (صفحه ۲۴۸). ۳۲.

برای اولین بار ظاهر می شود حیوان به وسیله آن شگفت زده US کامین به منظور تبیین پدیده وقفه استدلال می‌کند وقتی که را انتظار بکشد سرانجام CS، US رخ دهد حیوان به تدریج یاد می گیرد که اندکی پس از ارائه US با اطمینان پیش از CS می شود اگر شگفت زده نمی‌شود و دیگر شرطی شدن اتفاق نمی‌افتد بنا به نظر کامین وقتی که US اینکه حیوان از آن پس به وسیله دیگر شگفت انگیز نیست و دلیلی وجود ندارد که در این موقعیت چیز دیگری آموخته شود US را زنده می‌کند وقوع US خاطره CS یک حالت US بنابراین برای کامیون مکانیسمی که شرطی شدن کلاسیک را تبیین می کند شگفت انگیزی است وقتی که شروع را پیش بینی می کرده است مورد جستجو قرار می US شگفت‌انگیزی کامل است حیوان حافظه اش را برای یافتن رویدادی که دهد وقتی که چنین رویدادی پیدا شد حالت شگفتی به همراه آن به اصطلاح شرطی شدن خاتمه می یابد

نظریه شرطی شدن کلاسیک مبتنی بر تشکیل انتظار بولس را توضیح دهید. (صفحه ۲۵۰). ۳۳.

شرطی شدن به عنوان تشکیل انتظارات رابرت بولف پیشنهاد می کند که جانداران هیچ پاسخ تازه‌ای در ضمن شرطی شدن می‌آموزند بلکه یاد می‌گیرند واکنش های ویژه نوع خود که را متناسب با موقعیت است انجام دهند بنا به نظریه ولی آنچه جانداران می‌آموزند انتظاراتی است که رفتار نا آموخته آنها را هدایت می کند

همبسته است انتظار محرک شکل می گیرد US با پیامد مهم همچون حضور یا عدم حضور CS وقتی که

اثر گارسیا چیست؟ (صفحه ۲۵۲). ۳۴

شکل گیری بیزاری برای نسبت به مزه دارای چنان جنبه‌های ویژه‌ای است که به این پدیده نام خاصی داده شده است سهولت قابل ملاحظه‌ای را که در یادگیری رابطه بین مذهب یک غذای خاص و بیماری بعدی حاصل از آن در موش ها دیده شده اثر گارسیا نامیدند

هیجان از نظر واتسون را تعریف کنید. (صفحه ۲۵۲). ۳۵

برای واتسون شخصیت مجموعه ای از بازتاب های شرطی بود از نظراو هیجان در آدمی محصول وراثت و محیط است بنا به نظریه واتسون ماسه هیجان ترس خشم و عشق را به ارث می‌بریم از طریق فرایند شرطی شدن این سه هیجان اساسی برای افراد مختلف به اشیا گوناگون وابسته می شود

از بین بردن ترس های شرطی از نظر واتسون را شرح دهید. (صفحه ۲۵۴ و ۲۵۵). ۳۶

واتسون نشان داده بود که یک هیجان ارثی مانند ترس می تواند به محرک هایی که در ابتدا موجب چنین هیجان می شوند انتقال یابد و مکانیسم این انتقال شرطی شدن کلاسیک است این یک یافته بسیار مهم است ولو اینکه بعدها نشان داده شد که شرطی شدن با بعضی محرک ها ساده تر از محرک‌های دیگر اتفاق می افتد اگر ترس ها آموخته می شوند پس می‌توان آنها را آموخته و خاموش کرد

نظریه یادگیری واتسون را توضیح دهید. (صفحه ۲۵۵). ۳۷

بنا به نظریه واتسون یادگیری صرفاً به دلیل پشت سر هم آمدن رویدادها در یک فاصله زمانی کوتاه رخ می دهد شرطی شدن در فاصله اندک CS و US می‌شود اتفاق می افتد بلکه به این علت رخ می‌دهد که CS موجب تقویت US کلاسیک نه به این سبب که به دنبال هم می آیند

پدیده خاموشی و شرطی سازی تقابلی را تعریف کنید. (صفحه ۲۵۶). ۳۸

خاموشی :فعالیت های بالینی مبتنی بر شرطی شدن کلاسیک بر این فرض استوار اند که چون اختلالات رفتاری وعادت های بد آموخته می شوند می توان آنها را آموخته کرد یا رفتارهای مثبت تری را جانشین آن ها ساخت

شرطی سازی تقابلی: روش دیگری که از خاموشی ساده‌تر نیرومندتر است شرطی سازی تقابلی نام دارد در شرطی سازی اصلی همراه می‌شود US به غیر از US با یک CS تقابلی

غرقه سازی را به عنوان یک روش درمانی توضیح دهید و مشکلات آن را ذکر کنید. (صفحه ۲۵۶ و ۲۵۷). ۳۹

یک مشکل بزرگ در درمان هراس ها این است که افراد از تجارب ترسناک اجتناب می کنند یا از آنها می گریزد. از آنجا که خاموشی یک فرآیند فعال است اجتناب از محرک های ترسناک از وقوع خاموشی جلوگیری میکند

تنها راه ممکن برای خاموش کردن یک هراس این است که فرد را مجبور کنیم تا به مدت کافی در حضور محرک شرطی بماند تا بیاموزد هیچ چیز منفی اتفاق نخواهد افتاد . وقتی که چنین خاموشی اجباری برای برطرف کردن هراس ها بکار رود به آن غرقه سازی میگویند

مشکلات آن: در استفاده از روش غرق سازی بعضی از افراد بهبود می یابند اما بعضی ها بدتر می شوند با توجه به این واقعیت که مجبور کردن افراد به تجربه چیزی که مدت مدیدی از عمر خود را در ترس و اجتناب از آن گذرانده اند تعجب‌آور نیست که بعضی از آنان بدتر می‌شوند

روش درمان با حساسیت زدایی منظم ولپی را به طور خلاصه بیان کنید. (صفحه ۲۵۷ و ۲۵۸). ۴۰

فن ولپی که عمدتاً برای درمان بیماران فوبیای به کار می رود شامل سه مرحله است مرحله اول مستلزم ایجاد یک سلسله مراتب اضطراب است برای این منظور یک توالی از رویدادهای اضطراب سال در نظر گرفته می‌شود و آنها را به ترتیب از شدیدترین تا خفیف ترین مرتب می کنند

ولی در دومین مرحله خود به بیماران آموزش می‌دهد تا به حالت آرمیدگی عضلانی کامل درآیند به آنان آموزش می دهد تا تنش عضلانی را از بین ببرند و یاد بگیرند حالت عدم اضطراب را تجربه کنند

در سومین مرحله بیمار ابتدا آرمیدگی عمیق را تجربه می‌کند و بعد از او خواسته می‌شود تا ضعیف ترین رویداد از سلسله مراتب است را تجسم کند سپس از او خواسته می‌شود تا رویداد بعدی را تجسم کند و این کار را ادامه می‌دهد تا تمام رویدادهای فهرست به ترتیب در تجسم بیمار درآیند

به نام خداوند جان و خرد

نمونه سوالات مقدمه ایی بر نظریه های یادگیری (فصل اول)

دانشجو: فاطمه توسلی فر

تعریف کیمبل از یادگیری چیست؟ ۱.

یادگیری تغییر نسبتا پایدار در توان رفتاری است که در نتیجه تمرین تقویت شده حاصل شده است

آیا هر تغییر رفتاری که باعث یادگیری میشود پایدار است؟ توضیح دهید. ۲.

خیر، خستگی بیماری بلوغ و... رویداد هایی هستند که رفتار را تغییر میدهند اما بدیهی است که آثار آنها به سرعت می آیند و میروند درحالی که یادگیری دوام می آورد تا اینکه با گذشت زمان دستخوش فراموشی شود، یا یادگیری تازه ایی جای آنها را بگیرد. بنابراین این در هر دو حالت رفتار را تغییر میابد اما تغییر حاصل از یادگیری پایدار تر است

فرایندهای خوگیری و حساس شدگی را توضیح دهید. ۳.

خوگیری: فرایندی است که از طریق آن ارگانیسم نسبت به محیطش کمتر حساس میشود

حساس شدگی: فرایندی است که از طریق آن ارگانیسم نسبت به جنبه های معینی از محیطش حساس میشود

طبق نظر باور و هیلگارد آیا خوگیری یک نوع یادگیری است؟ باور و هیلگارد یادگیری را به دو دسته تقسیم میکنند: گذرا و پایدار. ۴.

گذرا یا پایدار بودن خوگیری به پیچیدگی محرکی که خوگیری نسبت به آن اتفاق میافتد وابسته است. مثلا اگر محرک یک ضربه برقی به سیناپس حسی-حرکتی نخاع شوکی گریه ایی که مغز او برداشته شده است باشد، به آن انطباق حسی میگویند. اما اگر آن یک محرک پیچیده تر (مثل تصویر یا صدا) است که برای تشخیص آن استفاده از مراکز عالی مغز لازم است آن را یادگیری مینامیم.

خوگیری و حساس شدگی یادگیری تداعی گرا هستند یا غیر تداعی گرا؟ توضیح دهید. یادگیری غیر تداعی گرا، زیرا به یادگیری ۵. هایی غیر تداعی گرا میگوئیم که با یک محرک سر رو کار داشته باشند و به اصطلاح به آنها آثار محرک واحد میگویند. اما یادگیری تداعی گرا پیوند بین دو محرک یا یک محرک و پاسخ است و خوگیری و حساس شدگی به آن مربوط نمیشود چون با تداعی بین امور سروکار ندارند

از نظر پییر یادگیری مبتنی بر رویارویی با محرک به چند بخش تقسیم میشود نام ببرید. ۶.

نقش پذیری ۲) یادگیری بو مبتنی بر رویارویی با محرک ۳) یادگیری صدای پرنده ۱)

منظور از یادگیری بو مبتنی بر رویارویی با محرک و یادگیری صدای پرنده چیست؟ ۷.

یادگیری بو مبتنی بر رویارویی با محرک: منظور این است که رویارویی محض با بعضی از بوها بر رفتار برخی جانداران تاثیر ویژه ایی به جا میگذارد. یادگیری صدای پرنده: منظور این است که بعضی از پرندگان در اثر مجاورت محض با صدای پرندگان دیگر آن صدا را تقلید میکنند

تفاوت یادگیری و عملکرد چیست؟ ۸.

یادگیری به تغییر در توان رفتاری یا رفتار بالقوه اشاره میکند اما عملکرد حاکی از انتقال این توانایی به رفتار است

به جا اصطلاح غریزه از چه عبارتی استفاده شد و چرا؟ * ۹.

اصطلاح رفتار ویژه نوع، زیرا جنبه توصیفی آن بیشتر است و رفتار ویژه نوع به الگوهای رفتاری پیچیده، ناآموخته و نسبتا غیر قابل تغییری که در شرایط معینی از رنوع معینی از حیوان ها سر میزند گفته میشود

نقش پذیری چیست و چه زمانی رخ میدهد؟ ۱۰.

نقش پذیری ایجاد وابستگی بین ارگانیسم و اشیاء محیطی است و تنها در طول یک دوره حساس روی میدهد و پس از سپری شدن آن دوره ، ایجاد رفتار نقش پذیری سخت و حتی غیر ممکن است

پییر نقش پذیری را به چند دسته تقسیم میکنند توضیح دهید. ۱۱.

به دو دسته نقش پذیری جنسی و نقش پذیری فرزندی

نقش پذیری فرزندی: ارگانیسم در دوران حساسی از عمر خود وقتی با یک محرک دیداری متحرک مواجه میشود به آن نزدیک شده و او را دنبال میکند

نقش پذیری جنسی: ارگانیسم به هنگام رسیدن به بلوغ جنسی سعی میکند با ارگانیسمی که به آن نقش پذیر شده است جفت گیری کند.

به چه رفتاری نمیتوان نام رفتار آموخته شده را داد؟ ۱۲.

میدانیم که برای اینکه یک تغییر رفتاری را به یادگیری نسبت دهیم آن تغییر باید نسبتاً پایدار و حاصل از تجربه باشد حال اگر ارگانیسم یک الگوی رفتاری پیچیده انجام دهد که مستقل از تجربه است نمیتوان به آن رفتار آموخته شده گفت

یادگیری را بر چه حسابی میتوان درک کرد؟ ۱۳.

از آنجا که شرطی سازی اصطلاح دقیق تری برای توصیف شیوه های واقعی تغییر رفتار است و از آنجا که دو نوع شرطی سازی داریم (کلاسیک و وسیله ای) پس میتوان یادگیری را برحسب شرطی سازی کلاسیک و شرطی سازی وسیله ای درک کرد

شرطی سازی وسیله ای چیست؟ ۱۴.

در شرطی سازی وسیله ای ارگانیسم باید پیش از آنکه تقویت شود به نحو خاصی عمل کند یعنی تقویت به رفتار ارگانیسم وابسته است و اگر حیوان رفتار مطلوبی از خود نشان ندهد تقویت نمیشود. پس در شرطی سازی وسیله ای ، رفتار حیوان وسیله ای است برای دریافت چیزی که میخواهد (تقویت کننده)

یک ارگانیسم برای بقا چه چیز هایی را باید بیاموزد؟ ۱۵.

اشیاء محیطی مثبت (کمک به بقا) ۲- اشیاء محیطی منفی (مضر برای بقا) ۳- اشیاء محیطی بی اثر (بی ربط به بقا) و همچنین ۱- باید یاد بگیرد که چگونه رفتار کند تا محرکهای مثبت را بدست آورد و از محرک منفی دور بماند

دلایل اهمیت مطالعه ی فرایند یادگیری را به طور خلاصه بیان کنید. ۱۶.

بررسی اصول یادگیری به ما کمک میکند تا علت های رفتارمان را بفهمیم ۲- امکان درک شرایطی را که منجر به رفتار نا سازگار ۱- و نا بهنجار میشود ۳- روش های کودک پروری میتواند از اصول یادگیری بهره مند شوند. ۴- وجود رابطه نزدیک بین اصول یادگیری یادگیری و روش های آموزشی

ه نام خدا

نمونه سوالات فصل دو کتاب مقدمه ای بر نظریه های یاد گیری

استاد محترم :خانم دکتر محمودی

طراح سوال:خانم درامامی و طالبی

از نظر هرنگهان والسون علم چیست؟ص۵۴(1)

علم دو موضوع فلسفی کهن درباره ی دانش را با هم ترکیب کرده است. خردگرایی:که طبق آن دانش از طریق تمرین ذهنی "تفکر" استدلال و استفاده ازمنطق به دست میآید.بنا به باور خردگراقبل از اینکه نتیجه گیری درستی صورت بگیردلازم است اطلاعات به وسیله ذهن ذخیره سازی شوند .موضع فلسفی دیگر تجربه گرایی است که طبق آن تجربه ی حسی اساس همه نوع دانش است و میگوید ما آنچه را که تجربه میکنیم میدانیم .در نتیجه :خرد گرا بر عملیات ذهنی تاکید میورزد در حالیکه تجربه گرا دانش را معادل تجربه می داند .علم هردو موضع را با هم ترکیب کرده و یک ابزار دانش شناختی بسیار نیرومند را بوجود آورده است.

جنبه های نظریه علمی از نظر هرنگهان و السون را بیان کنید؟ ص ۵۵(2)

ا- جنبه صوری :که کلمات و نماد های نظریه را شامل می شود و می تواند به خودی خود معنی دار باشد ؛ حتی اگر پیش بینی هایی که درباره جهان فیزیکی انجام می دهد؛ نادرست از آب درآیند.این بیان که همه یادگیریها به کاهش سائق وابسته اند از لحاظ صوری معنی دار است اما ممکن است به درستی یادگیری را تبیین نکند

جنبه تجربی:که رویدادهای فیزیکی یا مادی را که نظریه در تبیین آنها می کوشد ،در بر می گیرد.هر قدر یک نظریه انتزاعی و 2- پیچیده باشد در نهایت با رویدادهای فیزیکی مشاهده پذیر رابطه برقرار نماید

قانون علمی را می توان به عنوان یک رابطه بارها مشاهده شده بین دو یا چند دسته از رویدادها تعریف کرد

استانویچ درباره نظریه های علمی چه مطالبی را بیان داشته است؟ ص ۵۵(3)

در علم ،نظریه مجموعه مفهوم به هم وابسته است که تعدادی داده را تبیین می کند و درباره نتایج آزمایشات آتی پیش بینی هایی انجام می دهد.فرضیه ها پیش بینی های خاصی هستند که از نظریه ها استخراج می شوند؛ نظریه های معتبر از فرضیه های قابل تایید بدست می آیند که ساختار نظری آنها با تعداد زیادی از مشاهدات همخوانند. زمانیکه مجموعه ای داده شروع کردند به اینکه فرضیه های حاصل از یک نظریه نقض کنند ؛ دانشمندان می کوشند نظریه تازه وضع نمایند که از داده ها تفسیر بهتری فراهم آورد، بنابراین نظریه هایی که از امتیاز علمی برخوردارند تا حدی مورد بررسی قرار گرفته و پیش بینی های زیادی بدست می دهند که داده های موجود آنها را نقض نمی کنند و آنه صرفا حدس و گمان نیستند

کارکرد ترکیبی و کارکرد اکتشافی را به اختصار توضیح دهید؟ ص ۵۶(4)

دانشمندان می کوشند قوانینی را که کشف می کنند معنی دار سازند تا آنها را بگونه ای مرتب دسته بندی کنند

کارکرد ترکیبی:که می کوشد تعداد زیادی مشاهده را تبیین کند-1

کارکرد اکتشافی:که راه را برای پژوهش های آینده نشان می دهد و ممکن است پژوهشگر بخواهد فراتر از داده ها برود و -2 بیاناتی نظیر این ها را بسازد(حیوانات گرسنه از حیوانات سیر سریعتر یاد می گیرند.)پژوهشگر با فرض کردن حالت درونی غیر قابل مشاهده گرسنگی همزمان می کوشدهر دو کارکرد نظریه ،یعنی ترکیب کردن و پیش بینی مسیر پژوهش های آتی را مورد استفاده قرار دهد ، با بیان اینکه حیوان های دارای سائق بیشتر سریعتر یاد می گیرند

اصل ایجاز (اصل اقتصادی ؛ تیغ اکام، قانون مرگان)را شرح دهید؟ ص ۵۷(5)

این اصل می گوید وقتی دو نظریه با اثربخشی یکسان پدیده های واحدی را تبیین می کنند در صورتیکه یکی از تبیین ها ساده و دیگری پیچیده است ما باید تبیین ساده تر را مورد استفاده قرار دهیم ویژگی دیگر علم این است که از اصل ایجاز پیروی می کند

چهر مورد از ویژگی های نظریه علمی را بیان کنید؟ ص ۵۸(6)

یک نظریه تعدادی مشاهده را با هم ترکیب می کند-1

یک نظریه خوب اکتشافی است یعنی پژوهش های تازه تولید می کند-2

یک نظریه باید فرضیه هایی را تولید کند که بطور تجربی قابل بررسی باشند. اگر فرضیه ها تایید شوند نظریه نیرو می گیرد -3 ولی اگر تایید نشوند نظریه ضعیف می شود و باید مورد تجدید نظر قرار گیرد یا کنا گذاشته شود

نظریه ها مطالب انتزاعی مانند اعداد یا کلمات را شامل هستند که جنبه صوری نظریه را تشکیل می دهند-4

چها مورد از تصمیم های دلبخواهی که در بر پا کردن یک آزمایش یادگیری صورت می گیرد را نام ببرید؟ ص ۵۹ الی ۶۱(7)

فن فرد نگر در مقابل فن قانون نگر-1

انسان ها در مقایسه با حیوان ها به عنوان آزمودنی-2

فن همبستگی در مقایسه با فن آزمایش-3

انتخاب متغیرهای مستقل و وابسته-4

فن فرد نگر در مقابل فن قانون نگر را توضیح دهید ؟ و چه کسانی از این فنون استفاده می کردند؟ ص ۵۹(8)

فن فرد نگر: پژوهشگران فرایند یادگیری یک آزمودنی واحد را در شرایط گوناگون بررسی می کنند. اسکینر فن فرد نگر را بکار -1 می گرفت

فن قانون نگر:پژوهشگران از گروه های آزمودنی ها استفاده می نمایند و عملکرد متوسط آنها را مورد مطالعه قرار می دهند ؛ -2 هال از فن قانون نگر استفاده می کرد

چرا پژوهشگران در آزمایشات خود از حیوانات بیشتر از انسان ها استفاده می کردند؟ص ۵۹(9)

تجارب قبلی انسان هامزاحم مطالعه دقیق فرایند یادگیری می شود در حالیکه تاریخچه یادگیری آزمودنی های غیر انسان را -1 بسادگی می توان کنترل کرد

آزمایش های یادگیری اغلب طولانی و خسته کننده هستند و یافتن انسان هایی که مایل به مشارکت در این آزمایشات باشند -2 دشوار است درحالیکه آزمودنی های غیر انسان از این بابت شکایت نمی کنند

با آزمودنی های غیر انسان پژوهش درباره رابطه بین داروهای معین و یادگیری امکان پذیر است درحالیکه در انسان ها بسیار -3 دشوار و یا غیر اخلاقی و حتی غیر ممکن است.

بروی حیوانات می توان اعمال جراحی مختلفی را انجام داد ولی این کار با انسان ها ناممکن است-4

فن همبستگی در مقابل فن آزمایش را مقایسه کنید؟ ص ۶۰(10)

فن همبستگی بعضی از پژوهشگران از این فن استفاده می کنند مثلا اگر بخواهند همبستگی بین یادگیری و هوش را پیدا -1 قانون پاسخ-پاسخ (که R-R کنند از آنجا که این روش شامل همبسته کردن یک پاسخ با پاسخ دیگر است ، رابطه حاصل قانون قوانین همبستگی نامیده می شوند زیرا در آنها چگونگی هم تغییری دو طبقه رویداد رفتاری توصیف می شود

فن آزمایش بعضی از پژوهشگران از این فن استفاده می کنند مثلا یک یا چند رویداد محیطی را بطور منظم تغییر می دهند و -2 تاثیر آنها را بر متغیر وابسته مطالعه می کنند. رابطه مورد بررسی در اینجا رابطه بین محرک ها و پاسخ ها است، که به آن قانون (قانون محرک- پاسخ) می گویند) S-R

تفاوت بین نظریه ومدل و مدل را بیان کنید؟ ص ۶۳ (11)

مدل معمولا برای تبیین فرایندهای پیچیده به کار نمی رود بلکه از آن به منظور ساده کردن و قابل فهم تر کردن فرایندها استفاده میشود از مدل بدین منظور استفاده می شود که معلوم گردد چگونه یک چیز شبیه چیز دیگر است

در مقابل نظریه سعی بر این دارد که فرایندهای زیربنای یک پدیده پیچیده را تبیین کند ؛ برای مثال نظریه تقویت کوششی است برای تبیین نحوه وقوع یادگیری ،نظریه نمی کوشد تا نشان دهد که یادگیری شبیه به چیزی است این کاری است که مدل انجام می دهد.

چگونه اطلاعات بدست آمده در آزمایشگاه به موقعیت های یادگیری خارج از آزمایشگاه ارتباط می یابند؟ ص ۶۳(12)

برخی از پژوهشگران معتقد که ترکیب مشاهده طبیعی و آزمایش آزمایشگاه بهترین تدبیر است ؛ یعنی ابتدا می توان به مشاهده موقعیت های طبیعی پرداخت و بعد آنها را با تفصیل بیشتر در آزمایشگاه مورد آزمایش قرار داد و دوباره پدیده ها را در شرایط طبیعی مورد مطالعه قرار داد تا با استفاده از آنچه در آزمایشگاه بدست آمده درک بیشتری حاصل شود

پارادایم و علم نرمال را از نظر کوهن توضیح دهید؟ ص ۶۳ و ۶۴(13)

کوهن دیدگاه مورد پذیرش تعداد زیادی دانشمند را پارادایم (برنامه کار) می نامد

پارادایم یک چارچوب کلی برای پژوهش تجربی بدست می دهد و معمولا فراتر از یک نظریه محدود است و بیشتر شبیه به یک مکتب فکری یا یک " ایسم "(گرایی) است ؛ مانند رفتار گرایی ؛تدایی گرایی یا کارکرد گرایی

یک پارادایم راهی است برای بررسی یک موضوع که مسائل معینی را روشن می کند و راه های حل آن پیشنهاد می دهد

کوهن فعالیت های حل مسئله دانشمندانی را که از یک پارادایم پیروی می کنند ؛ علم نرمال می نامد

نظر پوپر درباره علم بنابر اصل ابطال پذیری(اصل غلط انگاری) را شرح دهید؟ ص ۶۵(14)

بنا به نظر پوپر فعالیت علمی آنطور که ادعا می شود با مشاهده تجربی آغاز نمی شود بلکه با یک مساله آغاز می گردد.به نظر پوپر این تصور که دانشمندان به هر دری سر می زنند تا به مشاهدات تجربی بپردازند و بعد سعی می کنند این مشاهدات را تبیین کنند صرفا یک تصور غلط است برای پوپر مسائل تعیین می کند که دانشمندان چه مشاهداتی را انجام دهند، طبق نظر پوپر یک نظریه علمی ؛ راه حل پیشنهادی برای یک مسئله است آنچه یک نظریه علمی را از یک نظریه غیر علمی بازمی شناسد ، اصل ابطال پذیری است .بنا برای اصل یک نظریه علمی باید درباره اینکه در اوضاع و احوال معین چه اتفاقاتی خواهند افتاد به پیش بینی های بخصوص اقدام کنند بعلاوه این پیش بینی ها باید خطر پذیر باشند یعنی امکان اینکه پیش بینی ها غلط باشند و لذا نظریه ای نیز که پیش بینی ها بر اساس آن درست شده ابطال گردد ؛ واقعا موجود باشد

تحلیل کوهن در مقابل تحلیل پوپر را مقایسه کنید؟ ص ۶۶(15)

به اعتقاد پوپر آنچه کوهن علم نرمال می نامد اصلا علم نیست برای پوپر باورهای ذهنی که کوهن ادعا می کند دانشمندان را به یک پارادایم پایبند می سازد سبب بازداري حل مساله به طریق موثر می شود کوهن در تحلیل خود از فعالیت علمی ، بر عوامل جامعه شناختی و روان شناختی تاکید می ورزد در حالیکه تحلیل پوپر ابطال منطقی راه حل های پیشنهادی برای مسائل را مورد تاکید قرار می دهد.به نظر پوپر راه حل های پیشنهادی برای مسائل (نظریه ها) با کوشش های دقیق برای ابطال آنها را با موفقیت پاسخ می دهند یا نمی دهند؛ بنابراین هیچ جایی برای ذهن گرایی وجود ندارد

با آرزوی سلامتی و پیروزی برای استاد بزرگوار و دوستان عزیزم

پایان

(۳) ن س روانشناسی یادگیری فصل

بسمه تعالی

نمونه سوالات فصل سوم (نخستین اندیشه های مربوط به یادگیری)

مدرس: استاد لیلا محمودی

دانشجویان: محدثه حکیمی و صغری مرادی

شناخت شناسی یا دانش شناسی چیست؟-1

.شاخه ای از فلسفه است که با ماهیت دانش سر و کار دارد

چرا افلاطون و ارسطو هردو اندیشه معرف خردگرایی هستند؟-2

.چون هردو فیلسوف معتقد بودند که ذهن در کسب دانش به طور فعال عمل میکند

چرا افلاطون را فطرت گرا می نامند؟-3

.زیرا بر وراثت تاکید داشته است

چرا ارسطو را تجربه گرا می نامند؟-4

.زیرا بر اطلاعات حسی تاکید ورزیده است

نظریه ی یادآوری دانش افلاطون را بگویید و بگویید افلاطون چه اندرزی به اخترشناسان داده است؟-5

بنا به نظر افلاطون، هریک از اشیا جهان دارای یک همتای انتزاعی اندیشه یا صورت است که علت آن شیء به حساب می آید مثلا اندیشه انتزاعی صندلی با ماده کنش متقابل می کند تا آنچه را که صندلی می نامیم به وجود آورد. دانش یادآوری تجاری است که روح ما در آسمانی که فراسوی آسمان هاست داشته است. افلاطون اخترشناسان را به رها کردن آسمان ها و استفاده از موهبت طبیعی خرد اندرز می دهد

دو تفاوت عمده بین نظریه دانش ارسطو و افلاطون را بنویسید؟-6

اول اینکه قوانین و صورت ها یا مفاهیم کلی که ارسطو در پی یافتن آنها بود بر خلاف افلاطون برای ارسطو وجودی مستقل از تظاهرات تجربی نداشتند و آنها صرفا روابط مشاهده شده در طبیعت بودند. دوم اینکه برای ارسطو همه دانش ها مبتنی بر تجربه حسی بودند که این مطلب را افلاطون قبول نداشت

قوانین تداعی ارسطو چیست؟-7

طبق این قانون تجربه یا یادآوری یک چیز سبب یادآوری چیزهای مشابه با آن چیز(قانون شباهت) یا چیزهای مغایر با آن(قانون تضاد)یا چیزهایی که در اصل همراه با آن تجربه شده اند(قانون مجاورت) خواهد شد

بعدها در تاریخ گفته ارسطو را قانون بسامد نامیدند، آن قانون چیست؟-8

هر قدر دو چیز باهم بیشتر تجربه شوند، تجربه یا یادآوری یکی از آن دو با احتمال بیشتری دیگری را به یاد خواهد آورد.

نمودار مجاورت تداعی صندلی، از طریق لمس کردن را رسم کنید-9

شئ: صندلی	عضو حسی: دست	دستگاه عصبی: اعصاب لمسی	مغز: ناحیه ی لمسی در
مغز	ذهن: احساس لمس کردن صندلی		

رنه دکارت از چه استدلالی به اثبات وجود خدا پرداخت و چه نتیجه ای گرفت؟-10

به نتیجه گیری معروف خود رسید که من می اندیشم، پس وجود دارم. با این استدلال به اثبات وجود خدا پرداخت و نتیجه گرفت که تجارب حسی ما باید انعکاس واقعیت عینی باشند زیرا خدا ما را فریب نمیدهد.

دکارت غده صنوبری را محل تلاقی چه چیزی میدانست؟ معتقد بود غده صنوبری محل تلاقی ذهن و جسم است-11

از نظر دکارت اندیشه های فطری از تجربه ناشی نمیشود، بلکه جزو-----هستند. جدایی ناپذیر ذهن-12

عقیده توماس هابز درباره ی محرک ها چه بود؟-13

محرک ها به کارکردهای حیاتی بدن کمک میکنند یا برای آن ها مانع ایجاد میکنند

ارزش های خوب و بد، جنبه فردی دارند یا انتزاعی یا مطلق؟ جنبه فردی-14

چرا به اعتقاد توماس هابز تشکیل جوامع انسانی از میان دو شر کم زیان ترین است؟-15

زیرا چنین کاری احتمال درگیری مداوم با دیگر انسان ها را کاهش میدهد

چرا جان لاک با نظریه اندیشه های فطری مخالف بود؟-16

به اعتقاد او ذهن از اندیشه تشکیل میابد و اندیشه ها از تجربه سرچشمه میگیرند، به نظر او اگر اندیشه ها فطری بود پس همه مردم جهان باید آن را دارا بودند در حالیکه اینطور نیست و مردم دارای فرهنگ مختلف و نیز در اندیشه ها و اعتقاداتشان باهم بسیار متفاوتند.

لایب نیتز در تلخیص فلسفه لاک چه گفته است؟-17

. چیزی در ذهن نیست که ابتدا در حواس نبوده باشد، مگر خود ذهن

کیفیت های نخستین و ثانویه چه هستند؟ همراه با مثال-18

کیفیت های نخستین: ویژگی های جهان مادی هستند که به اندازه کافی نیرومند هستند که میتوانند در ذهن ادراک کننده بازنمایی های ذهنی دقیق را به وجود می آورند مثل وزن ، مقدار و حجم. کیفیت های ثانوی: ویژگی های جهان مادی اند اما به اندازه کافی نیرومند نیستند که بتوانند در ذهن ادراک کننده بازنمایی های ذهنی خود را به وجود آورند مثل اتم ها و مولکول ها

چرا کیفیت های ثانوی را نمیتوان مانند کیفیت های نخستین به طور عینی تحلیل کرد؟-19

چون کیفیت های ثانوی صرفا شناختی هستند

چرا جورج برکلی را تجربه گرا می نامند؟-20

زیرا او باور داشت محتویات ذهن از تجربه واقعیت بیرونی مشتق میشوند ، واقعیت های بیرونی جنبه مادی یا فیزیکی ندارد بلکه ناشی از ادراک خداوند است و آنچه ما از راه حواسمان تجربه می کنیم اندیشه های خداوند است

در فلسفه هیوم چرا هیچ چیز را نمیتوان با اطمینان دانست؟-21

زیرا تمامی دانش مبتنی بر تفسیر تجربه ذهنی است

به اعتقاد کانت آنچه ما به طور هشیار تجربه میکنیم متأثر از چه چیزهایی است؟-22

هم متأثر از تجربه حس حاصل از جهان تجربی است و هم تحت تاثیر ذهن که فطری است قرار دارد

جان استورات میل با باور تجربه گرایان مبنی بر اینکه تمام اندیشه ها تحریکات حسی را منعکس می کنند مخالفت کرد نظر او -23 چه بود؟

او معتقد بود کل از مجموعه اجزا آن بیشتر است از نظر او وقتی بعضی اندیشه ها با هم ترکیب می شوند اندیشه تازه ای را به وجود می آورند که بی شباهت به اجزای تشکیل دهنده است

بیست و هفت قوه ی ذهنی که روانشناسی قوای ذهنی نام گرفت مخلوطی از چه چیزهایی بود؟-24

فطرت گرایی، خردگرایی، تجربه گرایی

واقع گرایی ساده لوحانه توماس رید تعریف کنید؟بر باور رید واقعیت آن است که ما آن را ادراک میکنیم-25

جمعیه شناسی را تعریف کنید؟-26

گال یک نقشه مفصل از جمجه تهیه کرد که در آن محل های قوای مختلف تصویر شده بود که با استفاده از این نقشه و تحلیل برآمدگی ها و فرورفتگی های جمجه فرد، میتوانست بگویند که کدام یک از قوای ذهنی او بیشتر رشد یافته و کدام یک عقب مانده است، به اینگونه تحلیل صفات ذهنی از طریق بررسی ویژگی های جمجه را جمجه شناسی می گویند

دو تاثیر مثبت و منفی جمجه شناسی را بگویید-27

تاثیر مثبت: پژوهش هایی را تولید کرده که به کشف قسمت های مغز پرداخته اند

تاثیر منفی: باعث شده بسیاری از روانشناسان قوای ذهنی معتقد شوند که درست همانگونه که ماهیچه ها بر اثر تمرین جسمی نیرومند میشوند قوای ذهنی نیز در نتیجه تمرین ذهنی نیرومند میگردد

انضباط صوری چیست؟-28

بن این باور که یک دوره خاص آموزش و تمرین انضباط و تمرین قوا خاص را نیرومند میسازد، انضباط صوری میگویند

چه کسی را نجات دهنده روان شناسی از یوغ فلسفه میدانند؟ هرمن ابینگهاوس-29

یکی از اصول مهم تداعی که ابینگهاوس در تحقیقات خود به آن توجه خاص داشت چیست و آن را تعریف کنید؟-30

قانون فراوانی یا بسامد که هرچه یک تجربه بیشتر رخ دهد آسان تر به یاد می آید، به عبارت دیگر حافظه از راه تکرار نیرومند میشود

مواد بی معنی که ابینگهاوس برای آزمودن اندیشه اختراع کرد شامل چه چیزی بود؟-31

cew: دو حرف بی صدا و یک حرف صدا دار در وسط آن مانند

برای افزایش تعداد هجا ها زمان مورد نیاز برای یادگیری-----می یابد. افزایش-32

اولین منحنی یادگیری در روانشناسی را خلق نمود. ابینگهاوس -----33

زمان صرفه جویی را تعریف کنید-34

ابینگهاوس وی از تسلط یابی اصلی، در فواصل مختلف به فهرست هجا ها بازمی گشت و آن را بازآموزی میکرد و از این راه تعداد تلاش های مورد نیاز برای بازآموزی فهرست هجاها را تعیین می کرد آن را از تعداد تلاش های مورد نیاز برای یادگیری کم میکرد، این تفاوت را زمان صرفه جویی میگویند

منحنی یادداری چه چیزی را نشان می دهد؟-35

نرخ فراموشی در ساعت های نخستین بعد از تجربه یادگیری بسیار سریع و پس از آن کند است و همچنین بر آموزی نرخ فراموشی را به نحو قابل ملاحظه ای کاهش می دهد

هدف های وونت در مکتب اراده گرایی چه بود؟-36

یکی مطالعه هشیاری به صورتی که بی واسطه تجربه میشوند و دیگر فراورده های هشیاری مانند دست آوردهای فرهنگی مختلف بودند

وونت چه چیزی را اندریافت نامید؟-37

اوبیان کرد انسانها می توانند به طور انتخابی به آن دسته از عناصرفکری که میخواهند، توجه کنند آنها رابه روشنی ادراک نمایند

ترکیب خلاق چیست؟ عناصر فکر را میتوان به طور ارادی به هر طریقی که بخواهیم با هم ترکیب کنیم به این فرایند ترکیب -38
خلاق میگویند

در تحلیل عناصر فکر ازلر مهم مورد استفاده روانشناسی اراده گرا و ساخت گرا چه بود و خطای محرک را تعریف کنید؟-39

درون گری- نام بردن شئی مورد آزمایش در گزارش درون گری را خطای محرک میگویند

وجه اشتراک اراده گرایان و ساخت گرایان چه بود؟ جستجو برای عناصر فکر-40

مهمترین خاصیت ساخت گرایی چه بود؟ این که به وجود آمد، آزمایش شد، شکست خورد-41

تاکید کارکردگرایان چه بود؟ فایده ی هشیاری و رفتار در سازگاری با محیط-42

چرا فراینده هشیاری را نمیتوان به عناصر کاهش داد؟-43

زیرا فرآیندهای هشیار یک شخص به عنوان یک کل در سازگاری او با محیطش دخالت دارند

خدمت اصلی انجل به روان شناسی چه بود؟-44

تاسیس بخش روانشناسی برمبنای دیدگاه کارکردگرایی در دانشگاه شیکاگو

یکی از هدف های عمده کارکردگرایان چیست؟-45

فراهم آوردن اطلاعات سودمند برای بهبود وضعیت انسان است.

واتسون در نظریه ی رفتارگرایان، علاقه اصلی روانشناسان را چه دانست؟-46

باید رفتار و تغییراتی که بر اثر تجربه در آن ایجاد می شود باشد و مطالعه هشپاری باید به فلاسفه واگذار شود.

بنا به گفته ی واتسون رفتار چیست؟-47

رفتار چیزی است که می توان آن را دید و بنابراین رفتار چیزی است که باید مطالعه شود.

روانشناسی از دیدگاه رفتارگرایان چیست؟-48

یک شاخه آزمایشی کاملاً دقیق از غلوم طبیعی است و هدف نظری آن پیش بینی و کنترل رفتار است.

واتسون رفتارگرایی را چه وسیله ای می دانست؟-49

وسيله ای برای زدودن جهل و خرافات از تجربه آدمی و هموار ساختن راهی برای یک زندگی معقول تر و معنی دار تر.

دو تاثیر پایدار واتسون بر روانشناسی را ذکر کنید-50

نخست اینکه او هدف روانشناسی را از کوشش برای درک هشپاری به پیش بینی و کنترل رفتار تغییر داد و دوم اینکه رفتار را موضوع روانشناسی قرار داد.

(۵)ن س روانشناسی یادگیری فصل

«به نام خدا»

« سوالات فصل پنجم »

نظریه های یادگیری

1. نخستین کتاب اسکینر با همکاری چه کسی و در چه مورد نوشته شد؟

با همکاری پدرش و در مورد اسناد حقوقی صنعت ذغال سنگ

2. دو مقاله مهم اسکینر را نام ببرید.

علم یادگیری و هنر آموزش، ماشین های آموزشی

3. اسکینر یک نو فلسفه علمی به نام را پایه گذاری کرد.

«رفتار گرایی رادیکال»

دو نوع از رفتار هایی که اسکینر گفته است نام برده و توضیح دهید ؟ رفتار پاسخگر : که به وسیله محرک شناخته شده فراخوانده 4. (ایجاد) می شود.

رفتار کنشگر : (یا رفتار فعّال) که به وسیله ی یک محرک شناخته شده فراخوانده نمی شود، بلکه صرفاً از جاندار صادر می شود.

چيست؟ و چند نوع شرطی شدن داریم؟ S منظور از شرطی شدن نوع 5.

نوع محرک) شرطی شدن پاسخگر نیز نامیده می شود، که با شرطی شدن کلاسیک یکی است، تا S دو نوع، شرطی شدن نوع ، بر اهمیت محرک در فراخوانی پاسخ تأکید شود.

چيست؟ R منظور از شرطی شدن نوع 6.

یعنی شرطی شدن رفتار کنشگر (نوع پاسخ) نام گرفته است تا بر اهمیت پاسخ تأکید شود. شرطی شدن R شرطی شدن نوع ،، شرطی شدن کنشگر نیز نامیده می شود R نوع

پدر و مادری که علاقمند به هدایت شخصیت کودکانشان هستند چه مراحل را باید طی کنند؟ 7.

الف. مشخص کنید کودکانتان در بزرگسالی چه ویژگی های شخصیتی مهمی خواهند داشت. (مثلاً؛ فرض کنید کودک شما فردی خلاق خواهد شد.

ب. این هدف ها را به اصطلاحات رفتاری تعریف کنید.. در این مورد از خود بپرسید وقتی کودک من بزرگ شد به عنوان یک فرد خلاق چه کارهایی انجام خواهد داد.

ج. به رفتارهایی که هماهنگ با این هدف ها هستند پاداش دهید.

د. یکنواخت عمل کنید، جنبه های محیط کودک را طوری ترتیب دهید که رفتارهایی را که به نظر شما با اهمیت اند تقویت کنند.

خاموشی در شرطی سازی به چه معنی است؟ 8.

مانند شرطی سازی کلاسیک وقتی که ما تقویت کننده را از موقعیت شرطی سازی کنشگر خارج می کنیم خاموشی ایجاد می نمایم.

9. را تعریف کنید SD محرک تمیزی یا .

می توانیم اینطور بگوییم که به این ترتیب باشد که وقتی چراغ درون جعبه آزمایش روشن است چون غذا دریافت کند ، نه زمانی که و خاموش SD می گوئیم. روشن شدن یا روشن بودن چراغ معرف SD چراغ خاموش است. در این شرایط به نور محرک تمیزی یا است. SA بودن آن نشان دهنده

تقویت ثانوی و تقویت کننده ثانوی چیست؟ 10.

هر محرک خنثایی که با یک تقویت کننده ی نخستین (مثل آب و غذا) همراه شود خاصیت تقویت کنندگی پیدا می کند. این قانون ، تقویت کننده ثانوی است.

11. تقویت تعمیم یافته را تعریف کنید.

نوعی تقویت کننده ی ثانوی است که با بیش از یک تقویت کننده ی نخستین همراه بوده است.

مثال؛ پول. برای نمونه غذا تنها برای یک ارگانیسمی که از غذا محروم بوده است تقویت کننده است اما پول برای شخصی که محروم از غذا نیست نیز تقویت کننده است.

12. دلایل اسکینر را علیه تنبیه نام ببرید.

الف. تنبیه آثار جانبی، هیجانی نامطلوب به بار می آورد.

ب. تنبیه به ارگانیسم نشان می دهد که چه کار

ج. تنبیه صدمه زدن به دیگران را توجیه می کند

د. کودک با قرار گرفتن در موقعیتی که بتواند در آن رفتار قبلاً تنبیه شده خود را انجام دهد، بدون آنکه برای آن تنبیه شود، ممکن است وادار به انجام آن کار یا رفتار باشد

ه. تنبیه در شخص تنبیه شده نسبت به عامل تنبیه کننده و دیگران پرخاشگری ایجاد می کند

و. تنبیه اغلب یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگری می سازد

بهترین فرآیند جانشین برای تنبیه چیست؟ 13.

خاموشی

اسکینر کتابی با نام برنامه های تقویت منتشر کرده، معروف ترین برنامه های تقویت هشت برنامه اند، نام ببرید 14.

برنامه تقویتی پیوسته یا پیاپی ۲. برنامه تقویتی فاصله ی ثابت ۳. برنامه تقویتی نسبت ثابت 1.

برنامه تقویتی فاصله متغیر ۵. برنامه تقویتی نسبت متغیر ۶. برنامه تقویت همزمان و قانون جور کردن 4.

7. (PR) برنامه تقویت زنجیره ای همزمان ۸. برنامه های نسبتی پیش رونده و اقتصاد رفتاری

السون و هرگنهان، یادگیری، داراب، دانشجویان: برچسب ها

نظرات | نوشته شده در پنجشنبه سیزدهم آذر ۱۳۹۹ ساعت ۲۲:۳۰ توسط لیلا محمودی ±

(۷) ن س نظریه های یادگیری فصل

بسم الله الرحمن الرحيم

سوالات فصل ۷

دانشجو: نیکوگفتار

جمله معروف ثرندایک و پاولوف راجب علم را بیان کنید . (صفحه ۲۲۰). ۱.

تنها علم ،علم دقیق مربوط به طبیعت انسان و صادقانه ترین رویکرد به آن به کمک روش نیرومند علمی می تواند انسان را از تیره روزی امروزی اش نجات دهد و از شرمساری او در حوزه روابط بین انسان ها بکاهد

اجزای شرطی شدن کلاسیک را نام برده و توضیح دهید. (صفحه ۲۲۱). ۲.

که موجب یک پاسخ طبیعی و خودکار در ارگانیسم می شود (US)الف) یک محرک غیر شرطی

است US که پاسخ طبیعی و خودکار فراخوانده شده به وسیله (UR)ب) یک پاسخ غیر شرطی

. که یک محرک خنثی است و پاسخ طبیعی و خودکار را در ارگانیسم موجب نمی شود (CS) پ) یک محرک شرطی

ظاهر می شود (CR) وقتی که این اجزا به طریق معینی با هم در می آمیزند یک پاسخ شرطی

خاموشی آزمایشی را توضیح دهید.(صفحه ۲۲۱). ۳.

به ارگانیسم ارائه می‌شود اما با تقویت دنبال نمی‌گردد. در مطالعات شرطی سازی کلاسیک، CS خاموشی زمانی رخ می‌دهد که است. US تقویت

بازگشت خودبه خودی را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۱). ۴.

به طور موقتی بازگشت می‌کند. در این حالت هرچند که CR به حیوان ارائه شود، CS مدت زمانی پس از خاموشی اگر دوباره به طور خود به خودی بازگشت کرده است CR همبستگی بیشتری رخ نداده، CS و US بین

تعریف شرطی شدن در سطح بالاتر را به صورت خلاصه بیان کنید. (صفحه ۲۲۲). ۵.

از طریق همراه شدن با CS استفاده کرد یعنی UC همراه شد می‌توان از آن به عنوان US برای چندین بار CS پس از آن که بروز شود CR دیگری همراه کرد تا موجب CS خاصیت تقویتی پیدا می‌کند و می‌توان آن را با US

تعمیم و تمیز را به صورت خلاصه تعریف کنید. (صفحات ۲۲۳ و ۲۲۴). ۶.

تعمیم به تمایل جاندار به پاسخ دادن به محرک های مشابه با محرکی که عملاً در ضمن شرطی شدن به کار رفته است که گفته می‌شود .

تمیز به تمایل جاندار به پاسخ دادن به دامنه محدودی از محرک ها یا تنها به آن محرکی که در ضمن شرطی شدن به کار رفته است اشاره می‌کند

تفاوت بین گسترش اثر ثرندایک و تعمیم پاولوف را بیان کنید. (صفحه ۲۲۴). ۷.

گسترش اثر به تأثیر تقویت بر پاسخ‌های مجاور پاسخ تقویت شده، بدون توجه به شباهت های این پاسخ ها با پاسخ تقویت شده، اشاره می‌کند. در گسترش اثر، عامل مهم مجاورت است. تأمین توان افزایش یافته محرک های وابسته به محرکی که عملاً پیش از توصیف می‌کند. در تعمیم شباهت عامل مهم است نه مجاورت CR تقویت رخ داده است را در ایجاد

راه های ایجاد تمیز را نام ببرید. (صفحه ۲۲۴). ۸.

آموزش (شرطی کردن) درازمدت

تقویت تفکیکی

شرطی شدن درنگیده را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۴ و ۲۲۵). ۹.

و یا پس از شروع US ادامه می‌یابد تا اینکه یا با شروع CS ارائه می‌شود. در این موقعیت US پیش از CS در شرطی شدن درنگیده و در حضور آن پایان پذیرد US

شرطی شدن ردی را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۵). ۱۰.

. در این نوع شرطی شدن نخست محرک شرطی و پس از آن محرک غیر شرطی ظاهر می‌گردند

یک وقفه زمانی US و شروع CS ما پیش از ظاهر شدن محرک غیر شرطی، محرک شرطی قطع می‌شود به گونه ای که بین خاتمه به وجود می‌آید

شرطی شدن هم زمان را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۵). ۱۱.

. در شرطی شدن همزمان محرک شرطی و محرک غیر شرطی دقیقاً با هم شروع می‌شود و با هم خاتمه می‌یابند

شرطی شدن وارونه را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۶). ۱۲.

ارائه می شود CS ارائه و و کنار گذاشته می شود و سپس US در شرطی شدن وارونه ابتدا

شرطی شدن زمانی را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۶). ۱۴.

در این نوع شرطی شدن یک محرک شرطی مشخص مثل صوت یا نور وجود ندارد بلکه زمان نقش محرک شرطی را بازی می کند

شرطی در فواصل زمانی معین به جاندار ارائه می شود و چگونگی شرطی شدن زمانی به این صورت است که محرک غیر سرانجام جاندار می آموزد که درست پیش از آمدن محرک غیر شرطی پاسخ شرطی را بدهد

دوفراپند اسای که از نظر پاولوف بر فعالیت های دستگاه عصبی مرکزی حاکم اند کدام اند؟ (صفحه ۲۲۸). ۱۵.

برانگیختگی (تهییج) / بازداري

موزائیک مغزی چیست توضیح دهید. (صفحه ۲۲۸). ۱۶.

موزائیک مغزی تعیین می کند که چگونه یک جاندار به محیط خود پاسخ خواهد داد همراه با تغییر محیط بیرونی و محیط درونی موزائیک مغزی نیز تغییر می کند و رفتار نیز مطابق با آن تغییر می یابد

رفتار قالبی پویا را توضیح دهید. (صفحه ۲۲۸). ۱۷.

وقتی که رویدادها به طور مکرر در محیط رخ می دهند بازنمایی عصبی می یابند و پاسخ دهی به آنها آسانتر و محتمل تر می شود بنابراین پاسخ دادن به یک محیط آشنا سریع و خودکار می شود. وقتی که این جریان صورت می پذیرد گفته می شود که یک رفتار قالبی پویا ایجاد شده است

چرا رفتار قالبی یک موزائیک مغزی است؟ (صفحه ۲۲۸). ۱۸.

به علت این که ارگانیسم برای یک مدت زمان نسبتاً طولانی در یک محیط کاملاً قابل پیش بینی قرار داشته و با ثبات گشته است مادام که این نقشه مغزی به درستی محیط را منعکس می کند و پاسخ های مقتضی را تولید می نماید همه چیز به خوبی پیش می رود اما اگر محیط به سرعت تغییر یابد ممکن است تغییر دادن یک رفتار قالبی پویا برای ارگانیسم دشوار باشد

اصطلاح تحلیل گر پاولوف را توضیح داده و علت بکار بردن آن را بیان کنید. (صفحه ۲۲۹). ۱۹.

پاولف اصطلاح تحلیلگر را به کار برد تا راه ارتباطی یک گیرنده حسی به ناحیه معینی از مغز را توصیف کند. یک تحلیلگر از گیرنده های حسی مجرای عصبی از گیرنده ها به مغز و ناحیه از مغز که فعالیت عصبی به آن وارد می شود تشکیل می یابد

گسترش برانگیختگی را از نظر پاولوف تعریف کرده و بگویید برای تبیین چه چیزی استفاده میشود؟ (صفحه ۲۲۹). ۲۰.

اطلاع حسی که به ناحیه معینی از مغز وارد می شود سبب برانگیختگی در آن ناحیه می گردد به سخن دیگر ابتدایی گسترش برانگیختگی وجود دارد این برانگیختگی به نواحی مجاور مغز سرایت می کند پاولف این فرایند را برای تبیین تعمیم مورد استفاده قرار داد

فرایند تمرکز از نظر پاولوف را تعریف کرده و بگویید برای تبیین چه چیزی استفاده میشود؟ (صفحه ۲۲۹). ۲۱.

پاولوف دریافت که تمرکز فرایند مغایر با گسترش می تواند در برانگیختگی و بازداری تأثیر داشته باشد او دریافت که در پاره ای شرایط معین هم برانگیختگی و هم بازداری می توانند در نواحی معینی از مغز متمرکز گردند همانگونه که فرایند گسترش برای تبیین تعمیم به کار می رفت فرایند تمرکز نیز برای تبیین تمیز مورد استفاده قرار می گرفت

شرطی کردن برانگیختگی و بازداری شرطی از نظر پاولوف را شرح دهید. (صفحه ۲۳۰). ۲۲.

پاسخی را برانگیخته یا تولید می کند CS-US شرطی کردن برانگیختگی: در آن هماپندی

را تولید می نماید که پاسخی را بازداری می کند (CS) زمانی بازداری شرطی ایجاد می شود که روش شرطی کردن سی اسی یا آن را وا پس میزند

اصطلاح بازداری بیرونی پاولوف را تعریف کنید. (صفحه ۲۳۱). ۲۳.

قبلاً شرطی شده (CS) بازداری بیرونی اصطلاحی است که پاولوف به کار برد تا اثر مخرب حاصل از ارائه یک محرک تازه را همراه با به صورت یک بازدارنده شرطی درآمده باشد ارائه (CS) نشان دهد اما این اثر به برانگیختگی شرطی محدود نمی شود اگر یک موجب بازداری زدایی می شود که عامل تخریب بازداری شرطی است به سخن دیگر اگر ما (CS) یک محرک غیرمنتظره همراه با یک محرک تازه را با یک بازدارنده شرطی همراه کنیم بازدارنده توانایی بازداری را از دست می دهد

دستگاه اول علامتی و دستگاه دوم علامتی را به طور خلاصه توضیح دهید. (صفحه ۲۳۲). ۲۴.

پاولوف محرک هایی که رویدادهای مهم زیستی را علامت می دهند دستگاه اول علامتی یا اولین علامت های واقعیت نامید و همچنین پاولوف کلماتی را که نمادهای واقعیت هستند علامتهای علامت ها یا دستگاه دوم علامتی نامید

تفاوت های شرطی سازی کلاسیک و شرطی سازی وسیله ای را بیان کنید. (صفحه ۲۳۳). ۲۵.

شرطی سازی کلاسیک پاسخی را در حیوان فرا می خواند اما شرطی سازی وسیله ای وابسته به صدور پاسخ از جانب حیوان است می توان گفت که پاسخ اول غیر ارادی و خودکار ولی پاسخ دوم ارادی و زیر کنترل حیوان است

در شرطی سازی وسیله ای تقویت پس از آنکه پاسخ دلخواه انجام شد به جاندار داده میشود اما در شرطی سازی کلاسیک تقویت کننده به این منظور داده می شود که پاسخ دلخواه را در جاندار فراخواند

مشابهت های شرطی سازی کلاسیک و شرطی سازی وسیله ای را بیان کنید. (صفحه ۲۳۴). ۲۶.

هر دو نوع شرطی شدن به بقای ارگانیسم کمک می کنند شرطی سازی کلاسیک از راه ایجاد نظامی از علائم و نشانه ها که به پیش بینی رویدادهای مهم امکان می دهد و شرطی سازی وسیله ای از طریق به وجود آوردن الگوهای رفتاری مقتضی در پاسخ به آن رویداد ها به بقای ارگانیسم کمک می کنند هر دو نوع شرطی شدن به تقویت وابسته اند در شرطی سازی و اگر آن از شرایط آزمایشی حذف شود خاموشی اتفاق می افتد در شرطی سازی وسیله ای US کلاسیک تقویت کننده تقویت کننده وضع خشنود کننده است که به دنبال پاسخ مقتضی می آید اگر تقویتی که به دنبال پاسخ می آمده است قطع شود احتمال بروز آن پاسخ به زمان پیش از معرفی تقویت بازگشت می کند شرطی سازی کلاسیک و شرطی سازی وسیله ای در پدیده های بازگشت خود به خودی تعمیم، تمیز و تقویت ثانوی نیز همانندند

دو اشتباه احتمالی نظریه پاولوف را شرح دهید. (صفحه ۲۳۴). ۲۷.

این است نخست که او پاسخ های اشتباه شرطی را پاسخ های کوچک غیر شرطی می دانست و اشتباه دوم او این است که می گفت خاموشی ناشی از بازداری است

های کوچک نیستند ارائه دهید. (صفحه ۲۳۴ و ۲۳۵) UR ها الزاماً CRها شواهد حاکی از این موضوع که ۲۸.

می شود به همین دلیل بعضی وقتها شرطی سازی کلاسیک را US جانشین CS پاولوف باور داشت که در جریان شرطی شدن ها همان CR عمل می کند US به صورت جانشین CS یا دیگری جانشین سازی محرک نامیده اند چنین فرض می شد که چون براق است که در (US) حاصل از غذا UR بسیار شبیه اند مانند زمانی که UR و CR های کوچک هستند درواقع بعضی وقتها UR

که به طور مکرر با CS پلک زدن است و UR دمیدن جریان باد به چشم است US نیز بزاق است همچنین وقتی که CR این مورد به نظر می‌رسد اما در مقدار کمتر از آن است UR شبیه به CR همراه شود سرانجام منجر به پلک زدن می‌شود بنابراین اغلب US

پدیده غلبه پاولوف را توضیح دهید. (صفحه ۲۳۷). ۲۹.

استفاده می‌شود و یک جزء محرک بر اجزای دیگر آن غالب است تنها آن جزء غالب شرطی CS وقتی از یک محرک مرکب به عنوان می‌شود که این پدیده غلبه نام گرفته است

اهمیت توجه از نظر نیکولاس مکینتاش را شرح دهید. (صفحه ۲۴۷). ۳۰.

نیکولاس مکینتاش نظر داده است که جانداران اطلاعاتی را جستجو می‌کنند که به آنها امکان می‌دهد تا رویدادهای زیستی مهم را پیش‌بینی نمایند وقتی که یک علامت پیش‌بینی کننده یافت شد توجه به طور فزاینده ای به آن علامت در می‌شود در حالی که توجه به محرک های نامربوط کاهش می یابد وقتی که چندین علامت وجود دارند با هر کوشش یادگیری علامت‌هایی که بیشتر پیش‌بینی کننده اند آشکارتر می شوند و علامت‌هایی که کمتر پیش‌بینی کننده اند مورد غفلت قرار می‌گیرند

تبیین مکینتاش از پدیده وقفه را شرح دهید . (صفحه ۲۴۸). ۳۱.

تبیین مکینتاش از پدیده وقفه بر این فرض استوار است که اشاره‌هایی که بیشتر پیش‌بینی کننده اند بهتر جلب توجه می‌برجسته تر جلوه می‌CS با اطمینان وقوع یک رویداد زیستی مهم را پیش‌بینی می‌کند آن‌CS کنندوقتی که یک دوم بیشتر با هم به جاندار ارائه شوند وقفه نیرومندتر است را CS اول و CS نماید نظریه مکینتاش این مشاهده را که هر چه توجه می‌کند

درباره نظریه شرطی شدن کلاسیک مبتنی بر شگفت انگیزی کامین توضیح دهید. (صفحه ۲۴۸). ۳۲.

برای اولین بار ظاهر می‌شود حیوان به وسیله آن شگفت زده US کامین به منظور تبیین پدیده وقفه استدلال می‌کند وقتی که را انتظار بکشد سرانجام CS،US رخ دهد حیوان به تدریج یاد می‌گیرد که اندکی پس از ارائه US با اطمینان پیش ازCS می‌شود اگر شگفت زده نمی‌شود و دیگر شرطی شدن اتفاق نمی‌افتد بنا به نظر کامین وقتی که US اینکه حیوان از آن پس به وسیله دیگر شگفت انگیز نیست و دلیلی وجود ندارد که در این موقعیت چیز دیگری آموخته شود US را زنده می‌کند وقوع US خاطره CS یک حالت US بنابراین برای کامیون مکانیسمی که شرطی شدن کلاسیک را تبیین می‌کند شگفت انگیزی است وقتی که شروع را پیش‌بینی می‌کرده است مورد جستجو قرار می‌US شگفت‌انگیزی کامل است حیوان حافظه اش را برای یافتن رویدادی که دهد وقتی که چنین رویدادی پیدا شد حالت شگفتی به همراه آن به اصطلاح شرطی شدن خاتمه می‌یابد

نظریه شرطی شدن کلاسیک مبتنی بر تشکیل انتظار بولس را توضیح دهید. (صفحه ۲۵۰). ۳۳.

شرطی شدن به عنوان تشکیل انتظارات رابرت بولف پیشنهاد می‌کند که جانداران هیچ پاسخ تازه‌ای در ضمن شرطی شدن می‌آموزند بلکه یاد می‌گیرند واکنش‌های ویژه نوع خود که را متناسب با موقعیت است انجام دهند بنا به نظریه ولی آنچه جانداران می‌آموزند انتظاراتی است که رفتار نا آموخته آنها را هدایت می‌کند

همیشه است انتظار محرک شکل می‌گیردUS با پیامد مهم همچون حضور یا عدم حضور CS وقتی که

اثر گارسیا چیست؟ (صفحه ۲۵۲). ۳۴.

شکل‌گیری بیزاری برای نسبت به مزه دارای چنان جنبه‌های ویژه‌ای است که به این پدیده نام خاصی داده شده است سهولت قابل ملاحظه‌ای را که در یادگیری رابطه بین مذهب یک غذای خاص و بیماری بعدی حاصل از آن در موش‌ها دیده شده اثر گارسیا نامیدند

هیجان از نظر واتسون را تعریف کنید. (صفحه ۲۵۳). ۳۵.

برای واتسون شخصیت مجموعه ای از بازتاب های شرطی بود از نظراو هیجان در آدمی محصول وراثت و محیط است بنا به نظریه واتسون ماسه هیجان ترس خشم و عشق را به ارث می‌بریم از طریق فرایند شرطی شدن این سه هیجان اساسی برای افراد مختلف به اشیا گوناگون وابسته می شود

از بین بردن ترس های شرطی از نظر واتسون را شرح دهید.(صفحه ۲۵۴ و ۲۵۵). ۳۶.

واتسون نشان داده بود که یک هیجان ارثی مانند ترس می تواند به محرک هایی که در ابتدا موجب چنین هیجان می شوند انتقال یابد و مکانیسم این انتقال شرطی شدن کلاسیک است این یک یافته بسیار مهم است ولو اینکه بعدها نشان داده شد که شرطی شدن با بعضی محرک ها ساده تر از محرک های دیگر اتفاق می افتد اگر ترس ها آموخته می شوند پس می‌توان آنها را آموخته و خاموش کرد

نظریه یادگیری واتسون را توضیح دهید.(صفحه ۲۵۵). ۳۷.

بنا به نظریه واتسون یادگیری صرفاً به دلیل پشت سر هم آمدن رویدادها در یک فاصله زمانی کوتاه رخ می دهد شرطی شدن در فاصله اندک CS و US می‌شود اتفاق می افتد بلکه به این علت رخ می‌دهد که CS موجب تقویت US کلاسیک نه به این سبب که به دنبال هم می آیند

پدیده خاموشی و شرطی سازی تقابلی را تعریف کنید.(صفحه ۲۵۶). ۳۸.

خاموشی :فعالیت های بالینی مبتنی بر شرطی شدن کلاسیک بر این فرض استوار اند که چون اختلالات رفتاری وعادت های بد آموخته می شوند می توان آنها را آموخته کرد یا رفتارهای مثبت تری را جانشین آن ها ساخت

شرطی سازی تقابلی: روش دیگری که از خاموشی ساده تر نیرومندتر است شرطی سازی تقابلی نام دارد در شرطی سازی اصلی همراه می‌شود US به غیر از US با یک CS تقابلی

غرقه سازی را به عنوان یک روش درمانی توضیح دهید و مشکلات آن را ذکر کنید.(صفحه ۲۵۶ و ۲۵۷). ۳۹.

یک مشکل بزرگ در درمان هراس ها این است که افراد از تجارب ترسناک اجتناب می کنند یا از آنها می گریزد. از آنجا که خاموشی یک فرآیند فعال است اجتناب از محرک های ترسناک از وقوع خاموشی جلوگیری میکند

تنها راه ممکن برای خاموش کردن یک هراس این است که فرد را مجبور کنیم تا به مدت کافی در حضور محرک شرطی بماند تا بیاموزد هیچ چیز منفی اتفاق نخواهد افتاد . وقتی که چنین خاموشی اجباری برای برطرف کردن هراس ها بکار رود به آن غرقه سازی میگویند

مشکلات آن: در استفاده از روش غرق سازی بعضی از افراد بهبود می یابند اما بعضی ها بدتر می شوند با توجه به این واقعیت که مجبور کردن افراد به تجربه چیزی که مدت مدیدی از عمر خود را در ترس و اجتناب از آن گذرانده اند تعجب‌آور نیست که بعضی از آنان بدتر می‌شوند

روش درمان با حساسیت زدایی منظم ولپی را به طور خلاصه بیان کنید. (صفحه ۲۵۷ و ۲۵۸) ۴۰.

فن ولپی که عمدتاً برای درمان بیماران فوبیای به کار می رود شامل سه مرحله است مرحله اول مستلزم ایجاد یک سلسله مراتب اضطراب است برای این منظور یک توالی از رویدادهای اضطراب سال در نظر گرفته می‌شود و آنها را به ترتیب از شدیدترین تا خفیف ترین مرتب می کنند

ولی در دومین مرحله خود به بیماران آموزش می‌دهد تا به حالت آرمیدگی عضلانی کامل درآیند به آنان آموزش می دهد تا تنش عضلانی را از بین ببرند و یاد بگیرند حالت عدم اضطراب را تجربه کنند

در سومین مرحله بیمار ابتدا آرمیدگی عمیق را تجربه می‌کند و بعد از او خواسته می‌شود تا ضعیف‌ترین رویداد از سلسله مراتب است را تجسم کند سپس از او خواسته می‌شود تا رویداد بعدی را تجسم کند و این کار را ادامه می‌دهد تا تمام رویدادهای فهرست به ترتیب در تجسم بیمار درآیند.

(۶) ن س یادگیری فصل

به نام خدا *

سوالات فصل ۶ مقدمه ایی بر نظریه یادگیری *

اعضا: لیلای صدفی / سادات امانی نبا / فاطمه دلیری / شهین توکل *

استاد: سرکارخانم لیلا محمودی *

اصل حس کردن محیط بیرونی و رد محرک را توضیح دهید؟ تحریک بیرونی یک تکانه عصبی را راه اندازی میکند و بعد از قطع (۱) تحریک هم تا لحظاتی ادامه میابد و بنابراین رد محرک به مدت چند ثانیه پس از قطع رویداد محرک ادامه میابد

اصل کنش متقابل تکانه های حسی را توضیح دهید؟ رفتار تابع محرک های زیادی است که در هر لحظه بر ارگانیسم تاثیر میگذارد (۲) و ترکیب آنها رفتار راشکل میدهد

رفتار ناآموخته چیست؟ ارگانیسم با سلسه مراتبی از پاسخ ها متولد میشود که هنگام نیاز فعال میشود (۳)

اصل مجاورت و کاهش سائق را توضیح دهید؟ اگر محرکی به پاسخی منتهی شود و پاسخ ارضای یک نیاز زیست شناختی رابدهد (۴) پس تداعی بین محرک و پاسخ نیرومند میشود و رابطه بین محرک و پاسخ نیرومند میشود و منجر به کاهش سائق میشود

منظور هال و اسکینر از تقویت کننده چیست؟ هال تقویت کننده را محرک هایی می دانست که سائق را کاهش می‌داد و (۵) اسکینر تقویت کننده را هر چیزی که نرخ پاسخ را افزایش دهد

اصل تعمیم محرک چیست؟ توانایی یک محرک در فراخوانی یک پاسخ شرطی به وسیله شباهت آن با محرک به کار رفته در (۶) جریان شرطی شدن تعیین می شود بنابراین نیرومندی عادت از یک محرک به محرک دیگر تعمیم می یابد و میزان این تعمیم به شباهت بین دو محرک وابسته است

اصل محرک های وابسته به سائق را توضیح دهید؟ کمبود های زیست شناختی در ارگانیسم تولید حالت سائق میکند و هر (۷) سائق دارای محرک های خاص وابسته به آن است و وجود این محرک های خاص سائق این امکان را به وجود می آورد که تحت هر سائق به گونه ای رفتار کند

توان واکنش را توضیح دهید؟ احتمال انجام یک پاسخ آموخته شده در هر زمان معین را توان واکنش می‌گویند و توان واکنش تابعی (۸) است از نیرومندی عادت و سائق

بازداری واکنش چیست؟ بر اثر خستگی حاصل از فعالیت ماهیچه به وجود می آید و به مقدار کار مورد نیاز در انجام تکلیف وابسته (۹) است

عملکرد زمانی که تمرین بی وقفه باشد بهتر است یا تمرین فاصله دار باشد؟ وقتی تمرین های یادگیری از هم فاصله داشته (۱۰) باشند یعنی فاصله دار باشند از زمانی که تمرین ها نزدیک به هم انجام شوند یعنی تمرین بی وقفه باشد عملکرد بهتر است

اثر نوسان چیست؟ یک توان بازدارنده وجود دارد که از لحظه به لحظه دیگر تغییر می کند و علیه فراخوانی یک پاسخ آموخته (۱۱) شده عمل می نماید که به این توان بازدارنده اثر نوسان می گویند

پویایی شدت محرک چیست؟ هر چه شدت یک محرک بیشتر باشد احتمال اینکه یک پاسخ یاد گرفته شده انجام شود بیشتر (۱۲) است

خلاصه نظام نهایی هال چیست؟ (۱۳)

متغیرهای مستقل این ها رویدادهای محرک هستند که به طور نظام دار به وسیله آزمایشگر دستکاری می شوند (۱)

متغیرهای رابط اینها فرایندهایی هستند که فکر می شود درون ارگانیسم رخ می دهد ولی مستقیماً قابل مشاهده نیستند (۲)

متغیرهای وابسته این ها جنبه هایی از رفتار هستند که به وسیله آزمایشگر اندازه گیری می شود تا معلوم شود که متغیرهای (۳) مستقل موثر بوده اند یا نه

سلسله مراتب عادت های هم خانواده چیست؟ در هر موقعیت یادگیری تعداد زیادی پاسخ ممکن وجود دارد و پاسخی که (۱۴) بیشترین احتمال را دارد پاسخی است که سریعتر به تقویت می رسد و کمترین کوشش را می طلبد

هال چه سائقی را برای یادگیری انسان لازم دانست ؟ اضطراب (۱۵)

برداشت اسپنس از نظریه هال چیست ؟ برداشت او این است که دانش آموزان آنچه را که انجام می دهند یاد می گیرند اما (۱۶) برای او مشوق ها مهم هستند چون این مشوق ها هستند که یادگیرندگان را وادار می کند تا آنچه را که یاد گرفته اند به عمل در بیاورند

انتقادات وارد بر نظریه هال را بنویسید؟ نظریه او در تبیین رفتارهای خارج از آزمایشگاه ارزش چندانی نداشت می شود که این (۱۷) نظریه تأکید زیادی بر این داشت که تمام مفاهیم باید به طور عملیاتی تعریف شود و مهم تر از همه اینکه پیش بینی های او همیشه درست نبوده است و نظریه خود را به اندازه کافی اصلاح نکرد

شرطی کردن گریز چیست؟ اگر یک ارگانیسم شوک برقی دریافت کند تا این که پاسخ معینی را به اجرا درآورد به سرعت خواهد (۱۸) آموخت که هر زمان شوک دریافت می کند آن پاسخ را انجام دهد که به این روش شرطی کردن گریز می گویند

چیزی که ماور آن را راه حل آموزی نامید ثراندیک و هال و اسکینر چه نامیدند ؟ ثراندیک و هال آن را شرطی شدن وسیله (۱۹) نامیدند و اسکینر آن را شرطی شدن کنش گر نامید

راه حل آموزی چیست؟ راه حل آموزی شامل یادگیری انجام دادن فعالیت هایی است که یا به محرک آزاددهنده و یا به هیجان (۲۰) های منفی مانند ترس که به وسیله محرک هایی که از طریق شرطی شدن کلاسیک به صورت علامت خطر در آمده اند پایان می دهد

تقویت کننده های کاهشی چیست؟ محرک های غیر شرطی مانند غذا که سائقی را کاهش می دهند مثل گرسنگی تقویت (۲۱) کننده های کاهشی نامیده می شود

تقویت کننده های افزایشی چیست؟ محرک های غیر شرطی مانند شوک سائقی را افزایش می دهند تقویت کننده های (۲۲) افزایشی می نامند

موضع گیری نهایی ماور در مورد یادگیری را بنویسید ؟ ماور به این اعتقاد داشت که تمام یادگیری یادگیری علامت است و قبلاً (۲۳) تصور می شد که یادگیری از راه کاهش سائق آموخته میشود اما او بیان کرد یادگیری به وسیله علامت های آموخته شده هدایت میشود زیرا آنها با پیامدهای مثبت و منفی تداعی شده اند

یادگیری تمییز دادن چیست ؟ دریادگیری تمییز دادن معمولاً به حیوان دو محرک ارائه می‌شود و برای پاسخ دادن به یکی از آن (۲۴) دو تقویت می‌شود اما برای پاسخ دادن به محرک دوم تقویت دریافت نمی‌کند و در ضمن یادگیری حیوان ها اصول یا راهبرد ذهنی را می‌آموزند نه تداعی بین محرک و پاسخ

یادگیری نهفته چگونه یادگیری است؟ به یادگیری که بدون تقویت کننده اتفاق می‌افتد یادگیری نهفته میگویند (۲۵)

نظریه خاموشی ناکامی _رقابت اسپنس را توضیح دهید ؟ عدم تقویت موجب ناکامی می‌شود که پاسخ های ناهمساز با پاسخ (۲۶) یاد گرفته شده را فرا می‌خواند بنابراین این پاسخ‌های ناهمساز با پاسخ یاد گرفته شده رقابت می‌کند

نظر اسپنس و هال درمورد خاموشی چیست ؟ حال خاموشی را خستگی از پاسخ دادن در نبود تقویت تبیین می‌کنند اسپنس (۲۷) خاموشی را بر حسب تداخل فعال پاسخ‌هایی که بر اثر ناکامی به وجود می‌آیند با رفتار یاد گرفته شده تبیین می‌کند

چهار ویژگی نظریه ناکامی را مشخص کنید؟ ویژگی اول ناکامی نخستین است و دومین ویژگی تحریک درونی ناشی از ناکامی (۲۸) نخستین است و سومین و چهارمین ویژگی عبارتند از پاسخی که به محرک های محیط شرطی شده که در حضور ناکامی نخستین روی میدهد و محرک های بازخورد درونی که به وسیله آن پاسخ شرطی تولید شده اند

السون و هرگنهان , یادگیری , دانشجويان : برچسب‌ها

نظرات | نوشته شده در شنبه پانزدهم آذر ۱۳۹۹ ساعت ۲:۵۹ توسط لیلا محمودی ±

(۵) ن س روانشناسی یادگیری فصل

:نمونه سؤالات فصل ۵ روانشناسی یادگیری

منظور از رفتار پژواکی چیست؟ _۱

منظور از رفتار پژواکی یک رفتار کلامی است که وقتی پاسخ کلامی شخص دیگری عیناً و کلمه به کلمه تکرار می‌شود، تقویت می‌گردد.

نقش اصلی رفتار خود سنجی چیست؟ _۲

. نقش اصلی رفتار خود سنجی توصیف پاسخ ها، بیان روابط و تدارک یک چهارچوب دستوری برای رفتار کلامی است

قرارداد وابستگی چیست؟ _۳

. قرارداد وابستگی روشی است برای تغییر رفتار به وسیله ی وابستگی های تقویت جاری، به جای وابستگی های تقویتی دیر آیند

رویکرد ارگانیسم تهی چیست؟ _۴

رویدادهای رفتاری باید بر حسب اموری که مستقیماً بر رفتار اثر می‌گذارند توصیف شوند و از لحاظ منطقی نادرست است که بکوشیم تا رفتار را بر حسب رویدادهای فیزیولوژیکی تبیین کنیم، به همین دلیل روش پژوهش اسکینر رویکرد ارگانیسم تهی نامیده شده است.

از نظر اسکینر محمل فرهنگی تأثیرات نیرو بخش وابستگی های تقویت را کاهش می‌دهند چیست؟ _۵

۱- بیگانه ساختن کارگردان نسبت به پیامدهای کارشان

۲- کمک به کسانی که می‌توانند به خودشان کمک کنند

۳- هدایت رفتار به وسیله ی قواعد، به جای فراهم آوردن پیامدهای تقویتی

۴- حفظ محورهای آزارنده ی حکومتی و مذهبی با استناد به منافع دیر آیند آن برای مرد

تقویت فعالیت های نگاه کردن، گوش دادن، خواندن و قمار کردن و... درحالی رفتارهای دیگر به ندرت تقویت می شوند ۵-

تقویت کننده ی نخستین و ثانوی چیست؟ ۶-

تقویت کننده ی نخستین به بقای ارگانیسم مربوط است و تقویت کننده ی محرکی است که بارها با یک تقویت کننده ی نخستین همراه بوده است.

اصل پریماک چیست؟ ۷-

اگر فعالیتی از فعالیت دیگری بیشتر رخ می دهد می توان از آن برای تقویت کردن فعالیتی که کمتر رخ می دهد، استفاده کرد. این اصل را اصل پریماک می نامند به نظر می رسد که در مورد انسان و حیوان هر دو صادق باشد.

سه شرط اسکینر برای یادگیری بهتر را بنویسید؟ ۸-

اطلاعاتی که قرار است آموخته شوند و در گام های کوچک ارائه کردند ۱-

به یادگیرندگان از چگونگی عملکردشان بازخورد فوری داده شود ۲-

یادگیرندگان با سرعت متناسب، با توانایی خودشان پیش بروند ۳-

ویژگی های برنامه ریزی خطی را بنویسید و یکی را توضیح دهید ۹-

گام های کوچک ۲- پاسخ دهی آشکار ۳- بازخورد فوری ۴- سرعت شخصی ۱-

منظور از سرعت شخصی این است که یادگیرندگان در طول برنامه با سرعت مناسب و با توانایی خود جلو می روند.

دام غریزی را توضیح دهید؟ ۱۰-

هر زمان یک حیوان دارای رفتارهای غریزی نیرومند در زمینه ی پاسخ شرطی است پس از انجام رفتار برای مدتی، جاندار به دام رفتار غریزی می افتد و این سبب کاهش رفتار شرطی می شود و اینکه به قیمت تأخیر یا حذف تقویت تمام شود. به طور خیلی دقیق تر، و ساده تر می توان گفت که رفتار یاد گرفته شده به دام رفتار غریزی می افتد.

(۴) ن س روانشناسی یادگیری فصل

نمونه سوالات فصل چهار

نظریه ی ثرندایک چه نوع نظریه ای است؟ ۱۰

در واقع نظریه ی ثرندایک را میتوان ترکیبی از تداعی گرای، داروین گرایی و روش های علمی دانست.

نظریه ی ثرندایک چه نام دارد؟ ۲۰

اشاره میکند (R) و پاسخ (S) پیوند گرایی نام دارد که در آن پیوند به رابطه ی عصبی بین محرک

از نظر ثرندایک اساسی ترین شکل یادگیری چیست؟ ۳۰

یادگیری از راه گوشش و خطا و یا آنچه او در اصل گزینش و پیوند می نامد

نیرومند شدن یا ضعیف شدن پاسخ در نتیجه ی چیست؟ ۴.

در نتیجه ی پیامد های پاسخ است

بنا به قانون اثر اگر یک پاسخ به یک وضع خوشنود کننده منجر شود پیوند.....نیرومند میگردد ۵.

$S - R =$ پاسخ جای خالی

مفاهیم ثانویه پیش از ۱۹۳۰ را نام ببرین؟ ۶.

پاسخ چند گانه _ امایه یا نگرش _ غلبه عناصر _ پاسخ از راه قیاس _ جای گشت تداعی

نظریه ی ثرندایک در مورد نورو فیزیولوژیک چه بود؟ ۷.

او تصور میکرد واکنش نورو فیزیولوژیکی عامل واقعی نیرومند سازی پیوند های عصبی است

ثرندایک با کدام مفهوم خود به مخالفت با انضباط سوری پرداخت؟ ۸.

پاسخ از راه قیاس و انتقال آموزش

قانون اثر تجدید نظر شده ثرندایک چگونه تدوین شد؟ ۹.

تقویت نیرو مندی یک پیوند را افزایش می دهد در حالی که تنبیه بر نیرومندی پیوند هیچ الگویی ندارد

نظر ثرندایک در مورد تعلق پذیری چه بود؟ ۱۰.

فاعل ها و فعل هایش از آخرین کلمه های یک جمله اولین کلمه های جمله ی بعد به هم تعلق دارند

: نظریه ی ثرندایک پیش از ۱۹۳۰ شامل قانون تمرین بود که از دو بخش تشکیل میشد نام ببرید ۱۱.

قانون استفاده _ قانون عدم استفاده

چه چیزی سبب ناکامی در رفتار هدف گرایی میشود؟ ۱۲.

مداخله در رفتار هدف گرا و مجبور کردن شخص به انجام عملی که مایل به انجام آن نیست، سبب ناکامی او میشود

ثرندایک (۱۸۹۸) بر اساس پژوهش های خود به چه تاکید داشت؟ ۱۳.

ثرندایک با تاخیر اظهار داشت که یادگیری مستقیم است و با واسطه تفکر یا استدلال صورت نمی پذیرد

معلمان پیرو ثرندایک از کنترل مثبت در کلاس درس استفاده میکنند. چرا؟ ۱۴.

بنا به نظریه ی ثرندایک، عوامل خشنود کننده یا پاداش ها، پیوند های بین محرک ها، پاسخ ها رو نیرومند میسازند. اما عوامل آزار دهنده این پیوند ها را ضعیف نمیکنند. هم چنین معلمان پیرو ثرندایک از ایراد سخنرانی اجتناب میکنند و آموزش انفرادی را ترجیح میدهند.

:باور ثرندایک در رابطه با آموزش و پرورش را بیان کنید ۱۵.

ثرندایک باور داشت که فعالیت های مربوط به آموزش و پرورش را باید به طور علمی مطالعه کرده و انتظار داشت که هرچه اطلاعات بیشتری درباره ی ماهیت یادگیری بدست می آیند به همان نسبت فعالیت های آموزشی هم باید بهبود یابند.

نتیجه گیری ثرندایک درمورد اینکه یادگیری افزایشی است نه بینشی، بیان کنید ۱۶.

یادگیری در گام های منظم بسیار کوچک رخ میدهد نه در پرش های بزرگ.

منظور ثرندایک از نیرومند شدن یا ضعیف شدن پیوند چه بود؟ ۱۷.

ثرندایک در قانون تمرین میگوید که ما با انجام دادن یاد میگیریم و با انجام ندادن از یاد میبریم.

قانون عدم استفاده (ثرندایک) را بیان کنید ۱۸.

پیوند های بین موقعیت ها و پاسخ ها، زمانی که تمرین قطع میشود یا زمانی که پیوند های عصبی مورد استفاده قرار نمیگیرد ضعیف میشوند.

ثرندایک با مفهوم غلبه ی عناصر چه چیزی را معرفی کرد؟ ۱۹.

ثرندایک پیچیدگی محیط را معرفی کرد و نتیجه گرفت که ما به طور انتخابی به جنبه های مختلف آن پاسخ میدهم و چگونگی پاسخ دهی ما به یک موقعیت هم به آنچه که مورد توجهمان قرار میگیرد وابسته است و هم به نوع پاسخ هایی که به آنچه مورد توجهمان قرار میگیرد پیوند یافته اند.

چرا به نظر میرسد که درس های دشوارتر، شاگردان بهتری تربیت میکند؟ ۲۰.

جواب ثرندایک این است که در اصل شاگردان باهوش تر جذب این درس ها میشوند.

نظریه ی جایگشت تداعی با کدام نظریه کاملاً فرق دارد؟ ۲۱.

با نظریه ی یادگیری کوشش و خطا که مبتنی بر قانون اثر است و به قانون اثر وابسته است کاملاً فرق دارد ولی جای گشت تداعی به مجاورت نیاز دارد.

جای گشت تداعی چه چیزی را معرفی میکند؟ ۲۲.

جای گشت تداعی نوع دومی از یادگیری را معرفی میکند که شبیه به نظریه های پاولوف و گاتری است.

مفاهیم ثانویه پیش از ۱۹۳۰ کدامند؟ ۲۳.

پاسخ چندگانه _ اما یه یا نگرش _ غلبه ی عناصر _ پاسخ از راه قیاس _ جای گشت تداعی.

نظریه ی ثرندایک درمورد تعلق پذیری چه جود؟ ۲۴.

فاعل ها و فعل ها پیش از آخرین کلمه های یک جمله و اولین کلمه های جمله بعد به هم تعلق دارند.

ثرندایک کدام قانون را مردود اعلام کرد؟ ۲۵.

ثرندایک از بنیاد قانون تمرین را مردود اعلام کرد.

ثرندایک در کشف گسترش اثر چه چیزی را احساس کرد؟ ۲۶.

